ویژه سالنامه|۷۳

حقیقت

مجلهٔ علمی فرهنگی جهادی

سال دوازدهم
شماره ششم

- موفقیت امارت اسلامی در امر مدیریت مهاجران برگشت‌کننده در افغانستان
- چهار سال از حکومت امارت اسلامی؛ سیاست دست‌یافتن به ناممکن‌ها در افغانستان
- تقویت ایمان، نیاز حیاتی هر مسلمان با نشانه‌های قرآنی و آیات الهی
- غذای سالم، زندگی سالم
- له بحران تر باور: د افغانستان د انرژۍ د خپلواکۍ نوې څپه

محرم و صفر ۱٤٤۷ هـ‌ق
سنبله و میزان ۱٤۰٤ هـ‌ش
آگوست و سپتمبر ۲۰۲۵ م

✨ مطالب اختصاصی ۲٤ و ۲۸ اسد ✨

د افغانستان اسلامي امارت

حقیقت

مجله علمی فرهنگی جهادی

سال دوازدهم، شماره ششم * محرم و صفر ۱۴۴۷ هـ ق * سنبله و میزان ۱۴۰۴هـ ش*آگوست و سپتامبر ۲۰۲۵م

مؤسس و مدیر مسئول: احمد تنویر (مولوی نعیم‌الحق حقانی)

هیئت تحریریه:
محمدداود مهاجر - سعید مبارز
عبدالله هروی - طلحه بدخشانی
صلاح‌الدین نیمروزی-احمدالله جلالی

دیزاین: صابر بلوچ

مترجم انگلیسی:
سعیدالرحمن حنیف

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com

صفحه توئیتر مجله حقیقت:
@HaqiqatMagazine

صاحب امتیاز:
امارت اسلامی افغانستان

فهرست مضامین

- سرمقاله..................................۰۱/
- چهار سال از حکومت امارت اسلامی؛ سیاست دست‌یافتن به ناممکن‌ها در افغانستان..................۰۲/
- موفقیت امارت اسلامی در امر مدیریت مهاجران برگشت کننده در افغانستان..................۰۵/
- نقش تجارت در گسترش روابط بین‌الملل و منافع آن برای افغانستان..................۰۸/
- طرح ساخت خط آهن کندهار – هرات – بلخ؛ انقلابی در عرصه حمل و نقل زمینی افغانستان..................۱۰/
- مدیریت خوب آب‌ها، تضمین برای آینده است..........۱۲/
- صنعت، محرک اصلی رشد اقتصادی و زیربنای توسعه پایدار کشور..................۱۴/
- له بحران تر باور: د افغانستان د انرژۍ د خپلواکۍ نوې څپه....۱۷/
- اهمیت بهره‌وری در سازمان‌ها..................۲۰/
- تقویت ایمان، نیاز حیاتی هر مسلمان با نشانه‌های قرآنی و آیات الهی..................۲۲/
- اهمیت شفقت و مهربانی از دیدگاه اسلام (اهل سنت).......۲۷/

مطالب اختصاصی ۲۴ اسد

- اعلامیه مقام امارت اسلامی در پیوند به چهارمین سالگرد پیروزی مجاهدین و آزادی از اشغال امریکایی و فتح کامل..................۲۹/
- ۲۴ اسد؛ شام سیاه رخت بست صبح درخشان آمد..۳۰/
- ۲۴ اسد؛ نقطه‌ی عطفِ تاریخ افغانستان.........۳۲/
- ۲۸ اسد؛ از استقلال ۱۹۱۹ تا شکست قدرت‌های بزرگ....۳۴/
- ۲۴ اسد؛ طلوع دوبارهٔ خورشید استقلال بر کشور!......۳۶/
- ۲۸ اسد؛ صدوششمین سال‌روز مقاومت و ایستادگی ملت افغان..................۳۷/
- از شکست آمریکا تا پیروزی امارت اسلامی؛ بازخوانی یک رویداد تاریخی..................۳۸/
- استقبال گستردهٔ ملت افغان از ۲۴ اسد و پیام آن به جهانیان!..................۴۰/
- چهار سال اقتدار، امنیت و شکوه ملی؛ کارنامه درخشان امارت اسلامی افغانستان..................۴۲/
- روز آزادی..................۴۴/
- از قیام تا استقلال؛ حماسه رهایی از استعمار انگلیس..۴۵/
- بیست‌وچهارم اسد؛ سرآغاز تقویمِ رهایی از شرارت‌های تیوری نوسازی آمریکایی..................۴۶/
- انواع خط در مسجد جامع بزرگ هرات باستانی.........۴۸/
- له روسيې سره د ډیپلوماتیکو تعاملاتو په اړه د ځینو ناسمو برداشتونو او تحلیلونو ځواب..................۵۰/
- غذای سالم، زندگی سالم..................۵۱/
- سلسله خاطرات میدان جهاد، اسارت و جدا ناپذیری آن از مکتب جهاد (بخش یازدهم)..................۵۴/
- باغچه علم، معرفت و آگاهی..................۵۶/
- پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی (بخش سی و سوم)..................۶۰/
- صفحه ویژهٔ شیربچه‌های هندوکش (بخش سی و پنجم).........۶۲/
- زندگان جاوید (بخش چهل و چهار)..................۶۴/
- بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان...۶۶/
- بزم شعرو ادب..................۶۹/
- خلاصه مقالات به انگلیسی..................۷۲/

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.
ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

کلام نخست...

استقلال، با ارزش‌ها شکل گرفت، به تحقق نشست و با ارزش‌ها حفظ خواهد شد

ارزش‌ها در هر جامعه‌ای، از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نقش در هدایت جامعه، به جهتی که هدف مردم آن جامعه است، حرکت می‌دهد. این ارزش‌ها از زمان تولد تا زمان مرگ، همراه و هدایت‌کننده فرد است.

فرد به مانند یک خشت که اساس خانه را شکل می‌دهد، اساس جامعه انسانی را ساخته است و هر قدر که نوعیت این فرد مستحکم‌تر و اصیل‌تر باشد، خانه‌ی مستحکم‌تر و جامعه‌ی قوی‌تر شکل می‌گیرد که با اندک طوفان و نابسامانی، آسیب نخواهد دید.

آن‌چه باعث قوی شدن این فرد می‌شود، ارزش‌ها است، همان ارزش‌هایی که در جامعه محترم‌اند و همه افراد مجبورند آن‌ها را رعایت کنند.

برای کشورها، تمامیت ارضی یک ارزش است که هر فرد در آن کشور، دفاع از تمامیت ارضی را وظیفه خود عنوان کرده، تعرض و اشغال آن را نمی‌پذیرد.

در کشور باستانی ما افغانستان که در طول تاریخ‌اش بارها اشغالگران را درس عبرت داده، ارزش حفاظت از وطن در برابر اشغال ظالمین، در رگ و خون فرد فرد از پدران میراث مانده و به نسل امروز رسیده است.

برج اسد و سنبله، یادگار و یادآور شجاعت‌ها و دلاوری‌های رادمردان افغان است که با حمایت و انگیزه حفظ تمامیت ارضی شکل گرفته و به تحقق نشسته است.

۲۴ اسد، ۲۸ اسد و ۹ سنبله، روزهایی هستند که مردم ما از یک و نیم قرن پیش شروع کرده بودند و به سال ۱۴۰۰ خورشیدی، با خروج آخرین سرباز از نیروهای اشغالگر افغانستان، با نتیجه‌ی خوبی به پایان رسید.

در این یک و نیم قرن اخیر، بریتانیا که آفتاب در قلمروش غروب نمی‌کرد، اتحادیه جماهیر شوروی که از قدرتمندترین نظام‌ها در وقتش بود و ناتو و کشورهای غربی که قدرت‌شان حرفی به گفتن داشت، در این سرزمین، با تلاش‌های دلیرمردان افغان شکست خورده و با شرمساری افغانستان را ترک کردند.

مردم ما در حالی توانستند در برابر این قدرت‌ها ایستاده شوند که اندک‌ترین امکانات نظامی را در اختیار داشتند اما ایمان قوی و اخلاص‌شان باعث شد تا این ملت در برابر قدرت‌های نظامی وقت، ایستاده شوند و همان بحث می‌شود که چون استقلال، با ارزش‌های جامعه ما شکل گرفت و به تحقق نشست، با همین ارزش‌ها حفظ خواهد شد.

چنان که مولانای بلخی گفته است:

هر کسی که او دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

مردم ما هر زمانی که از اصل خویش دور شدند، دوباره حس وطن‌خواهی و حفاظت از تمامیت ارضی در وجودشان شعله‌ور شد و نگذاشتند که اشغالگران در این سرزمین به پیروزی و اهداف شوم‌شان برسند.

حال که دوباره وطن ما آزاد شده و استقلال واقعی را چشیده است، تلاش مشترک می‌خواهد تا حفظ گردد و این تلاش‌ها باید از ارزش‌های حاکم در جامعه ما شکل گرفته باشد تا کارآمد واقع گردد.

ما نیاز داریم که در اصل خویش باقی بمانیم و از اصل خویش دور نشویم، در غیر این صورت، توان حفظ کردن ارزش‌های کسب شده برای ما سخت خواهد شد.

چنگ به ریسمان الهی، ترویج فرهنگ وطن‌دوستی، کمک با مسئولان و نیروهای امنیتی جهت حفظ ثبات و امنیت، ترجیح دادن منافع عمومی بر منافع شخصی و مواردی از این قبیل، ما را قادر خواهند ساخت تا از ارزش‌های بدست آمده، به گونه‌ای که در شأن آن‌ها است، حفاظت کنیم.

چهار سال از حکومت امارت اسلامی؛

سیاست دست‌یافتن به ناممکن‌ها در افغانستان

نویسنده: یاسین اکتای
ترجمه: ضمیر هراتی

چهار سال از زمانی که آمریکا و تمام اعضای ناتو از باتلاق افغانستان بیرون رفتند، می‌گذرد. اگر ۱۵ اگوست را تاریخ مرجع بگیریم، می‌توانیم نه روز را از این مدت کم کنیم.

اگر افغانستان را «باتلاق» بخوانیم، البته که برای اشغال‌گران باتلاق است؛ اما برای کسانی که می‌خواهند به طور قانونی و مشروع وارد افغانستان شوند، این‌جا با مردم، آب‌وهوا، طبیعت زیبا و منابعی که خداوند به آن بخشیده، یک بهشت روی زمین است. شاید گویاترین حرف در این مورد، حرف یکی از نمایندگان امارت اسلامی در مذاکرات اخیر بیرون‌شدن نیروها بود.

وقتی به آن‌ها پیشنهاد شد که برای حفاظت از سفارت، چند عسکر را بگذارند، او جواب داد: «ما به شما اجازه نمی‌دهیم حتی یک تفنگ داشته باشید. در مورد حفاظت، ما می‌توانیم از هر کسی که به این کشور می‌آید، محافظت کنیم و مثل مهمان از شما پذیرایی کنیم، اما به شرطی که از راه اشغال یا استعمار نیایید. هر بار که به این شکل بیایید، چیزی جز جنگ تا آخرین عسکر از ما نخواهید دید». در واقع، افغانستان در حال حاضر ویدیوهای تبلیغاتی برای توریزم به زبانی نرم، شیرین و شوخ‌طبعانه

نشر می‌کند و هر کسی را که می‌خواهد به شکل قانونی از این کشور دیدن کند، برای سرمایه‌گذاری و سیاحت دعوت می‌کند.

با نزدیک‌شدن به چهارمین سالگرد رهایی افغانستان از اشغال آمریکا، ما یک‌ونیم سال پس از آخرین دیدارمان دوباره برگشتیم. این بار می‌خواهیم ببینیم چه اتفاقاتی در این چهار سال پس از «فتح» (که افغان‌ها آن را این‌گونه می‌نامند) افتاده و از آخرین باری که پای‌مان را به این سرزمین گذاشتیم، چه تغییراتی رخ داده و پیشرفت در مسیرهایی که آن وقت بررسی کرده بودیم، چقدر بوده است.

یکی از اولین پیشرفت‌های قابل توجه این است که در این مدت، شرکت هوایی ترکیش ایرلاینز پروازهای خود را به افغانستان شروع کرده و روزانه یک پرواز بزرگ به کابل دارد که کاملاً پُر از مسافر است. در گذشته که تنها گزینه شرکت هوایی افغانستانی «کام ایر» بود، طیاره به سختی یک‌سوم ظرفیتش پُر می‌شد. امروز، نه تنها پروازها به افغانستان بیشتر شده، بلکه این پروازهای روزافزون برای برآوردن تقاضای فزاینده برای سفر به این کشور دچار مشکل هستند .

اگرچه در میان مسافران شماری از شهروندان ترکیه برای تجارت، سرمایه‌گذاری یا سیاحت به افغانستان سفر می‌کنند، اما اکثریت مطلق مسافران را افغان‌ها تشکیل می‌دهند، به علاوه تعدادی از مسافران از اروپا و کشورهای دیگر. این به خاطر این است که سفر به افغانستان از بیشتر کشورهای اروپایی فقط از طریق استانبول ممکن است، که باعث می‌شود ترکیش ایرلاینز مسافرانی از سراسر جهان را در استانبول جمع‌آوری کرده و به کابل انتقال دهد.

در میان این مسافران، کسانی هستند که پس از ۲۰، ۳۰ یا حتی ۴۰ سال دوری، برای اولین بار به وطن خود برمی‌گردند. این افراد ترجیح می‌دهند در مورد حکومت امارت اسلامی زیاد حرف نزنند، اما به صورت کوتاه اشاره می‌کنند که کشور در حال حاضر باثبات و امن است و حکومت برای اولین بار از تمام افغان‌ها دعوت می‌کند که در رشد و پیشرفت وطن سهیم شوند.

ما در سفر قبلی خود نیز اشاره کردیم که در پنجاه سال اخیر، تغییر حکومت در افغانستان همیشه با خون‌ریزی، انتقام و تصفیه‌حساب با حکومت قبلی همراه بوده. هر تغییر باعث موج‌های بزرگ هجرت می‌شد. اما این بار، برای اولین بار، امارت اسلامی در دوره دوم حکومت خود، به عفو عمومی که اعلام کردند، پایبند بودند و به طور کامل از اقدامات انتقام‌جویانه یا تصفیه‌حساب با گذشته پرهیز کردند. حقیقت این است که اعلام عفو عمومی در جامعه‌ای مثل افغانستان که ریشه‌های انتقام‌های قبیله‌ای و درگیری‌های عشایری عمیقاً در بافت فرهنگی و سنتی آن جای دارد، بسیار دشوار است. اجرای آن در عمل تقریباً ناممکن است. با این وجود، امارت اسلامی توانستند این کار تقریباً ناممکن را به واقعیت تبدیل کنند. هر کسی که می‌خواهد از قدرت، اقتدار و نفوذ امارت اسلامی در جامعه باخبر شود، نیازی به جست‌وجو در جایی دیگر ندارد؛ این دست‌آورد بهترین دلیل است.

در واقع، توانایی تحریک امارت اسلامی -با وجود تمام تصورات منفی که درباره‌اش وجود دارد- برای اعلام و اجرای این عفو عمومی و دست‌یافتن به آشتی اجتماعی که تقریباً ناممکن به نظر می‌رسید، یک دست‌آورد بسیار مهم بوده که سزاوار توجه و تقدیر زیادی است. این مسیر در اصل، یک داستان موفقیت واقعی است که محققان در زمینه‌های صلح اجتماعی و مدیریت بحران باید آن را به دقت بررسی کرده و از آن درس بگیرند.

در چهار سال گذشته، هیچ تخطی از این عفو ثبت نشده، با وجود اینکه اعضای کنونی حکومت امارت اسلامی -که از زندان‌ها آزاد شده‌اند- هر روز در همان سرک‌ها و محلات با کسانی ملاقات می‌کنند

که در گذشته آن‌ها را شکنجه کرده، آزار داده و شاید حتی نزدیکان‌شان را شهید کرده‌اند. وقتی موضوع عفو پیش از اعلام آن برای بحث مطرح شد، برخی از رهبران ارشد تحریک تمایل داشتند استثنائاتی قائل شوند تا افراد خاصی را مجازات کنند. اما امیر امارت اسلامی، عالیقدر امیرالمومنین ملا هیبت‌الله آخندزاده حفظه الله، با رد هر گونه استثنا، این بحث را پایان داد و تأکید کرد که عفو شامل همه، بدون هیچ تبعیضی خواهد بود و تصمیم او به طور کامل پذیرفته شد.

در حالی که جهان هنوز از طریق کلیشه‌ها و کمپین‌های رسانه‌ای نادرست به امارت اسلامی نگاه می‌کند، تأثیر این تصمیم در داخل افغانستان بسیار زیاد بود، به سرعت در میان مردم پخش شد و باعث شد صدها هزار افغان از خارج کشور پس از سال‌ها دوری، برای اولین بار به وطن خود بازگردند.

این تنها دست‌آورد آن‌ها نیست؛ آنچه در مبارزه با مواد مخدر انجام شده نیز باورنکردنی است. در کشوری مانند افغانستان که جنگ‌ها آن را فرسوده کرده و امروز با پیامدهای اقتصادی و مالی آن روبه‌رو است، کشت مواد مخدر می‌توانست منبع بزرگ اقتصادی باشد. وقتی ما پس از سفر قبلی خود در مورد این موضوع در مقالات یا کنفرانس‌ها صحبت کردیم، با تعجب زیادی از سوی مردم مواجه شدیم، زیرا بسیاری باور نمی‌کردند که امارت اسلامی واقعاً از این منبع مالی بزرگ دست کشیده‌اند و این باور غالب بود که امارت اسلامی یا این کار را مخفیانه ادامه می‌دهند، یا قادر به دست‌کشیدن از سود تجارت مواد مخدر نیستند. بسیاری نمی‌توانستند باور کنند که امارت اسلامی این کار نامکن را انجام داده‌اند.

در واقع، تحریک امارت اسلامی می‌توانست این موضوع را به صورت مخفیانه مدیریت کند تا با شک و تردیدهایی که بسیاری در مورد اهداف آن داشتند، هم‌خوانی داشته باشد، به ویژه که اقتصاد (سود) مربوط به این موضوع بسیار بزرگ بود. شاید نظام قبلی و ایالات متحده نیز به این اقتصاد وابسته بودند. اما در این زمینه، تصمیم رهبری امارت اسلامی با بیانیه‌ای کوتاه و قاطع به این موضوع پایان داد: «کشت خشخاش، تجارت و استفاده از آن ممنوع است».

دلیل ممنوعیت این است که این کار از نظر شرعی حرام است، و حرام‌بودن به تنهایی دلیل کافی برای دوری از آن است، فارغ از هر فایده اقتصادی که ممکن است برای جامعه داشته باشد. از چهار سال پیش، کشت تمام گیاهانی که به عنوان منبع مواد مخدر استفاده می‌شدند، ممنوع شد.

به جای کشت آن گیاهان، کشت زعفران در آن زمین‌ها آغاز شد، که یک گیاه با ارزش بالا در افغانستان است و با وجود اینکه عایدات اقتصادی آن به اندازه مواد مخدر نیست، اما به عنوان یک منبع درآمد خوب محسوب می‌شود.

علاوه بر این دست‌آوردها، حدود سه میلیون معتاد به مواد مخدر در افغانستان شناسایی شده و مقامات شروع به درمان آن‌ها کرده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که اکثریت مطلق آن‌ها درمان شده‌اند. این فقط درمان نیست، بلکه برای کمک به آن‌ها برای دریافت فرصت‌های شغلی، دوره‌های آموزشی شغلی نیز برای‌شان فراهم می‌شود. این عملکرد در مبارزه با مواد مخدر فراتر از آن چیزی است که بسیاری از برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر در کشورهای مختلف جهان ارائه می‌دهند، و این نیز یک دست‌آورد استثنایی محسوب می‌شود که در مدت‌زمان کوتاهی به دست آمده است.

زندگی اجتماعی در افغانستان آن‌قدر که بسیاری فکر می‌کنند سخت و جدی نیست. برعکس، در برخی جهات ممکن است راحت‌تر از آنچه انتظار می‌رود، باشد. ما به انتقال برداشت‌های‌مان در مورد این موضوع ادامه خواهیم داد.

موفقیت امارت اسلامی در امر مدیریت مهاجران برگشت‌کننده در افغانستان

نویدآقا « صاحب زاده »

از زمان تسلط امارت اسلامی در افغانستان، یکی از موضوعات مهم در دستور کار نهادهای مربوطه امارتی، دعوت از مهاجرین بوده است که خوشبختانه طی سال‌های اخیر، این روند آغاز و خوب مدیریت شده است.

در این رستا، امارت اسلامی تلاش‌هایی را جهت مدیریت بازگشت مهاجرین، بهبود شرایط پذیرش، و فراهم‌سازی امکانات اولیه انجام داده است که موارد ذیل از جمله موفقیت‌های امارت اسلامی برای کنترول سیل از مهاجرین را نشان می‌دهد:

تاسیس کمیسیون خاص برای مهاجرین:

ایجاد این کمیسیون در ساختار خود مشخص برای رسیدگی برای مهاجرین در سطح ملی است. و این کمیسیون بالای تمام نهادهایی که برای مهاجرین برگشتی خدمات ارائه می‌کنند نظارت کلی دارد.

هماهنگی با کشورها و نهادهای بین‌المللی:

هماهنگی با کشور میزبان که در دهه آخر که آغوش خود را باز نگه‌داشته بود به روی مهاجرین افغان، باز گشت دوباره‌شان به کشور خود و پامال نشدن حق و حقوق مشروع‌شان در آن کشور با باز بودن دروازه موافق دیپلماسی توانستند سهولتی از طرف کشور میزبان به بار بیاورد.

و در ضمن همکاری با سازمان‌های بین‌المللی جهت آسان ساختن روند بازگشت مهاجرین در کشور خویش.

فراهم‌سازی زمین و امکانات ابتدایی:

برای برخی از مهاجرین زمین ها و شهرک از طرف امارت اسلامی افغانستان در نظر گرفته شده است. و برای تمام مهاجرین امکانات اولیه مثل آب، سرپناه و

از لحاظ صحی نیز امکانات هم در مرز و در منطقه‌ای که مهاجرین برگشته‌اند شفاخانه‌های سیار آماده گردیده‌است.

توجه به جذب آن‌ها در بازار کار:

برنامه برای استفاده از مهارت‌های فنی و تجربیات مهاجرین برای بازسازی کشور روی دست گرفته شده است.

محیط امن برای برگشت کنندگان:

با حاکمیت حکومت مردمی که رهبر و مسولین نهادها از بطن جامعه بوده درد مردم را خوب‌تر حس کرده می‌توانند باعث گردد که سطح خشونت‌ها پایین بیاید نسبت به مقایسه سال‌های گذاشته، و مهاجرین فکر برگشت به وطن را بکنند.

تخصیص کمک‌های نقدی و غیر نقدی:

با همکاری با نهادهای خیریه، موسسات داخلی و مردم شرافتمند افغانستان برخی خانواده‌های مهاجرین برگشتی به کشور مورد حمایت مالی و توزیع کمک‌های غذایی، ترانسپورتی، صحی و لوازم ضروری دیگر قرار گرفته‌اند.

تسهیل (آسان) مراحل اداری و تثبیت هویت:

جهت ادغام شدن مهاجرین در جامعه، امارت اسلامی افغانستان ثبت‌نام و روند توزیع اسناد را برای مهاجرین ساده‌تر و آسان ساخته است.

آموزش و ارتقاء ظرفیت‌ها:

برای اطفال و نوجوانان عودت کنندگان در برخی مناطق برنامه‌های تعلیمی و حرفه‌ای فراهم شده است تا باشد مسیر تحصیل و کار برایشان فراهم شود.

تقویت حس ملی و همبستگی:

بیانیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان برای بازگشت مهاجرین به عنوان یک مسئولیت اسلامی و ملی تاکید داشته که نقش مثبت در تشویق مردم به برگشت ایفا کرده است.

جلوگیری از برخوردهای تبعیض‌آمیز:

مسولین امارت اسلامی افغانستان برای رفتار مساویانه (عادلانه) با همه برگشت‌کنندگان از هر قوم و هر ولایت که باشد تاکید کرده است. و این سبب ایجاد یک فضای اعتماد میان مردم و حکومت گردیده است.

ادغام در ساختار های اداری امارتی:

شماری از مهاجرین دارای تجربه و تخصص در بخش‌های فنی و اداری جذب نهادهای امارت اسلامی گردیده‌اند.

تامین خدمات صحی:

در مناطق با تراکم مهاجرین برگشتی، کلینیک‌های صحی سیار یا موقت ایجاد شده تا به خدمات ابتدایی دسترسی داشته باشند.

افزایش هماهنگی با کشور های همسایه:

از طریق مذکرات با کشور های میزبان مهاجرین افغانی، مانند: (پاکستان، ایران و ترکیه) تلاش شده است روند برگشت مهاجرین تسهیل (آسان) و با عزت شود.

توجه به کودکان بی سرپرست و زنان آسیب پذیر :

برنامه‌هایی خاص برای حمایت از خانوده‌هایی که آسیب‌پذیر هستند، در دستور کار برخی نهادها تحت مدیریت امارت اسلامی افغانستان قرار گرفته است.

تشویق مهاجرین برگشتی برای سرمایه گذاری :

امارت اسلامی افغانستان با فراهم نمودن سهولت‌ها، مهاجرینی را که بیرون از کشور تجربه کاری یا سرمایه دارند، به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زراعت، صنایع و خدمات دعوت کرده است.

همکاری با نهادهای خیریه:

برای رسیدگی فوری به نیازهای مهاجرین، همکاری

با نهادهای خیریه داخلی و بین‌المللی انجام شده تا کمک‌های غذایی، مواد ساختمانی و پوشاک فراهم شود.

برنامه آگاهی‌دهی:

در رسانه‌های محلی و از طریق علما، آگاهی‌دهی در مورد حقوق مهاجرین برگشتی و ضرورت پذیرش اجتماعی آنان از سوی جامعه میزبان، انجام شده است.

برنامه‌ریزی برای آینده مهاجرین:

اداره امور مهاجرین و وزارت‌های مربوطه در حال تهیه طرح‌های پنج ساله هستند تا برگشت‌کنندگان نه تنها مستقر شوند بلکه به رشد اقتصادی و ثبات اجتماعی کشور نیز کمک نمایند.

آماده‌سازی امکانات مخابراتی در مرز اسلام قلعه:

نهادهای مربوطه امارت اسلامی افغانستان برای مهاجرین برگشتی فراهم‌سازی و سهولت امکانات مخابراتی در نظر گرفته است و شبکه‌های مخابراتی خصوصی تحت مدیریت نهادهای مربوطه قرار دارد.

کمک‌های مردمی و کنترول آن از طرف نهادهای مربوطه:

ملت شرافتمند، نهاد خیریه و تاجران خیر افغانستان با دراز نمودن دست همکاری برای مهاجرین برگشتی در کشور از هیچ نوع همکاری خود جوش دریغ نورزیده‌اند، این همکاری‌ها سهولت ترانسپورت، غذا. آب، لباس، دوا (دارو) و غیره نموده‌اند.
همه تحت کنترول کمیسیون خاص برای مهاجرین صورت گرفته است.

در مجموعه در حالی که روز به روز چالش‌های اقتصادی رو به تمام است در افغانستان، نیازی به کمک‌های جهانی چندانی نیست، با مدیریت کامل امارت اسلامی، همکاری نهادها، ایجاد ساختار پاسخگو و تلاش برای اسکان و ادغام مهاجرین از جانب امارتی اسلامی گام‌های امیدوار کننده برای بازسازی اجتماعی و بازگشت میلیون‌ها هموطن به کشور به شمار می‌رود.

مدیریت عودت از مهاجرین با در نظر داشت نکات فوق، نقش و مشارکت امارت اسلامی را برجسته ساخته.
اما برای پایداری این دستاوردها به حمایت بین‌المللی و توجه هرچه بیشتر ضرورت دارد. این امر افغانستان را به سوی بازسازی واقعی سوق می‌دهد.
اگر روند حمایت دوام پیدا کند و زیر ساخت‌های لازم تقویت شود، بازگشت مهاجرین می‌تواند یک فرصت برای توسعه و آبادنی کشور باشد و اعتماد ملی و تقویت هویت واحد در افغانستان می‌شود.

نقش تجارت در گسترش روابط بین‌الملل و منافع آن برای افغانستان

شفیقه امیری

تجارت یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعامل میان کشورها، در جهان معاصر شناخته می‌شود. امروزه تجارت نه تنها ابزاری اقتصادی، بلکه ابزاری سیاسی، فرهنگی و حتی امنیتی به‌شمار می‌آید. کشورها با گسترش مناسبات تجاری، علاوه بر منافع مالی به نحوی درهم‌تنیدگی جهانی و ثبات بین‌المللی حاصل می‌نمایند.

اقتصاد جهانی شبکه‌ای پیچیده از وابستگی‌های متقابل است، و در دل این شبکه کشورهای موفق‌اند که بتوانند با دیگران علاوه بر کالا، اعتماد، همکاری و منافع پایدار رد و بدل کنند.

افغانستان با وجود آنکه کشوری محاط به خشکه است، اما در نقطه اتصال سه حوزه تمدنی بزرگ قرار دارد. آسیای مرکزی، خاورمیانه و جنوب آسیا. این موقعیت می‌تواند افغانستان را از یک کشور منزوی به یک گذرگاه و کریدور تجاری تبدیل کند. البته این پتانسیل به صلح، نظام گمرکی شفاف و و روابط دیپلماتیک پایدار نیاز دارد.

افغانستان می‌تواند صادرات خود را از کشورهای همسایه شروع کرده تا کشورهای دوردست بفرستد. کشورهای که شریک اقتصادی‌اند، به‌طور معمول از رویارویی سیاسی پرهیز می‌کنند. این اصل ساده اما کارآمد می‌تواند مبنای دیپلماسی سیاسی افغانستان قرار گیرد. چرا که ایجاد مناسبات تجاری پایدار با همسایه‌ها، زمینه‌ساز حل مسائل مرزی، مهاجرتی و حتی امنیتی می‌گردد.

افغانستان فراتر از منابع زیرزمینی چون لیتیوم، مس، آهن و لاجورد از نظر کشاورزی نیز یک کشور توانمند است. زعفران افغانستان از نظر کیفیت جهانی‌ست، اما هنوز هم سهم خیلی اندکی در بازار جهانی دارد. قالین‌های دستباف، سنگ‌های تزئینی، گیاهان دارویی، خشکبار و میوه‌های تازه از جمله ظرفیت‌های هستند که با حمایت دولت و تسهیل صادرات می‌توانند میلیاردها دالر درآمد سالانه ایجاد کنند. متاسفانه نبود بسته‌بندی حرفه‌ای، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی و نبود برند ملی، باعث شده بازارهای جهانی به محصولات افغانستان بی‌اعتماد شوند. حتی در مواردی که کیفیت بالا بوده، به دلیل نبود مارک و برندسازی محصولات افغانستان با نام کشورهای دیگر صادر شده‌اند.

منافع تجارت برای افغانستان:

۱): یکی از مهم‌ترین پیامدهای مثبت تجارت، کمک به ثبات داخلی است. وقتی جوانان شغل داشته باشند، انگیزه‌ای برای پیوستن به گروه‌های افراطی ندارند. وقتی تاجران بتوانند با خیال راحت سرمایه‌گذاری کنند، چرخ اقتصاد به حرکت در می‌آید. تجارت نه تنها پول وارد کشور می‌کند، بلکه روحیه کار، رقابت، نوآوری و قانون‌مداری را نیز تقویت می‌کند.

۲): افزایش درآمد ملی: افغانستان کشوری با منابع زیرزمینی فراوان و ظرفیت‌های کشاورزی بالقوه است. اما بهره‌برداری از این منابع تنها در سایه تجارت امکان‌پذیر است. گسترش صادرات می‌تواند درآمد ملی را افزایش داده و دولت را از وابستگی شدید به کمک‌های خارجی رها سازد.

۳): اشتغال‌زایی و کاهش فقر: رونق تجارت به‌ویژه در بخش‌های چون تولید، بسته‌بندی، ترانسپورت و بازاریابی فرصت‌های شغلی زیادی را برای جوانان ایجاد می‌کند. این امر به کاهش بیکاری و در نتیجه کاهش فقر و نارضایتی اجتماعی می‌انجامد.

٤): تقویت زیرساخت‌ها: برای تسهیل تجارت، افغانستان ناچار به بهبود زیرساخت‌های چون جاده، راه‌آهن، بنادر خشکر و گمرکات خواهد شد. که این می‌تواند بطور غیرمستقیم به توسعه متوازن کشور کمک کند.

۵): تقویت جایگاه بین‌المللی افغانستان: کشوری که در تجارت منطقه‌ای نقش کلیدی ایفا کند، به مرور زمان به عنوان بازیگری معتبر در صحنه بین‌المللی شناخته می‌شود. این امر می‌تواند موضع افغانستان را در مذاکرات سیاسی و امنیتی تقویت کند.

چالش‌ها و موانع افغانستان در مسیر تجارت، مشکلات در نظام گمرکی، فقدان توافقات تجاری موثر با همسایه‌ها، ضعف در بازاریابی و استاندارد سازی، ضعف در بانک‌داری بین‌المللی، تحریم‌ها و نبود مشروعیت بین‌المللی و نبود حمایت از تولیدات داخلی از جمله موانعی است که در مقابل رشد تجارت افغانستان قرار دارد.

پیشنهادهای راهبردی برای آینده تجاری افغانستان:

برای بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری و گسترش روابط بین‌المللی، گزینه‌های ذیل می‌تواند راه‌گشاه باشد.
ایجاد ثبات سیاسی و امنیت سرمایه‌گذاری: امنیت برای تجار و زیرساخت‌های اقتصادی باید الویت اصلی دولت باشد.
حمایت از بخش خصوصی: کاهش مالیت‌های سنگین، اعطای تسهیلات بانکی و آموزش مهارت‌های تجاری می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری را بالا ببرد.
توسعه دیپلماسی اقتصادی: سفارت‌خانه‌های افغانستان باید در خدمت توسعه صادرات، یافتن بازار های جدید و تسهیل ارتباط تجار با بازرگانان خارجی باشند.
هم‌گرایی منطقه‌ای: افغانستان باید فعالانه‌تر در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای شرکت کند و نقش خود را به عنوان کشور ترانزیتی تثبیت کند.
سرمایه‌گذاری در آموزش تجارت و تکنالوژی: تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه بازاریابی بین‌الملل، تجارت الکترونیک و تحلیل بازار ضروری است.
و همچنین امضای توافقات تجاری چند جانبه با کشورهای همسایه و منطقه‌ای، ایجاد نهاد مستقل « دیپلماسی تجاری» در ساختار وزارت خارجه، جذب افغان‌های مقیم خارج برای سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال تجربیات.

تجارت پلی میان کشورها و ابزاری نیرومند برای توسعه ملی است. افغانستان که سال‌ها درگیر بحران‌های سیاسی و نظامی بوده، تجارت می‌تواند دریچه‌ای به سوی صلح پایدار و رفاه اجتماعی باشد. این کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی، منابع طبیعی و نیروی انسانی جوان می‌تواند از طریق تجارت نه تنها اقتصاد خود را بازسازی کند، بلکه جایگاه سیاسی خود را در عرصه بین‌المللی ارتقا بخشد. کشوری که بتواند با جهان داد و ستد عادلانه داشته باشد، خود را از حاشیه به متن تمدن جهانی منتقل می‌کند. افغانستان هم اگر راه تجارت را در پیش بگیرد می‌تواند از کشوری مصرف کننده و بحران زده به کشوری تولید کننده، صادر کننده و با عزت بدل شود.

طرح ساخت خط آهن کندهار - هرات - بلخ؛

انقلابی در عرصه حمل و نقل زمینی افغانستان

جمع آوری: عبدالله مجاهد

از زمان روی‌کار آمدن امارت اسلامی تاکنون، مسئولین در تلاش‌های خستگی‌ناپذیری، برای بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی مردم این سرزمین، طرح‌ها و برنامه‌های ملی زیادی را روی دست گرفته‌اند که انکشاف خطوط حمل و نقل در گوشه و کنار کشور یکی از این طرح‌های توسعه‌ای می‌باشد.

در کنار برنامه‌های توسعه‌ای که برای پروژه بزرگ خط آهن هرات-خواف روی دست گرفته شده است به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های امارت اسلامی در بخش حمل‌ونقل ریلی، اکنون برنامه توسعه‌ای برای خط آهن کندهار - هرات - بلخ روی دست است، طرحی که یک انقلاب بزرگ در عرصه تجارت و اقتصاد افغانستان به حساب می‌آید.

امارت اسلامی در حال کار روی توسعه خط آهن مزارشریف است که افغانستان را به ازبیکستان متصل می‌کند؛ و از طرف دیگر، وصل آن به راه آهن هرات می‌باشد، این پروژه باعث می‌شود کالاها به‌راحتی از طریق ازبیکستان به بازارهای آسیای میانه برسند و نه‌تنها تجارت را افزایش می‌دهد، بلکه باعث رونق اقتصادی در شمال و غرب افغانستان می‌شود.

اقدامات امارت اسلامی در راستای ساخت و توسعه خط آهن با خوش خبری مولوی ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی که در صفحه ایکس خود از آغاز کار سروی و طراحی راه‌آهن کندهار-هرات به طول ۷۳۷.۵ کیلومتر خبر داد؛ نمودی تازه به خود گرفت.

این طرح سازنده، نه تنها تا هرات که تا بلخ انکشاف خواهد یافت و محصولات را از شمال افغانستان به غرب و جنوب، انتقال می‌دهد.

این پروژه بزرگ کندهار - هرات، پروژه‌ای که به گفته سخنگوی امارت اسلامی با تکمیل آن، ترکمنستان و ایران از طریق افغانستان به پاکستان متصل خواهند شد، برای رشد تجارت و مرکزیت افغانستان به عنوان نقطه وصل، در رشد اقتصاد ما، نقش حیاتی بازی خواهد کرد.

همچنان محمداشرف حق‌شناس، سخن‌گوی وزارت فواید عامه، ارزش پروژه‌ی سروی و طراحی تفصیلی خط آهن کندهار-هرات را بیش از ۲٦۴ میلیون افغانی اعلام کرده است که به‌گفته‌ی وی، طراحی تفصیلی این پروژه که با پنج شرکت خصوصی قرارداد شده است در مدت هشت ماه تکمیل خواهد شد.

پروژه خط آهن قندهار-هرات، همانند دیگر پروژه‌های انکشافی، بدون شک تأثیرات مثبت زیادی بر اقتصاد افغانستان خواهد گذاشت، تاثیراتی‌که در این یادداشت به چند نمونه مهم آن اشاره خواهیم نمود.

افزایش تجارت: بدون شک، با اتصال افغانستان به کشورهای همسایه، از طریق خط آهن، افغانستان به تجارت بین‌الملل وصل شده و تجارت ما رونق بی‌سابقه خواهد گرفت و این امر باعث خواهد شد تا کالاهای

بیشتری از افغانستان به کشورهای دیگر صادر شود و همچنین کالاهای خارجی به‌راحتی وارد کشور شوند. همچنان کالاهای دیگر کشورها نیز از این مسیر، به هدف خود خواهند رسید. جمهوری اسلامی پاکستان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکمنستان و از طریق این کشورها، دیگر کشورهای جهان، کالاهای مورد نظر را بین همدیگر تبادل خواهد کرد.

در حقیقت، افغانستان در این جا نقطه وصل را بازی می‌کند که از درک انتقال کالاها، پول به خزانه حکومت خواهد آمد.

موضوع دیگر، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل است. چون حمل‌ونقل با قطار ارزان‌تر و سریع‌تر از جاده است، از همین‌رو ساخت خط آهن کندهار-هرات و کندهار - هرات - بلخ هزینه‌های تجارتی را کاهش داده و باعث افزایش سود تجار برای کشورهای مستفید شونده، به ویژه افغانستان می‌گردد.

مورد مهم، که برای همه اقشار جامعه ما تاثیر مثبت را خواهد گذاشت، ایجاد شغل است. ساخت و بهره‌برداری از این خط آهن باعث ایجاد صدها شغل در بخش‌های مختلف از جمله ساخت‌وساز، نگهداری و خدمات جانبی می‌شود که تاثیر به‌سزایی در کاهش بیکاری و بهبود معیشت مردم خواهد داشت. اقشار مختلف از این پروژه، در بخش های تخصصی و کاری، صاحب کار خواهند شد که میزان بیکاری را کاهش و اقتصاد ملی را تقویت خواهد کرد.

ناگفته نماند که امارت اسلامی در سه سال و نیم گذشته با تمرکز بر احداث خط آهن سعی بر تبدیل افغانستان به چهارراه ترانزیتی داشته و گام‌های بزرگی در جهت توسعه اقتصاد ملی برداشته است. در حقیقت، موقعیتی که افغانستان دارد، در صورتی که از آن استفاده شود، ظرفیت آن را دارد که بیشتر و بیشتر در انکشاف اقتصاد کشور ما، نقش بازی کند.

پروژه‌هایی همانند خط آهن کندهار-هرات، کندهار - هرات - بلخ و خط آهن هرات - خواف در جمهوری اسلامی ایران، و خط آهن بلخ با به کشور ازبیکستان و همچنان خط آهن تورغندی هرات با کشور ترکمنستان، نه تنها که برای مردم ما مفید است، بلکی برای کشورهای همسایه و تجارت جهانی، مفید می‌باشد.

این که مسئولان در تلاش برای تقویت این خطوط آهن‌اند، امیدها برای توسعه تجارت و اقتصاد در افغانستان را بیش‌تر می‌سازد و نویدی است برای همه مردم افغانستان که از یک انقلاب در حمل و نقل کالاها از طریق خطوط آهن، مستفید شوند.

در تازه‌ترین اطلاعات، مولوی محمد اسحاق صاحب‌زاده معین خط آهن وزارت فواید عامه در سفر به ولایت هرات با شیخ مولانا اسلام‌جار والی هرات دیدار و پیرامون گسترش پروژه‌های خط آهن تورغندی-هرات، هرات-کندهار گفتگو نمود. خط آهنی که ترکمنستان را به کندهار و از طریق کندهار با پاکستان وصل خواهد ساخت.

معین خط آهن وزارت فواید عامه همچنان روی افزایش انتقالات ریلی از ایران و ترکمنستان به افغانستان و بالعکس آن صحبت نمود و بر تقویت زیرساخت ها تاکید نمود.

در ادامه انجینیران شرکت قراردادی سروی و دیزاین راه آهن هرات- تورغندی و هرات - شیندند گزارش کاری و پلان‌شان را با والی هرات شریک ساختند و خواهان همکاری اداره محلی هرات در امور کاری‌شان شدند.

طبق اطلاعات نشر شده از سوی اداره محلی هرات، شیخ مولانا اسلام‌جار والی هرات از تلاش‌های وزارت فواید عامه در راستای تقویت و گسترش شبکه‌های خط آهن در هرات قدردانی کرد و بر تسریع روند اجرای عملی کارهای مربوط پروژه‌های خط آهن در هرات تاکید نمود.

شیخ مولانا اسلام‌جار والی هرات همچنان ضمن بررسی گزارش کاری انجیران پروژه خط آهن هرات-تورغندی هرات- شیندند از همکاری همه جانبه اداره محلی هرات در تسهیل امور کاری به آنان اطمینان داد.

بدون شک، تلاش‌ها وقتی مشترک و همگانی باشند، نتیجه‌اش نیز همگانی و بزرگ خواهد بود و روزی، افغانستان صاحب یک اقتصاد قوی، راه های مواصلاتی عالی و نیروی متعالی کاری خواهد داشت و به سوی خودکفایی، گام برخواهد داشت.

مدیریت خوب آب‌ها، تضمین برای آینده است

سلطان احمد جاوید

آب، نیاز حیاتی برای موجودات و موضوع مورد بحث این روزها در کشورهای مختلف جهان از جمله افغانستان است. به دلیل تغییرات اقلیمی، آب امروز به عنوان موضوع اول سیاست‌های کشورهای منطقه و جهان مطرح است و هر کشوری در تلاش است تا آب‌های جاری و زیرزمینی را مدیریت کند.

چون آب یکی از محورهای اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع بشری به‌شمار می‌رود، با وجود اهمیت آن برای پایداری توسعه اقتصادی، محیط‌زیست و منابع انسانی، باید توجه داشت که منابع آبی در کشور ما محدود بوده و برای استفاده بی‌رویه مناسب نیستند و آینده افغانستان را با خطر مواجه خواهند ساخت.

آب‌های جاری که از برکت موجودیت سلسله کوه‌های بلند در افغانستان تامین می‌شوند، نیاز به مدیریت دارند، چنان که طرح‌های توسعه‌ای خوبی در این زمینه ایجاد شده و بدون شک، عملی شدن طرح‌ها و ساخت بندهای آب گردان و کنترل کننده آب، حیاتی و امیدوارکننده برای آینده مطمئن‌اند.

فراموش نباید کرد که با سیستم‌های سولری که امروزه در گوشه و کنار کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند، با توجه به تغییرات اقلیمی و کاهش میزان بارندگی، آب‌های زیرزمینی غیرقابل تجدید به‌سرعت در حال کاهش‌اند و شرایط اقلیمی خشک و کم‌بارش در کنار استفاده بی‌رویه از آب‌های زیر زمینی نیز این بحران را تشدید می‌کند.

افزایش تقاضا، به‌ویژه از سوی بخش کشاورزی، باعث

شده که فشار بر منابع تجدیدناپذیر بیشتر شود. هزینه تولید خدمات آبرسانی بسیار بالاست که بر مردم ما هزینه‌های زیادی را وارد کرده است.

در پاسخ به این چالش‌ها، باید اقدام به تدوین چارچوبی مرجع برای بخش آب کرد که یک استراتژی جامع را شامل می‌شود.

این سند و استراتژی باید شامل چشم‌انداز، اهداف، سیاست‌ها، چارچوب نهادی، بازسازی ساختارها، تحلیل وضعیت موجود، تعیین ظرفیت‌ها، بررسی سناریوها، راهکارهای تأمین و تقاضا، و مدل‌های مالی و نهادی باشد تا هم نیازمندی‌های مردم را رفع نماید و هم از آب‌های موجود حفاظت کند. افغانستان در یک منطقه خشکه قرار دارد و اگر آب‌های موجود آن مدیریت نگردد، آینده‌ای خطرناک در کمین‌اش می‌باشد و ممکن باعث تخلیه شدن خیلی از مناطق و آواره شدن مردم به دیگر مناطق گردد که به نوبه خود، مشکلات زیادی را به وجود می‌آورد.

مدیریت خوب آب‌ها یکی از چالش‌های اساسی و حیاتی در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. در جهانی که با تغییرات اقلیمی، افزایش جمعیت و فشارهای اقتصادی روبه‌رو است، اهمیت آب به عنوان منبعی حیاتی برای زندگی و توسعه پایدار بیش از پیش نمایان می‌شود.

آب نه تنها برای مصارف انسانی مانند نوشیدن، صحت و کشاورزی ضروری است، بلکه نقش کلیدی در حفظ اکوسیستم‌ها و تنوع زیستی ایفا می‌کند. مدیریت مناسب منابع آب می‌تواند به حفاظت از این منابع کمک کند و اطمینان حاصل کند که نسل‌های آینده نیز به این منابع دسترسی خواهند داشت.

یکی از جوانب مهم مدیریت آب، تخصیص بهینه منابع است. با توجه به محدودیت‌های طبیعی و انسانی، باید از فناوری‌های نوین و روش‌های مدیریت جامع آب بهره گرفت تا بتوان به بهترین شکل ممکن از آب‌های موجود استفاده کرد.

این مورد شامل بهبود سیستم‌های آبیاری، جمع‌آوری و ذخیره‌سازی آب باران و استفاده درست از منابع آبی زیرزمینی است.

علاوه بر این، آگاهی‌رسانی به جامعه درباره اهمیت صرفه‌جویی در مصرف آب و روش‌های استفاده مؤثر از آن می‌تواند تأثیر زیادی بر رفتار افراد و نهادها داشته باشد.

آموزش و ارتقاء سطح آگاهی در زمینه مدیریت آب می‌تواند به کاهش هدررفت و بهبود کیفیت منابع آب کمک کند.

مدیریت خوب آب همچنین برای مقابله با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی ضروری است. با پیش‌بینی و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توان از اثرات منفی سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها کاست و به جوامع کمک کرد تا با شرایط نامساعد بهتر سازگاری پیدا کنند.

در نهایت، مدیریت پایدار آب به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار کمک می‌کند. دسترسی به آب تمیز و کافی به بهبود کیفیت زندگی، تولید غذا و افزایش درآمد کمک می‌کند و می‌تواند به کاهش فقر اقتصادی منجر شود.

به همین دلیل، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آب و فناوری‌های نوین، نه تنها به حفظ منابع آب، بلکه به ایجاد آینده‌ای بهتر و پایدارتر برای همه انسان‌ها کمک خواهد کرد.

مردم ما در گوشه و کنار کشور از ضررهای استفاده بی رویه از آب‌های زیرزمینی آگاهی چندانی ندارند، باید حکومت با طرح برنامه‌ها و راهکارهای جامع، مانع بروز بحران بی‌آبی در آینده برای افغانستان گردد. راه‌های قانونی در افغانستان، بهترین روش برای جلوگیری از بروز مشکلات در این زمینه‌اند که باید برای آن، برنامه‌ریزی‌های مدون و خوب صورت گیرد. آینده‌ی آبی کشور وابسته به جدیت در این عرصه است، به هر اندازه که جدیت بیشتر باشد، آینده آبی کشور نیز بهتر مدیریت خواهد شد.

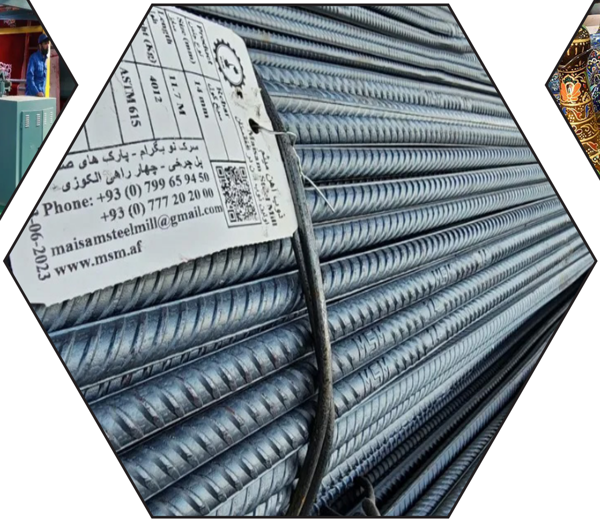

احمدالله جلالی

صنعت،
محرک اصلی رشد اقتصادی و زیربنای توسعه پایدار کشور

مقدمه
صنعت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد ملی، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی و مسیر توسعه کشورها ایفا می‌کند. در نگاه کلان، صنعت تنها یک مجموعه تولیدی نیست؛ بلکه یک نظام پیچیده از فعالیت‌های تولیدی، فناوری، تحقیق و توسعه، و مدیریت منابع است که بر تمام ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی اثرگذار است. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که توسعه صنعتی، مهم‌ترین عامل جهش اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم بوده است.

در عصر کنونی که رقابت جهانی به‌شدت افزایش یافته، اتکا به بخش‌های سنتی اقتصاد نمی‌تواند رشد پایدار را تضمین کند. از این‌رو، توسعه صنعتی نه‌تنها ضرورت اقتصادی بلکه یک الزام راهبردی برای حفظ و تقویت جایگاه کشور در اقتصاد جهانی است.

نقش صنعت در رشد اقتصادی
صنعت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر شاخص‌های کلیدی رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP)
صنعت به دلیل ایجاد ارزش افزوده بالا، سهم قابل‌توجهی در افزایش تولید ناخالص داخلی دارد. بخش‌های صنعتی، از صنایع سنگین تا صنایع سبک و فناوری پیشرفته، با تبدیل مواد اولیه به محصولات با ارزش افزوده بالا، باعث رشد پایدار تولید ملی می‌شوند.

ایجاد اشتغال گسترده
توسعه صنایع منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و همچنین مشاغل غیرمستقیم در بخش‌های پشتیبان مانند حمل‌ونقل، خدمات مالی، بازاریابی و تعمیرات می‌شود. این امر به کاهش نرخ بیکاری و ارتقاء رفاه

اجتماعی کمک می‌کند.

ارتقاء فناوری و نوآوری

صنایع پیشرفته بستر لازم برای تحقیق و توسعه (R&D) را فراهم می‌کنند. انتقال فناوری، ارتقاء بهره‌وری و ایجاد محصولات جدید، نه‌تنها سطح رقابت‌پذیری اقتصاد را بالا می‌برد بلکه وابستگی به واردات فناوری را کاهش می‌دهد.

ارتقاء سطح مهارت نیروی کار

نیاز صنایع به نیروی انسانی متخصص، باعث توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ارتقاء مهارت‌های نیروی کار می‌شود که در نهایت بهره‌وری اقتصاد ملی را افزایش می‌دهد.

صنعت به‌عنوان زیربنای اقتصاد ملی

صنعت نه‌تنها یک بخش اقتصادی است، بلکه زیربنایی برای فعالیت‌های سایر بخش‌ها نیز محسوب می‌شود:

تأمین کالاهای اساسی و صنعتی

بدون تولید داخلی کالاهای صنعتی، اقتصاد به‌شدت وابسته به واردات خواهد بود که امنیت اقتصادی کشور را تهدید می‌کند. صنایع داخلی می‌توانند نیازهای اساسی مردم و صنایع دیگر را تأمین کنند.

ارتباط با بخش‌های دیگر اقتصاد

کشاورزی بدون صنایع فرآوری و بسته‌بندی نمی‌تواند ارزش افزوده بالایی ایجاد کند. همچنین، بخش خدمات بدون پشتیبانی صنایع نرم‌افزاری، تجهیزات و زیرساخت‌های صنعتی کارایی لازم را نخواهد داشت.

ایجاد زنجیره ارزش

صنایع مادر مانند فولاد، پتروشیمی، خودروسازی و صنایع معدنی، حلقه‌های اولیه زنجیره تولید را شکل می‌دهند و زمینه را برای فعالیت هزاران واحد صنعتی پایین‌دستی فراهم می‌کنند.

اهمیت صنایع مادر

صنایع مادر، به‌ویژه در حوزه انرژی، فلزات اساسی و پتروشیمی، شریان اصلی اقتصاد صنعتی هستند و بدون آن‌ها توسعه سایر صنایع امکان‌پذیر نخواهد بود.

مزیت‌های توسعه صنعتی برای کشور

توسعه صنعتی مزایای فراوانی دارد که از جنبه اقتصادی و حتی سیاسی حائز اهمیت است:

۱. کاهش وابستگی به واردات: تولید داخلی نیاز به واردات کالاهای اساسی را کاهش می‌دهد و تراز تجاری کشور را بهبود می‌بخشد.

۲. بهبود تراز تجاری: صادرات محصولات صنعتی با ارزش افزوده بالا می‌تواند ارزآوری قابل‌توجهی برای کشور به همراه داشته باشد.

۳. ارتقاء جایگاه کشور در اقتصاد جهانی: کشورهایی که در حوزه‌های صنعتی مزیت رقابتی دارند، قدرت چانه‌زنی بیشتری در عرصه بین‌المللی پیدا می‌کنند.

۴. افزایش امنیت اقتصادی و استقلال ملی: خودکفایی صنعتی مانع از وابستگی استراتژیک به دیگر کشورها در مواقع بحران یا تحریم می‌شود.

چالش‌ها و موانع توسعه صنعتی

با وجود اهمیت بالای صنعت، موانعی وجود دارد که می‌تواند روند توسعه صنعتی را کند یا متوقف کند :

۱. مشکلات زیرساختی: ضعف در شبکه حمل‌ونقل، کمبود انرژی پایدار و فقدان زیرساخت‌های فناوری، از چالش‌های جدی هستند.

۲. موانع سرمایه‌گذاری: عدم اطمینان اقتصادی، نوسانات ارزی و ضعف در حمایت از سرمایه‌گذاران، توسعه صنعتی را محدود می‌کند.

۳. تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری: محدودیت‌های بین‌المللی دسترسی به فناوری و بازارهای جهانی را دشوار می‌سازد.

۴. ضعف مدیریت صنعتی: نبود برنامه‌ریزی جامع و هماهنگی بین بخش‌های مختلف، باعث هدررفت منابع می‌شود.

راهکارها و سیاست‌های پیشنهادی برای توسعه صنعتی

برای عبور از چالش‌ها و حرکت به‌سوی صنعتی‌شدن پایدار، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات لازم است:

۱. حمایت دولت از صنایع نوپا و دانش‌بنیان: ارائه تسهیلات مالی، معافیت‌های مالیاتی و مشوق‌های صادراتی.

۲. بهبود زیرساخت‌ها: توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل، ایجاد شهرک‌های صنعتی پیشرفته و گسترش دسترسی به انرژی ارزان و پایدار.

۳. جذب سرمایه‌گذاری خارجی: ایجاد بستر قانونی شفاف و پایدار برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی و انتقال فناوری.

٤. اصلاح نظام آموزشی: تربیت نیروی کار متخصص متناسب با نیازهای صنعت و ایجاد ارتباط مؤثر بین پوهنتون و صنعت.

۵. توسعه صادرات صنعتی: حمایت از برندهای ملی و ورود به بازارهای جدید منطقه‌ای و جهانی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

صنعت نه‌تنها موتور محرک رشد اقتصادی است، بلکه ستون فقرات اقتصاد ملی و عامل اصلی توسعه پایدار به شمار می‌آید. کشوری که بر توسعه صنعتی متمرکز شود، می‌تواند به استقلال اقتصادی، پیشرفت فناوری، ارتقاء رفاه اجتماعی و افزایش قدرت رقابتی در عرصه بین‌المللی دست یابد.

تجربه کشورهایی مانند آلمان، کره جنوبی و چین نشان داده که تمرکز بر توسعه صنعتی، حتی در شرایط محدودیت منابع، می‌تواند معجزه اقتصادی خلق کند. ایران نیز با برخورداری از منابع طبیعی غنی، نیروی انسانی جوان و موقعیت جغرافیایی استراتژیک، ظرفیت بالایی برای صنعتی‌شدن دارد. با اجرای سیاست‌های هوشمندانه و حمایت همه‌جانبه، صنعت می‌تواند به ستون اصلی رشد و شکوفایی اقتصادی کشور تبدیل شود.

ساخت فابریکه تولید تراکتور در افغانستان میان تاجران ایرانی و افغانستانی

له بحران تر باور:

د افغانستان د انرژۍ د خپلواکۍ نوې څپه

لیکنه: ح.ن

په افغانستان کې تیاره یوازې د رڼا نشتوالی نه دی؛ دا هغه دروند سیوری دی چې د هیلو رڼا پکې ورو ورو خړېږي او د سبا د خوبونو رنګ پکې مړاوی کېږي. د کلونو راهیسې افغانان له پراخو او پرلهپسې برېښنایي کړکېچونو سره لاس او ګرېوان دي؛ شپه د جنراتورونو تر سترې کوونکي شور لاندې ساه اخلي، او سهار د برېښنا د پرې کېدو د وېرې او اندېښنې په سیوري کې خپل کارونه او د ژوند مبارزه پیلوي. خو د انرژۍ په ډګر کې وروستي پرمختګونه داسې هیلې راژوندي کوي لکه د لمر وړانګې چې د وریځو ترشا ورو ورو راڅرګندېږي؛ هیلې، چې دا تیارې به ماتېږي او دا اندېښنې به پای ته رسېږي.

په کابل او لوګر کې د برېښنا د تولید پروژې په چټکۍ سره د تطبیق په حال کې دي او د سیمې اوسېدونکو ته یې د دوامدارې برېښنا لاسرسی زیات کړی دی. په هرات کې توربینونه د دې ولایت له تندو بادونو څخه انرژي اخلي، او د هېواد په جنوب کې نیمګړي بندونه بیا فعال شوي، څو هغه کورنۍ اوبه، چې پخوا له پولو هاخوا بهېدلې، اوس د انرژۍ د تولید لپاره په اغېزناکه توګه وکارول شي.

که څه هم دغه پروژې د پرمختګ په لومړیو پړاوونو کې دي، خو د افغانستان د انرژۍ د خپلواکۍ پر لور د تګ نوې هیلې راپاروي. که چېرې دغه طرحې د دقیق پلان، دوامدارې پانګونې او اغېزناک مدیریت په مټ

پرمخ ولاړې شي، تمه ده چې د هېواد د اړتیاوو د پوره کولو ترڅنګ، د اقتصادي ودې او تولنیز باور د پیاوړتیا لپاره هم ژور او بنسټیز بدلونونه رامنځته کړي.
روښانه ده چې دا مزل اسانه نه دی، خو دغه پروژې دا پیغام ورکوي چې افغانستان کولای شي په خپلو کورنیو سرچینو تکیه وکړي او داسې روښانه راتلونکې جوړه کړي، چې دغه تیارې اوږدې شپې د خلکو په ذهنونو کې د خاطرو په توګه پاتې شي.
دا مقاله د برېښنا د تولید او اړوندو پروژو د پلي کېدو په برخه کې د اسلامي امارت وروستي نوښتونه څېړي.
افغانستان له کلونو راهیسې د انرژۍ له ژور بحران سره لاس او ګرېوان دی. اوسمهال هېواد څه د پاسه ۷۰سلنه برېښنا له ګاونډیو هېوادونو واردوي؛ واردات چې هر کال د هېواد پر نازک اقتصاد میلیونونه ډالر بار اچوي. له دې سره، یوازې نږدې ۴۲سلنه هېوادوال د برېښنا ملي شبکې سره نښلول شوي، او په ډېرو کلیو او ان په لویو ښارونو کې د برېښنا پرله‌پسې نشتون د خلکو د ورځني ژوند یوه نه بېلېدونکې برخه ګرځېدلې ده.
په وروستیو کلونو کې د انرژۍ تولید د افغانستان د مهمو پالیسیو په محور بدل شوی دی. اسلامي امارت هڅه کړې چې د شته او بالقوه فرصتونو په پېژندلو او د کورنیو او بهرنیو پانګونو په جلبولو سره د اغېزناکو پروژو د پلي کېدو زمینه برابره کړي.
د ۱۴۰۴ هجري لمریز کال په پیل کې اسلامي امارت له یو شمېر کورنیو او بهرنیو شرکتونو سره د شاوخوا ۱۹.۵۶ میلیارده افغانیو په ټولیز لګښت، د برېښنا تولید د پروژو قراردادونه لاسلیک کړل، چې په جوزجان کې د ۵۰ میګاواټه ګازي برېښنا، په بلخ کې د ۴۰ میګاواټه لمریزې برېښنا، په لوګر کې د ۴۰ میګاواټه لمریزې برېښنا، په ننګرهار کې د ۴۰ میګاواټه لمریزې برېښنا، په لغمان کې د ۱۰ میګاواټه لمریزې برېښنا او په هرات کې د ۴۳.۲ میګاواټه بادي او ۵ میګاواټه لمریزې برېښنا د تولید پروژې پکې شاملې دي.
د دغو پروژو پلي کېدل کولای شي د کورني تولید ظرفیت لوړ کړي، پر وارداتي برېښنا تکیه راکمه کړي او د اقتصادي پراختیا ترڅنګ خلکو ته د دوامدارې برېښنا د برابرولو زمینه برابره کړي.
د دې قراردادونو له لاسلیک سره د یو شمېر پروژو عملي بهیر هم پیل شوی دی. د بېلګې په توګه، د هرات د دوو پروژو او د ننګرهار، لغمان، بلخ، کابل او لوګر د برېښنا تولید پروژو عملي چارې رسماً شروع شوې دي. د دغو طرحو پیل د کورني برېښنا تولید د ظرفیت د لوړولو په لور یو مهم ګام بلل کېږي او تمه ده چې د انرژۍ په برخه کې د لازیاتو پانګونو د جلب زمینه هم برابره کړي.
همدارنګه، د هلمند د کجکي بند دویم پړاو، چې د برېښنا تولید ظرفیت یې له ۵۱ میګاواټه څخه ۱۵۱ میګاواټه ته لوړ شوی، د اسلامي امارت تر مدیریت لاندې له نږدې یولس میاشتو وروسته ګټې اخیستنې ته سپارل شوی دی. د کمال‌خان، بخش‌اباد، شاه او عروس او پاشدان بندونه هم د پلي کېدو په بېلابېلو پړاوونو کې دي چې د هغوی په بشپړېدو سره به د هېواد د اوبو برېښنا تولید ظرفیت په بې ساري توګه لوړ شي.
د راپورونو له مخې، افغانستان شاوخوا ۳۲۳ زره میګاواټه د برېښنا تولید بالقوه ظرفیت لري؛ چې پکې نږدې ۲۲۲ زره میګاواټه لمریز، ٦٦ زره میګاواټه بادي، ۲۳ زره میګاواټه د اوبو، ۴ زره میګاواټه حرارتي، ۳.۵ زره میګاواټه جیوترمل، او ۴ زره میګاواټه د ډبرو سکرو، فوسیلي موادو او بیوماس له سرچینو څخه ترلاسه کېدونکې برېښنا شاملېږي.
د دوامدارې برېښنا د ترلاسه کولو په موخه، اسلامي امارت په یوه بې‌ساري اقدام کې د لس زره میګاواټه برېښنا د تولید لپاره د لس میلیارد ډالرو پانګونې هوکړه‌لیک لاسلیک کړی دی. دا تړون د افغانستان د اوبو او انرژۍ وزارت او د «عزیزي انرژي» خصوصي شرکت ترمنځ د حکومت د لوړپوړو چارواکو په حضور کې ترسره شوی دی. د دې هوکړې له مخې، «عزیزي انرژي» به د ګاز، ډبرو سکرو، اوبو، باد او لمریز سرچینو

څخه لس زره میګاواټه برېښنا تولیدوي. د دې پروژې په عملي کېدو سره به افغانستان په راتلونکو اوو تر لسو کلونو کې نه یوازې په برېښنا کې بشپړ خپلواک شي، بلکې د نورو هېوادونو لپاره د برېښنا د صادراتو وړتیا به هم ترلاسه کړي.

له لس زره میګاواټه تولیدېدونکې برېښنا څخه به څلور زره میګاواټه د خلکو د استفادې او شپږ زره میګاواټه د صنعتي فابریکو لپاره ځانګړې شي. د دې طرحې په پلي کېدو سره به زرګونه نوې فابریکې جوړې شي، د میلیونونو افغانانو لپاره به د کار زمینه برابره شي او د هېواد اقتصاد به په پام وړ ډول وده وکړي.

د انرژۍ پراختیا کولای شي ژور اقتصادي او ټولنیز اغېز ولري. له اقتصادي اړخه، دا به پر وارداتو تکیه کمه کړي، مالي لګښتونه به راکم کړي او د نوو پانګونو د جذب لپاره به لاره هواره کړي. له ټولنیز اړخه، د برېښنا پراختیا د کلیو او کوچنیو ښارونو ژوند ښه کوي، ښوونځي د برقي وسایلو د کارولو توان پیدا کوي، روغتیایي مرکزونه اغېزمن فعالیت کوي او چاپېریال د ککړو سونګیزو موادو له کمېدو سره پاکېږي.

د انرژۍ د پروژو پراختیا کولای شي په افغانستان کې پراخ اقتصادي او ټولنیز مثبت اغېز ولري. له اقتصادي اړخه، دا به د افغانستان پر وارداتي برېښنا تکیه په بې‌ساري توګه راټیټه کړي او د درنو مالي لګښتونو مخه ونیسي. سربېره پر دې، د دغو پروژو عملي کېدل به د زیاتو پانګونو د جذب زمینه برابره کړي او دا بهیر به د هېواد اقتصاد راژوندی کړي؛ ځکه چې د یو دوامدار انرژۍ بازار په رامنځته کېدو سره، ګڼ شمېر اقتصادي او د کارموندنې فرصتونه منځ ته راځي.

له بل اړخه، دوامداره برېښنا به د کوچنیو او منځنیو صنعتونو د پیاوړتیا لامل وګرځي او دا بهیر به د کورنیو تولیداتو، په ځانګړي ډول د ساختماني صنعت، کرنې او د کانونو د استخراج د ودې او ملاتړ سبب شي.

له ټولنیز اړخه، محرومو سیمو ته د برېښنا رسول د خلکو د ژوند کیفیت لوړوي. په دوامداره انرژۍ سره، ښوونځي د برقي وسایلو د کارولو وړتیا ترلاسه کوي، چې دا د تعلیمي خدمتونو د ښه والي لامل ګرځي. روغتیایي کلینیکونه هم اغېزناک فعالیت کولی شي او د درملو خوندي زېرمه ممکنه کېږي، چې دا د روغتیایي خدمتونو د لوړوالي سبب کېږي. سربېره پر دې، د ډیزلو او لرګیو د سونګ سرچینو کارول کمېږي، چې چاپېریال ساتنه تضمینوي. همدارنګه، د انرژۍ د زیربناوو پراختیا د کورنیو او بهرنیو مهاجرتونو کچه راکمه وي، ځکه په کلیو کې د اقتصادي فرصتونو رامنځته کېدل، پر لویو ښارونو فشار کموي.

د اسلامي امارت یو مهم لومړیتوب د تجدیدېدونکو انرژۍ پراختیا ده، په ځانګړي ډول د لمر او باد پروژې چې په کابل، هرات، لوګر، بلخ، ننګرهار او لغمان کې پر مخ ځي. موخه یې دا ده چې افغانستان د انرژۍ په برخه کې پر ځان بسیا شي او د راتلونکي لپاره یوه باثباته بنسټ کېښودل شي.

که څه هم د انرژۍ پرځان بسیا کېدو ته لا اوږده لاره پاتې ده، خو روانې هڅې د بدلون څرګندې نښې دي. د لوګر ځلېدونکي لمریز پلېټونه، د هرات په دښتو کې څرخي توربینونه او هغه بندونه چې بېرته فعالېږي، ټول یو پیغام ورکوي: تیارې نور پای ته رسېدونکې دي.

هره نوې پروژه یوازې د برېښنا د تولید لپاره نه ده؛ دا د کار او اقتصادي فرصتونو د رامنځته کولو، د محلي صنعتونو د بیا راژوندي کولو او د اقتصادي وابستګۍ د کمېدو په لور یو مهم ګام دی. حتی کوچني، خو پرلپسې او هدفمند ګامونه کولای شي ستر بدلونونه رامنځته کړي.

کېدای شي کلونه وخت ونیسي څو د افغانستان د برېښنا شبکې باثباته او پراخې شي، خو هر نصب شوی لمریز پلېټ او هر فعال شوی توربین دا پیغام ورکوي چې راتلونکې روښانه دی؛ راتلونکې چې په کې افغانستان نه یوازې د خپلو کورونو څراغونه، بلکې د هیلې او باور څراغونه هم پخپله روښانه کوي.

اهمیت بهره‌وری در سازمان‌ها

عبدالحکیم نور

چکیده

سازمان‌ها رکن اصلی جوامع امروزی هستند که برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون انسان‌ها و حل مشکلات، شکل گرفته‌اند. بهره‌وری به عنوان یک بینش فکری تلاش دارد عملکرد امروز را بهتر از دیروز و فردا را بهتر از امروز انجام دهد. این مفهوم به عنوان یک ابزار کارآمد برای دستیابی به اهداف سازمانی، توجه بسیاری از مدیران و متخصصان را به خود جلب کرده است. مهم ترین عاملی که در کلیه تعاریف پژوهشی وجود دارد تعیین نسبت آنچه که برای تولید به کار رفته به آنچه که از فرایند تولید به دست آمده است؛ که همانا مراد از این مباحث بهره‌وری در سازمان‌ها می‌باشد.

کلمات کلیدی: سازمان، کارآیی، اثربخشی، بهره‌وری و منابع.

مقدمه

«الَّذی خَلَقَ الْمَوتَ وَالحَیوَةَ لِیَبلُوَکُم أَیُّکُم أَحسَنُ عَمَلاً وَ هُوَ العَزیزُ الغَفُورُ» ترجمه : همان که پدید آورد مرگ و زندگی را تا بیازماید شما را که کدام‌یک نکوتر است از حیث عمل؛ و اوست پیروزمند و آمرزنده. بهره وری عبارت است از اینکه، سازمانی به هدف‌های خود دست یابد و این کار را از طریق تغییر یا تبدیل داده‌ها به ستاده‌ها، با کمترین هزینه به انجام برساند. از این رو بهره‌وری مستلزم اثربخشی و کارآیی سازمان‌ها است. به هر اندازه اثر بخشی و کارآیی بالاتر باشد؛ بهره‌وری هم بیشتر خواهد بود. برعکس، هرچه این دو اصل پایین باشد، میزان بهره‌وری همچنان کاهش پیدا می‌کند. بهره‌وری عبارت است از به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی و تمهیدات به طریق علمی و به منظور کاهش هزینه‌ها و رضایت کارکنان، مدیران و مصرف کنندگان می‌باشد. (طالب زاده، ۱۳۹۵، ص۳)

مبانی نظری

بهره‌وری از کلمه productivity گرفته شده که به معنای قدرت تولید و مؤلد بودن است. این واژه با مفاهیمی چون کارایی، اثربخشی، بازدهی، و سودمندی گره خورده است .بهره‌وری ترکیبی از اثربخشی‌انجام کار درست و کارایی درست انجام دادن کار) بوده و عامل مهمی در توسعه استانداردهای زندگی به شمار می‌رود. پس اصطلاح Productivity در قاموس زبان انگلیسی به داشتن قدرت تولید و بارور بودن کسی یا چیزی گفته می‌شود.

زبان فارسی کلمه «بهره‌وری» به عنوان معادل Productivity مطرح شده است. لغت بهره‌وري براي اولین بار در سال ١٧٦٦ توسط فرانسوآکنه مطرح شد؛ او اعتقاد داشت اقتدار هر دولتی منوط به افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی است. لغت بهره‌وری که از نظر ادبی خاص مصدر است از واژه بهره و بری مشتق شده و کلمه بهره‌وری به استناد فرهنگ فارسی معین به «معنای بهره‌بردن، سودبرنده و کامیاب» است و نتیجتاً بهره‌وری در ادبیات فارسی به بهره‌بری، یا فایده بردن، سودبرندگی و کامیابی معنا شده است. (جودکی و حسین پور، ص١٣٩٧، ص٣٨)

بهره‌وری به عنوان یک حقیقت زندگی از زمان بسیار دور وجود داشته است اما به عنوان یک مفهوم از کارآيي و به معناي بهبود معیار زندگي مردم در قرن اخیر مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین عاملی که در کلیه تعاریف بهره‌وری وجود دارد تعیین نسبت آنچه که برای تولید به کار رفته به آنچه که از فرایند تولید به دست آمده است.

نتیجه‌گیری

در جهان امروز، بهره‌وری یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای افزایش سطح رفاه، استفاده بهینه از منابع، و ارتقاء سطح زندگی است .سازمان‌هایی که به ارتقاء سرمایه انسانی از طریق آموزش، مشارکت و یادگیری توجه دارند، قادر خواهند بود به بهره‌وری پایدار دست یابند. بهره‌وری يك ملت و يك سازمان را ثروتمند می‌کند و به يك سازمان امكان می‌دهد تا به کارکنان خود، دستمزدهای بالا پرداخت نماید. بهره‌وری به مديران يك سازمان امکان می‌دهد تا محصول سرمايه را درسطح بالا نگه‌دارند. دستمزدهای بالا و محصول سرمايه دو عامل اصلی ایجاد ثروت ملی محسوب می‌شوند. ملت‌هایی که ثروت خود را افزايش می‌دهند و روزبه‌روز ثروتمندتر می‌شوند، ملت‌هایی هستند که می‌توانند به سرعت و در هر زمان که اراده کنند، بهره‌وری خود را بهبود بخشند.

یکی از عواملی که منجر به بهره‌وری پایدار در سرمایه‌های انسانی می گردد؛ آموزش، یادگیری، تفویض اختیار، مدیریت مشارکتی و کارگروهی و تیمی است. این عوامل اصلی و بنیادی سازمان یادگیرنده می‌باشند. بنابراین سازمان یادگیرنده با تقویت و بهبود مهارت‌ها، خلاقیت، انگیزه و وفاداری کارکنان از طریق آموزش و یادگیری، تفویض اختیار، مدیریت مشارکتی و کار گروهی و تیمی باعث ارتقاء بهره-وری در سازمان‌ها می‌شود. (ابطحی و کاظمی، ١٣٨٠، ص٣٢)

منابع

قرآن کریم.

١- ابطحی و کاظمی (١٣٨٠). مدیریت منابع انسانی و بهره‌وری سازمان.

٢- باقری هشی، مهدی، حدادی، محمد.(١٣٩٣).تأثیر هوش عاطفی بر بهره‌وری کارکنان سازمان های امنیتی، فصلنامه علمی-پژوهشی«امنیت پژوهی»، سال سیزدهم، شماره٤٥.

٣- جودکی و حسین پور (١٣٩٧). اصول بهره‌وری و مدیریت منابع تهران.

٤- سروری، خلیل الرحمن (١٣٩٩). مدیریت منابع انسانی، چاپ ١. کابل: انتشارات عازم.

٥- سروری، خلیل الرحمن. (١٣٩٨). عوامل مؤثر در بهرورەوری نیروی انسانی پوهنتون کابل. مجله علمی - تحقیقی پوهنتون کابل. ١٠(٢): ٢٣-٤٦.

٦- شهنام، شهنام(١٣٨٨).بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان ها(مدیریت بهره‌وری فراگیر)، چاپ١٦. تهران: انتشارات هستان.

٧- رابینز، استیفن پی (١٣٨٩). مبانی سازمان و مدیریت، ترجمه طالب‌زاده(١٣٩٥).

٨- رنگریز،حسن(١٣٩٤). مدیریت بهره‌وری نیروی انسانی، تهران: انتشارات پوهنتون خوارزمی.

٩- مروتی علی رضا، زنجیرچی سید محمود، فائزه اسدیان اردکانی.(١٣٩٨). مدیریت کیفیت و بهره‌وری.

تقویت ایمان، نیاز حیاتی هر مسلمان با نشانه‌های قرآنی و آیات الهی

گردآوری: عبدالله هروی

یکی از راهنمایی‌هایی که خداوند متعال برای مسلمانان، برای داشتن حیات عزتمند و کامیابی دارین داشته است، دعوت به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌ها بوده است که باربار در قرآن کریم به آن اشاره داشته است. در این مقاله، من به برخی از این نشانه‌ها که همچون قطره از دریای معرفت است، می‌پردازم که برگرفته از ۵ آیات مبارک قرآن کریم می باشد.

یک مسلمان در زندگی‌اش تلاش می‌کند تا با انجام اعمال مورد پسند خداوند متعال، او تعالی را عبادت کند تا از عبادت به معرفت برسد و از معرفت، حقیقت را کشف کند.

مورد بحث این مقاله، ۵ آیه از سوره مبارکه الرعد است که در جزء ۱۳ قرآن‌کریم قرار دارد و در مکه مکرمه نازل شده و ۴۳ آیه دارد. این سوره شریفه با قضیه‌ای عمومی از قضایای عقیده آغاز می‌شود.

- المر. این‌ها آیات کتاب (آسمانی) است، و آنچه از پروردگارت به تو نازل شده حق است، ولیکن اکثر مردم ایمان نمی‌آورند.

الف لام میم را؛

این‌ها آیات این کتاب است. نشانه‌هایی است بر این که این وحی از جانب خدا است، چون تمام این کتاب از همین حروف ترکیب یافته و همین دلیلی است بر این که این کتاب از جانب خدا وحی شده نه از طرف مخلوق.

چیزی که به سوی تو نازل شده حق است. حق خالصی که به آن هرگز باطلی راه ندارد. در آن شبهه‌ای نیست، در آن تردیدی نیست و این حروف نشانه‌هایی است بر این که این کتاب حق است و از جانب خدا است.

و چیزی که از جانب خدا باشد، به‌طور یقین حق است و در آن شبهه‌ای نیست، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آرند.

این سرآغازی است که تمام موضوع سوره را با اختصار بیان می‌کند. در ضمن ارائه‌ی نشانه‌ها، به همه‌ی قضایای آن نیز اشاره می‌نماید و این است شگفتی‌های جهان هستی که بر قدرت آفریدگار حکمت و تدبیر او اشاره دارد.

در ابتدا، خداوند متعال درباره حقانیت این کتاب و آیات و نشانه‌ها، سخن گفته است و موضوع را مانند یک مقدمه، خلاصه کرده است که در ادامه موضوع، به متن می‌رود و موضوعاتی را بیش‌تر بیان می‌دارد و نشانه‌های دیگری را می‌گوید که بیانگر حقانیت این کتاب و خدایی بودن آن است.

چون در متن بعد از مقدمه، نشانه‌هایی را بیان می‌دارد که علم امروزی آنان را ثابت ساخته و با علم آن زمان، قابل تشخیص و شناسایی نبودند. در آیه بعدی می‌خوانیم:

- خداوند، آن (ذاتی) است که آسمان‌ها را بدون ستونی که شما آن‌را ببینید؛ بلند کرد، و آن‌گاه بر عرش مستولی شد. و آفتاب و ماه را رام کرد، همه چیزها تا زمانی معین (به مسیر خود) حرکت دارند. همه کارها را تدبیر می‌کند. آیات (خود) را تفصیل وار بیان می‌کند تا باشد، که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید.

در این آیه‌ی مبارکه، در ادامه مقدمه، خداوند متعال به برخی از نشانه‌های اشاره می‌کند که برای همه آشنا و ملموس است. بلی، آسمان بی‌ستون با چشم قابل لمس است. این که به چشم انسانی، نمی‌توان ختم این آسمان را مشاهده کرد. در آیه‌ی مبارکه نیز گفته شده که انسان آن را می‌بیند، یعنی قابلیت لمس کردن را با چشم دارد.

موضوع دیگری که برای بیننده قابل دید است، خورشید و مهتاب می‌باشد که خداوند متعال با یک نظم خاصی، آن‌ها را مقرر داشته است. این نظم را قرآن‌کریم در زمانی نام گرفته که به گونه‌ی علمی‌اش، کسی در آن زمان نمی‌توانست پی ببرد، اما به پیش‌رفت‌های علم نوین، امروزه با اندازه‌گیری‌های اساسی، توانسته‌اند این نظم را بسنجند که در بهار و تابستان و پاییز و زمستان، نظم چگونه برقرار است و طبق یک برنامه‌ی منظم، به حرکت می‌آید.

چنین نظمی، از توان بشری خارج است و هر اقدامی هم که بشر انجام دهد و نظمی را با تمام امکانات فراهم سازد، بعد از مدتی، نظم بر هم می‌خورد اما نظمی را که خداوند متعال برقرار کرده باشد، هرگز به هم نخواهد خورد، مگر آن که خود او تعالی بخواهد و تقدیر او تعالی رفته باشد که نظم را برهم زند.

این نظم را خداوند متعال در این‌جا بیان کرد و بعد به اهل ایمان خطاب کرد و گفت که این‌ها را به دلیل یقین بیش‌تر اهل ایمان بیان داشته است.

با توجه به آیت پیش از این آیه مبارکه، می‌توان گفت که در این جا بحث عقیده و مستحکم شدن باور مطرح است.

در این آیه، خداوند به مومنان موضوعاتی را بیان می‌دارد تا بیش‌تر عقیده پیدا کنند. چون در آیه پیش‌تر، خداوند گفت که اکثر مردم ایمان نمی‌آورند. و تو که ایمان آورده‌ای، تو که اسلام را قبول کرده‌ای، حال وقت آن است که روی عقیده و باور خود هم کار کنی.

چنان که در جای دیگری، خداوند از بنده‌های مومن‌اش می‌خواهد که به قدرت‌های او تعالی فکر کنند، در آفرینش تفکر کنند و این تفکر را ثواب زیاد نیز مقرر داشته است که بیان‌گر همین موضوع می‌باشد و او تعالی از بنده‌های مومن‌اش می‌خواهد که باور و عقیده‌شان را مستحکم‌تر بسازند.

علامه سید قطب در تفسیرش از این آیه گفته است: «آسمان‌ها مفهوم آن هر چه باشد و هر چه انسان از این کلمه طی قرن‌های متمادی دریافته و تا جایی که به چشم می‌خورد، واقعاً هیبت‌انگیز است و در این شبهه‌ایی نیست، مخصوصاً وقتی انسان به آرامش خاطر در آن می‌اندیشد؛ به چشم خود می‌بیند که به چیزی اتصال ندارد. چنان‌که می‌بینید بدون ستون ایستاده است. این نخستین برداشت هیبت‌انگیز در جولان‌گاه جهان هستی و نخستین برداشت برای وجدان انسان است در حالی که او در برابر این منظره‌ی هول‌انگیز قرار می‌گیرد،

به روشنی این حقیقت را در می‌یابد که جز خدا، هیچ کسی نمی‌تواند این آسمان با عظمت را بدون ستون در بالا نگه دارد. انسان بیچاره کاری را که تا اکنون به آن دست یافته همین تعمیرهای محدودی است که در گوشه‌ایی از این زمین محدود، در این تنگنا بنا شده و از این پا فراتر ننهاده و باز مردم از این تعمیرات از استحکام و عظمت آن و قدرتی که در این ساختمان‌ها به کار رفته صحبت می‌کنند و از این چشم‌پوشی می‌کنند که بالای سرشان چه آسمان با عظمتی است که بدون ستون بنا شده، این قدرتی است که حق است عظمتی است که حق است و استحکامی است که حتی به خیال انسان هم نمی‌رسد. انسان از این نظر گاه هول‌انگیز که آن را می‌بیند، به جهانی غیبی که واقعاً هیبت‌انگیز است و بینایی از آن احساس کم و ناچیزی می‌کند، رهنمون می‌شود. اگر شگفتی در عماراتی که بشر ساخته در بلندی آن باشد، آسمان بلندتر است و اگر در عظمت آن باشد باز هم آسمان‌ها با عظمت‌ترند که بلندی آن‌ها به گونه‌ای مطلق است و قرآن آن را با شیوه‌ای خاص به خودش به همان اطلاق آن ترسیم می‌کند تا به فهم محدود بشر نزدیک ساخته باشد».

در کنار آسمان، خداوند متعال از مهتاب و خورشید نیز یاد می‌کند. این دو از نظر جنبش با هم در تقابل‌اند، یکی ستاره و دیگری سیاره، هم در رنگ‌ها و هم در ارائه‌شان در شب و روز.

این‌ها همه نشانه‌های قابل لمس با دیدگان انسان هم در گذشته بوده‌اند و هم حالا دیده می‌شوند. اما امروز موضوعات جدیدی از هر دو کشف شده و علم به موارد زیادی دست یافته که انسان را به فکر کردن و تسلیم شدن در برابر خداوند متعال، وامی‌دارد.

این‌ها همه نشانه‌هایی هستند که مسلمان به دیدن پروردگار خود یقین کند و باورش، مستحکم‌تر شود. در ادامه، خداوند متعال باز هم آیاتی برای مومنان دارد که در آیه بعدی چنین می‌خوانیم:

- و اوست که زمین را گسترد و در آن کوه‌های (استوار) را قرار داد، و (نیز) رودبارها را. و از تمام میوه‌ها، در آن‌ها دو جفت آفرید. شب را به روز می‌پوشاند. بی‌گمان درین‌ها آیاتی است برای قومی که خرد می‌ورزند.

گسترانیدن زمین و مهیاسازی خاک آن برای زندگی کردن، در صورتی که سیاره‌های دیگری هم هستند که چنین حالتی دارند اما جای برای زندگی نیست، خودش قابل تفکر است. بحث کوه‌ها که هم‌چون میخ بر زمین قرار گرفته‌اند نیز قابل بحث است.

زمین از چند پلیت ساخته شده که این‌ها در کنار هم قرار دارند و بدون شک، کوه‌ها با خاصیتی که دارند (سخت‌اند)، در محکم‌نگه‌داشتن این چکه‌ها نقش دارند و نقش‌شان قابل لمس است.

به ادامه کوه‌ها از رودبارها سخن گفته، جوی‌های آب جاری که باز هم از همین کوه‌ها سرچشمه گرفته و کوه‌ها یک منبع بزرگ تامین کننده آب نوشیدنی به شمار می‌روند.

کوه‌ها با بلندی که دارند، با محکمی که دارند، در برابر تغییرات آب و هوا مقاوم بوده، آب بارش برف و باران را به شکل یخچال‌ها، در خود نگه می‌دارند، بدون اینکه کوه‌ها بپوسند و از بین بروند، در حالی که اگر به دیگر قسمت‌های زمین نگاه کنیم، در صورت یک زده‌گی، پوده می‌شوند و تخریب می‌گردند، حتی به میده خاک نیز تبدیل می‌شوند. اینجاست که باز هم استواری کوه‌ها که در آیه شریفه گفته شده، نظر را به سوی خود جلب می‌کند و بدون شک برای خِردورزان، آیه و نشانه‌ای از قدرت او تعالی می‌باشد.

در ادامه، آیت مبارکه، نشانه‌ای دیگری از نشانه‌های که به تقویت ایمان می‌انجامد، ذکر شده است و آن هم حاصلی است که از برکت جاری شدن آب‌ها از کوه‌ها و زمین مناسبی که شکل گرفته و وجود زوجین تحقق یافته است. قسمی که همه آگاه هستیم، تا زمانی که گرده‌افشانی در نباتات صورت نگیرد، میوه به وجود نمی‌آید و این مورد را علم جدید کشف کرده است.

پس خداوند متعال یک نشانه‌ای دیگر را از نظمی که در زمین برقرار ساخته است، بیان می‌کند و آن نظم،

آمدن شب و روز است. در جای دیگری، خداوند متعال می‌گوید که روز را به‌خاطر معیشت و شب را به‌خاطر آرامش و استراحت آفریده است. هر کدام از این نشانه‌ها در خود حکمت‌های نهفته دارد.

از فی ظلال‌القرآن بخوانیم: «منظره‌ی دوم منظره‌ی شب و روز است که یکی از پی دیگری می‌آید، این یکی آن دیگری را با نظم واقعاً شگفت‌انگیزی می‌پوشاند و این به ذات خود انگیره‌ای است برای تأمل در مناظر طبیعی.

روی آوردن شب و ناپدید شدن روز یا بر آمدن خورشید و برطرف شدن پرده‌ی شب، رویدادی است که عادت کردن ما به این پدیده از اهمیت آن کاسته است، ولی به ذات خود در نهایت شگفتی می‌باشد برای کسی که این آموختگی را از خود دور کند و عادت گرفتن به آن را برطرف سازد و با احساس نیرومند و تازه‌ایی به آن ببیند، آن هم با نگاه کسی که او را تکرار این پدیده بی‌تفاوت نساخته باشد، همچنین نظام گردش فلک به ذات خود قابل تأمل است، در اسراری که در این جهان هستی نهفته می‌باشد و باز اندیشه در قدرتی که این جهان هستی وسیع را از نو ایجاد کرده و آن را مراقبت می‌کند».

در ادامه، در آیت بعدی، نشانه‌های دیگری آمده که می‌خوانیم:

- و در زمین قطعات (متفاوتی) در کنار هم قرار دارند، و باغ‌های انگور و کشتزارها و نخلستان‌های خرما که بعضی از یک تنه رسته‌اند و برخی (هم) از تنه‌های جداگانه، از یک آب آبیاری می‌شوند، برخی را بر برخی در طعم (میوه‌های) شان برتری می‌دهیم. حقا که درین آیاتی است برای مردمی که از عقل خود کار می‌گیرند.

آن‌چه در آیه مبارکه پیش‌تر آمد، در این آیه توضیح بیشترش آمده و هم‌چنان درباره زمین می‌گوید. چون زمین نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین نشانه برای درک و لمس آسان‌تر برای اهل ایمان است، در این‌جا به برخی دیگر از نشانه‌ها می‌پردازد که برخی از این نشانه‌ها برای انسان ۱۴۰۰ سال قبل قابل دید و برخی با پیش‌رفت علم، برای نسل‌های بعدی و نسل امروزی، ثابت و قابل مشاهده قرار گرفته است.

جایی که می‌گوید؛ در زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارند، موضوعی است که با پیش‌رفت علم ثابت شد.

برای مومنین در ابتدای اسلام، فقط نشانه‌های قابل درک بود که دیده بودند اما مومن امروزی که پیامبر صلی الله علیه و سلم را ندیده است و به آن‌چه ایشان آورده‌اند، ایمان دارد، طبیعی است که با دیدن نشانه‌های ذکر شده در قرآن‌کریم، به حقانیت این دین و آموزه‌های آن، بیش‌تر یقین پیدا می‌کند.

در ادامه از باغ‌های انگور و کشت‌زارها و نخلستان‌های خرما که بعضی از یک تنه رسته‌اند و برخی از تنه‌های جداگانه، سخن به میان آمده که بدون شک، در خود نشانه‌هایی برای اهل ایمان دارد. و جالب این که همه از یک آب، آب‌یاری می‌شوند، برخی را بر برخی در طعم‌شان برتری داد شده، این قدرت خداوند است و کسانی درک می‌کنند که خِردمند اند.

خاک یکی، نبات یکی، آب یکی، فصل یکی اما میوه‌ها متفاوت، هر کدام را هم یک طعم و مزه است. حقا که درین دو آیه، نشانه‌هایی است برای مردمی که از عقل خود کار می‌گیرند.

این منظره‌هایی‌اند که در همین زمین وجود دارند، بسیاری از ما روزانه با آن سروکار هم داریم اما از کنار آن می‌گذریم و به حدی با غفلت‌زدگی با آن روبرو می‌شویم که حتی بعضی از ما میل دیدن آن را هم نداریم.

به مثابه آن می‌ماند که پدر و مادر یکی‌اند، بدن‌شان از حجرات مختلف ساخته شده و هر حجره خاصیت خود را دارد، یک نوع غذا را می‌خورند، به یک محیط هستند، اما اولاد که از آن‌ها به دنیا می‌آید، هر کدام دارای یک نوع خواص، دارای ویژه‌گی‌های منحصر به فرد و دارای فکر و اندیشه‌ی خود است و متفاوت از هم. بلی، بدون شک، نشانه‌های که بیان شده، برای مومنین، دلیل‌اند که به باورشان تقویت آید. و در آیت پنجم، خداوند متعال مومنین

را متوجه می‌سازد که با این همه آیات و نشانه‌ها، متوجه عقیده‌شان باشند و تفکر کنند تا در گمراهی قرار نگیرند. در آیت پنجم شوره مبارکه رعد شریف می‌خوانیم:

- اگر تو (از چیزی) تعجب می‌کنی، پس این گفتارشان عجیب است [که می‌گویند] « آیا ما وقتیکه خاک شویم، واقعاً در آفرینش جدیدی خواهیم بود (یعنی دوباره زنده خواهیم شد)؟ » همین‌هایند که بر پروردگار خود کافر شدند. و آنها، یوغ‌های (اسارت) است بر گردن‌شان. و ایشان اهل آتش‌اند، در آنجا همیشه بسر می‌برند.

این واقعاً شگفت‌انگیز است که بعد از این همه نشانه‌های هیبتناکی که به تفصیل ارائه شد، باز مردمی پیدا شوند که بگویند، آیا واقعاً بعد از آن که خاک شویم، در آفرینش جدیدی خواهیم بود دوباره زنده می‌شویم.

کسی که این جهان هستی را با همه‌ی این گستردگی آفریده و دقیق سنجش کرده، این همه آیات را که قابل لمس هستند گفته است، آیا قادر نیست که دوباره یک موجود را زنده گرداند؟ یقیناً قادر است که این مردم را دوباره زنده گرداند، این سوالی که بی‌خردان می‌کنند. خداوند متعال که از یک چوب خشک، انواع میوه‌ها را در بهار و تابستان خلق می‌کند، بدون شک توانایی دارد که انسان را هم دوباره خلق کند و زنده سازد.

این سوال و تعجب از زنده کردن بعد از مرگ در واقع کار کسی است که عقل خود را از اندیشه و قلب خود را از احساس باز می‌دارد، اینها کسانی‌اند که گردن خود را به غل و زنجیر بسته‌اند و کسی که عقل خود را از اندیشه باز می‌دارد و به زنجیر می‌کشاند، در واقع گردن خود را به غل و زنجیر کشیده است و سرانجام چنین مردمی آتش است که در آن همیشه باقی باشند. چون این‌ها هم در دنیا و هم در آخرت، به مزایا و زندگی‌شان نخواهند رسید و آرامشی را که شایسته و شأن انسان است، به‌دست نخواهند آورد.

و در نتیجه، می‌رسیدم به شعری از سعدی علیه رحمه که زیبا همه موارد را خلاصه کرد:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار اند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

انسان تا زمانی که در غفلت باشد، ذهنش تلاش برای جست‌وجو و پیدا کردن حق نخواهد نمود و زیان‌های دنیا و آخرت در سر راهش قرار خواهد گرفت.

یاد خداوند متعال که برگرفته از ایمان و عقیده‌ی قوی است، به آن سبب به تعالی و سعادت منجر می‌شود که بنده دست به خلاف‌ها نخواهد زد و این دست نزدن به خلاف‌ها، سبب خواهد شد تا بنده به زندگی خود، به نیکی سامان دهد و آسوده خاطر باشد و این همان آرامش واقعی است.

چون جامعه از فرد ساخته شده، نتیجه‌ی تربیت و زندگی خوب فردی، همان تربیت جمعی را شکل خواهد داد و سعادت را نصیب جامعه خواهد نمود.

منابع:

۱: قرآن‌کریم

۲: ترجمه قرآن‌کریم از کشککی و سلجوقی

۳: سید قطب، (۱۹۹۶ میلادی)، فی ظلال القرآن، ترجمه: راشد سلجوقی، محمدصدیق، (۱۳۹۲ خورشیدی)، چاپ اول، جلد پنجم، انتشارات شیخ الاسلام احمدجام

۴: منابع اینترنتی

۵: آثار بزرگان عرفان و شعر

اهمیت شفقت و مهربانی از دیدگاه اسلام (اهل سنت)

استاد سیدصادق گیلانی

مهربانی و شفقت از زیباترین صفات اخلاقی هستند که اسلام بر آن تأکید فراوان نموده است. یک مسلمان واقعی کسی‌ست که با دل نرم، زبان شیرین، و رفتار مهربان، الگوی اخلاق محمدی باشد. مهربانی نه نشانه ضعف، بلکه نشانه کمال انسانیت و ایمان است.

چنان‌که الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاّ رَحْمَةً لِلْعالَمينَ»؛ (الأنبياء: ۱۰۷)

ترجمه: ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

رسول اکرم صلی‌الله علیه وسلم، رحمتی برای همه مخلوقات بود. آن حضرت با دشمنان هم با رأفت برخورد می‌کردند، چه رسد به یاران و مؤمنان.

چنان‌که پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه وسلم فرمودند: «الراحمون یرحمهم الرحمن»؛ (سنن ترمذی، حدیث صحیح).

ترجمه: کسانی که رحم می‌کنند، خداوند بر آنان رحم می‌نماید.

آری!

مهرورزان را خدای مهربان در پناه رحمت خویش می‌گیرد؛ پس بیایید دل‌های‌مان را آشیانهٔ شفقت و دست‌های‌مان را سایهٔ مهربانی سازیم.

و چنانچه در جای دیگر پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»
(صحیح بخاری و صحیح مسلم)

ترجمه: هیچ‌یک از شما ایمان کامل ندارد تا آن‌چه برای خود دوست دارد، برای برادر مسلمانش نیز دوست بدارد.

چه زیبا گفت مولانا:

این جهان کوه‌ست و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا
پس به نیکی گر بکوشی، نیکی آیدت
مهر بورز ای دل، که مهرت بر رسد

اقوال بزرگان اهل سنت

امام ابوحنیفه (رحمه‌الله):

«محبت با مردم نیمی از عقل است.»

امام احمد بن حنبل (رحمه‌الله):

«اگر دیدی کسی به مردم رحم ندارد، بدان که دلش از یاد خدا خالی‌ست.»

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه‌الله):

«رحمت با خلق، نشانه نزدیکی به خالق است.»

نتیجه‌گیری

اسلام دینی‌ست مبتنی بر محبت، هم‌دلی و خدمت به خلق. هرکس می‌خواهد مورد رحمت الهی قرار گیرد، باید بر مردم، حیوانات و طبیعت مهربان باشد. مهربانی کلید بهشت است و نشانه‌ای از ایمان.

بیاییم از رسول مهربانی بیاموزیم و زندگی‌مان را آینه‌ای از رحمت و شفقت بسازیم.

مطالب اختصاصی ۲۴ و ۲۸ اسد

- اعلامیه مقام امارت اسلامی در پیوند به چهارمین سالگرد پیروزی مجاهدین و آزادی از اشغال امریکایی و فتح کامل
- ۲٤ اسد؛ شام سیاه رخت بست صبح درخشان آمد
- ۲٤ اسد؛ نقطه‌ی عطفِ تاریخ افغانستان
- ۲۸ اسد؛ از استقلال ۱۹۱۹ تا شکست قدرت‌های بزرگ
- ۲٤ اسد؛ طلوع دوبارۀ خورشید استقلال بر کشور!
- ۲۸ اسد؛ صدوششمین سال‌روز مقاومت و ایستادگی ملت افغان
- از شکست آمریکا تا پیروزی امارت اسلامی؛ بازخوانی یك رویداد تاریخی
- استقبال گستردۀ ملت افغان از ۲٤ اسد و پیام آن به جهانیان!
- چهار سال اقتدار، امنیت و شکوه ملی؛ کارنامه درخشان امارت اسلامی افغانستان
- روز آزادی
- از قیام تا استقلال؛ حماسه رهایی از استعمار انگلیس
- بیست‌وچهارم اسد؛ سرآغاز تقویمِ رهایی از شرارت‌های تیوری نوسازی آمریکایی

اعلامیه مقام امارت اسلامی در پیوند به چهارمین سالگرد پیروزی مجاهدین و آزادی از اشغال امریکایی و فتح کامل

بسم الله الرحمن الرحیم
قال الله تبارک وتعالی:(إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا) الفتح: (۱)
وقال الله تبارک تعالی: (وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ) الصافات (۱۷۳)
وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: الحمدُ للَّه الَّذي صدقَ وعدَهُ ، ونصرَ عبدَهُ ، وَهزمَ الأحزابَ وحدَهُ . الحدیث (رواه ابن ماجه)
والصلاة والسلام علی سیدالمرسلین وعلی آله و اصحابه اجمعین

الحمدلله چهار سال از فتح عظیم بدست مجاهدین امارت اسلامی به نصرت الله جل جلاله و رهایی افغانستان از اشغال امریکایی و متحدان آن گذشت.

برای برقراری نظام مقدس شرعی در افغانستان، افغان ها تقریباً در مدت پنجاه سال تکالیف بسیار فراوان را تحمل کردند و قربانی های زیادی دادند.

افغانستان پس از پایان اشغال، دارای یک نظام مقدس شرعی گردید، پس از چند دهه در تمام وطن امنیت سرتاسری تامین شد، مردم در روشنایی قوانین شرعی از فساد، ظلم، غصب، مواد مخدر، دزدی، چور و چپاول نجات یافتند. برای آبادی و بازسازی افغانستان زمینه مناسب فراهم شد و هموطنان ما از اختلافات زبانی، قومی، سمتی، حزبی و سایر اختلافات رهایی یافتند و این ها انعامات بزرگ الهی اند که باید مردم ما فراموش نکنند و در جریان یادبود از روز فتح، شکرانه زیاد الله تعالی را ادا نمایند تا نعمات بیشتر گردد. اگر خدا ناخواسته شکر نعمت ها را ادا نکنیم و ناشکری آنرا نماییم، پس به عذاب سخت الله جل جلاله مبتلا خواهیم شد.

قال الله تعالی: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. آیه ۷ سورة ابراهیم

همچنان باید از قربانی ها و تکالیف شهدا، محبوسین و معلولین جهاد مجاهدین خویش، قدردانی نماییم.

هدایت جدی من به تمام مسئولین امارت اسلامی این است که در خدمت نظام شرعی و مسلمانان باشند و بخاطر رفاه و آرامش مردم کوشش نمایند و تمام وزرا و کابینه امارت اسلامی، کلمه سرپرست را استفاده نه نمایند.

تمام مسئولین امارت اسلامی باید خانواده های شهدا راه جهاد را فراموش نکنند و به نوازش و نگهداری از ایتام توجه کامل داشته باشند.

از الله تعالی می خواهیم که وطن ما را برای همیشه با نظام شرعی آباد داشته باشد و الله تعالی آنرا از شر هر نوع دشمن حفاظت و در پناه خود داشته باشد.

الله پاک تمام امت مسلمه را از اتحاد و اتفاق بهره مند گرداند و الله تعالی مسلمانان فلسطین را فتح مبین نصیب نماید.
آمین یا رب العلمین

زعیم امارت اسلامی افغانستان امیرالمؤمنین
شیخ القرآن و الحدیث مولوی هبة الله اخندزاده
۱۴۴۷/۲/۲۱هـ ق
۱۴۰۴/۵/۲۴هـ ش ـ ۱۵/۸/۲۰۲۵م

۲۴ اسد:

شام سیاه رخت بست صبح درخشان آمد

مصطفی توکلی

امت اسلامی امتی‌ست که هرگز نمی‌میرد و نابود نمی‌شود، چنان امت زنده و پویایی‌ست که هرگاه از گوشهٔ غروب کند، از گوشهٔ دیگر طلوع کرده و شعای نورش جهان را روشن و تابناک می‌سازد. این امت هرچه ضربهٔ محکم‌تر بخورد، بیشتر قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌شود، شیشه گر بشکنند، بران‌تر شود.

اگر نگاهی گذرا به دو دههٔ قبلِ کشورعزیزمان افغانستان بیندازیم، در می‌یابیم که چطور دشمنان دین و وطن بر خاک و میهن‌مان تجاوزکرده و همانند ظرف غذایی بر آن هجوم آورده بودند و برای بلعیدن آن از همدیگر سبقت می گرفتند.

کمی با دقت بنگریم که چطور تمام ملل کفری و سازمان‌های به‌هم‌پیوسته دست‌به‌دست هم داده و برای نابودی یک کشور کوچک و فقیر فرسنگ‌ها را پیمودند تا اینکه دین و اسلام ما را از ما بربایند و ما را از اسلام تهی سازند؛ ولی این نابخردان مسیر طولانی را اشتباه پیمودند و مسیر ترکستان، آنها را به‌گورستان منتهی ساخت. آدرس را اشتباه گرفتند یا از گذشتگان‌شان درس عبرت نگرفته‌اند، کدام یکی؟

آمریکای جانی از شکست آبا و اجدادش (انگلیس و روس) درس عبرت نگرفته و بعد از رسوایی و شکست آن دو، طبل جنگ را محکم‌تر کوبیده و خود را یکه‌تاز میدان معرفی کرده و پا را فراتر از گلیم‌خود دراز کرده و مکارانه همچون روباه در بین شیران عرضِ اندام کرد و وارد

خاک پاک افغانستان شد.
آمریکای جنایت‌کار؛ البته نه تنها آمریکا، بلکه دوشادوش وی ۴۷ کشور کفری، همراه با نوکران و بردگان داخلی، با تمام کب‌کبه و دب‌دبهٔ‌شان به‌جنایت‌های ضدانسانی و ضدبشری خود، مدت طولانی کوشش و تلاش ورزیدند تا بساط اسلام، غیرت، عزت و شجاعت افغان‌ها را از این سرزمین برچینند؛ ولی این را ندانسته که با دوستان خدا هرکس در افتاد، ورافتاد.
افغان‌ها قومی‌اند که اسلام در رگ‌وریشهٔ آنها عجین گشته و غیرت و حمیت اسلامی‌شان ضرب‌المثل برای همگان قرار گرفته است.
هرگاه ببینند که بر اسلام و عزتشان تعرض و تجاوز شود، آنگاه یا جان می‌دهند یا جان می گیرند.
زمانی‌که آمریکا با آبروی، ناموس و عزت افغان‌ها بازی کرد، آنجا بود که شیران از هر کوه‌وبرزنی بر شغالان اشغال‌گر یورش برده و دشمنان کینه‌توز و گستاخ را یکی پی دیگری روانه قبرستان کردند.
مجاهدینی‌که معروف به طالبان بودند، وارد کارزار شده و زندگی را برای اهل باطل تنگ و تاریک کردند، تا جایی‌که خواب را از دیدگان دشمنان ربودند و افغانستان را برایشان تبدیل به جهنم سرمدی کرده بودند.
نبرد میان حق و باطل سالیان متمادی در این سرزمین ادامه داشت، دراین مدت زمان جنایت‌کاران به چه جنایاتی که نپرداخته‌اند، چه بسا کودکان، زنان، جوانان و پیرمردان را قتل کرده‌اند، و هیچ‌کس و هیچ‌کشوری از مظلومان این مرز و بوم دفاع نکرده و حتی جنایاتِ جنایت‌کران را تقبیح هم نکردند و بجای آن، از جنایت‌کاران دفاع کرده و برای آنها شعار مبارزه با تروریست را سر می‌دادند.

این بود شعار جهان اسلام و سازمان‌های بین‌المللی، با و جود این همهٔ مشکلات بازهم مجاهدین دست از نبرد و قتال برنداشته و همواره با این شعار جنگیدند که: دست از قتال نداریم، تا کام‌مان برآید/یا جان رسد به جانان، یا جان زتن برآید.
مجاهدین غیور و جان‌بر کف اسلام، کبر و غرور آمریکا و ناتو را زیر پای خود له کرده و افغانستان را تبدیل به گورستان برای آمریکایی‌ها و متحدین‌شان ساختند، تاجایی‌که آمریکا راه فرارش را گُم‌کرده بود و در پی این افتاده بود که چطور بیرون شود، چطور بر لکهٔ ننگ خود پرده بیاندازد تا پیش جهانیان رسوا نشود. تا اینکه بالأخره راه گفتمان را در پیش گرفت و مجبور شد به میدان مذاکره روی‌آورد.
آمریکا بعد از گفتمان‌های طولانی، آخر فرار را بر قرار ترجیح داد و از تمام دار و دسته‌اش کشور عزیزمان از لوث این ناپاکان، پاک گردید و افغانستان دوباره استقلالش را به‌دست آورد.
نتیجهٔ شهادت، جان‌فشانی‌ها، از خود گذشتگی‌ها و آوارگی‌ها و زحمات چندین سالهٔ امارت اسلامی در ۲۴ اسد رقم خورده و افغانستان در این روز از زیر یوغ استعمار و اشغال‌گران، آزادگردید.
و اینک افغان‌ها آزاد و دارای نظام مستقل و مقتدر اسلامی گشته‌اند و می‌باید که شاکر این نعمت بزرگ رب العالمین باشند!
استقلال و آزدی نعمتی‌ست که فقط با خون به دست می‌آید، باید از آن پاس داری شود، تا خون رفتگان ضایع و بدون ثمر واقع نشود.

شاد زی، آزاد زی ،آباد زی و دیر زی
ای وطن در پرتو نور قانون الهی

۲۴ اسد؛

نقطه‌ی عطفِ تاریخ افغانستان

ابوعماد احمدی

تاریخ هر ملت سرشار است از روزهایی که نه تنها نقطه عطف سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند، بلکه چون چراغ فروزانی در تاریکی، راه آیندگان را روشن می‌سازند. برای سرزمین کهن و پرحادثه‌ی افغانستان، ۲۴ اسد یکی از همان روزهای سرنوشت‌ساز است که نه تنها پایانی بر یک دورهٔ پیچیده و طولانی بود، بلکه آغازگر صفحه‌ای تازه در دفتر پرماجرای این ملت محسوب می‌شود.

روز ۲۴ اسد ۱۴۰۰ هـ.ش، تاریخی‌ست که در آن پس از دو دهه حضور نیروهای خارجی در خاک افغانستان، سرنوشت این کشور دوباره به دست مردم و حاکمیت داخلی سپرده شد. این روز برای افغان‌ها، نمادی از استقلال و بازگشت به حاکمیت ملی است؛ روزی که امید به صلح، امنیت و آبادانی بار دیگر جان گرفت. اما در همین حال، این روز یادآور پیچیدگی‌ها و چالش‌های فراوانی است که مسیر پیش روی افغانستان را مشخص می‌سازند.

حضور نیروهای خارجی در افغانستان از سال‌های ابتدایی قرن بیست‌ویکم، سرزمینی کهن را به میدان جنگ و منازعه‌ای بی‌پایان تبدیل کرد. در این بیست‌سال، افغان‌ها شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی بودند که هر کدام سایه خاص خود را داشت؛ اما نقطه‌ی عطف این دوران، روز ۲۴ اسد ۱۴۰۰ بود؛ روزی که نیروهای خارجی خاک افغانستان را ترک کردند و قدرت بار دیگر به دست امارت اسلامی افغانستان افتاد.

با آمدن امارت اسلامی افغانستان، بساط ظلم، چپاول، زورگویی و بی‌حیایی که سال‌ها بر مردم تحمیل شده بود، جمع گردید. بی‌عدالتی، خشونت و بی‌نظمی جای خود را به عدالت، امنیت و صلح و آرامش

دادند. دل‌سوزی و خیرخواهی در مدیریت امور کشور جریان یافت و بساط آتش نفاق و دودستگی که دشمنان افغانستان برای تفرقه‌انداختن ایجاد کرده بودند، برچیده شد. بیگانگان و متجاوزین که سال‌ها به این سرزمین تجاوز کرده بودند، خوار و منزوی شدند و قدرت بار دیگر به دست مجاهدین و فرزندان شجاع این خاک افتاد.

این روز به معنای پایان یک دوره طولانی از دخالت‌های خارجی و شروع مسیر جدیدی برای افغانستان بود. مردمی که سال‌ها زیر سایه ناامنی، خشونت و بحران زندگی کرده بودند، بار دیگر به امید روزهای بهتر چشم دوختند. اما هرچند پایان اشغال یک گام بزرگ و تاریخی بود، آغاز کار دشوارتر برای بازسازی کشور و تحقق آرزوهای مردم افغانستان محسوب می‌شد.

با بازگشت حاکمیت امارت اسلامی افغانستان، فضای سیاسی و اجتماعی کشور، دست‌خوش تغییرات چشم‌گیری شد. تلاش‌ها برای برقراری امنیت و نظم، گامی بزرگ در جهت کاهش بی‌ثباتی و هرج‌ومرج بودند که به بازگشت آرامش نسبی در بسیاری از مناطق انجامیده و مردم توانستند نفس راحت‌تری بکشند و به آینده با امید نگاه کنند.

چالش‌های اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی نیز فشارهایی بر زندگی روزمره مردم وارد کردند. با این حال، ۲۴ اسد نه پایان همه مشکلات، بلکه آغاز فرصتی بزرگ برای افغانستان بود تا با درس گرفتن از گذشته و همبستگی ملی، مسیر پیشرفت و توسعه را هموار سازد.

در تاریخچه پرفرازونشیب افغانستان، همیشه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، تفرقه و نفاق میان اقوام، گروه‌ها و جناح‌های مختلف بوده است. امروز که فصل جدیدی آغاز شده، بیش از هر زمان دیگری ضرورت وحدت، همدلی و همکاری ملی احساس می‌شود.

۲۴ اسد به ما یادآور می‌شود که هیچ دست‌آوردی بدون تلاش جمعی و گذشت از اختلافات، پایدار نخواهد ماند. همه افغان‌ها، فارغ از قوم، مذهب و گرایش سیاسی، باید دست در دست هم دهند تا صلح و ثبات در سراسر کشور برقرار شده و بذر امید در دل همه کاشته شود.

امروز که افغانستان در مرحله حساس و سرنوشت‌سازی قرار دارد، هر شهروند مسئولیتی بزرگ بر دوش دارد؛ مسئولیتی که تنها با اتحاد و تلاش مداوم تحقق می‌یابد. از جوانان گرفته تا بزرگان جامعه، از معلمان تا کارگران، همه نقش مهمی در ساختن فردای روشن دارند.

۲۴ اسد فرصتی است برای بازاندیشی به ارزش‌های ملی، برای ترویج فرهنگ صلح، عدالت و آموزش و برای شکل‌دادن به جامعه‌ای که همه اعضایش در آن فرصت برابر داشته باشند؛ جامعه‌ای که در آن هر فردی بتواند به رشد و توسعه دست یابد و همه مردم بدون ترس و تبعیض زندگی کنند.

راه استقلال و حاکمیت ملی با خون هزاران جوان پاک آبیاری شده است. شهدای عزیز افغانستان که جان خود را در راه وطن و ارزش‌های مقدس فدا کردند، گنجینه‌ی ارزشمندی برای نسل‌های بعدی هستند. احترام به آنان و نگهداری از راه‌شان، وظیفه‌ای است که هر افغان باید به آن پایبند باشد.

۲۴ اسد، روزی است که باید با دیدی فراتر از صرفاً یک رویداد سیاسی نگریسته شود. این روز، نماد یک حرکت تاریخی، یک فرصت برای بازسازی و یک فراخوان برای تلاش مشترک در جهت پیشرفت و شکوفایی افغانستان است.

افغانستانی که در مسیر صلح و آبادانی گام بر دارد، کشوری خواهد بود که هر افغان در آن آزاد، برابر و با امید زندگی کند. ۲۴ اسد، ورق تازه‌ای است در کتاب پرماجرای این سرزمین کهن؛ ورقی که باید با اراده، همدلی و خرد جمعی نوشته شود تا آینده‌ای روشن برای همه رقم بخورد.

۲۸ اسد؛

از استقلال ۱۹۱۹ تا شکست قدرت‌های بزرگ

نویسنده : عاصم «پروانی»

ملت‌ها در تاریخ خود لحظه‌هایی دارند که مسیر آینده‌شان را تعیین می‌کنند، و برای افغانستان آن لحظه ۲۸ اسد ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹ آگست ۱۹۱۹) است.

روزی که پس از جنگ سوم افغان و انگلیس استقلال کشور به رسمیت شناخته شد. این روز آغازگر خطی تاریخی شد که بارها در برابر قدرت‌های بزرگ جهان تکرار گردید؛ افغانستان را می‌توان اشغال کرد. اما نمی‌توان تسخیر کرد.

استقلال ۱۹۱۹ سرآغاز اشغال‌ناپذیری

پس از سه جنگ خونین با بریتانیا، سرانجام در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ افغانستان توانست سیاست خارجی خویش را مستقلانه در دست گیرد پیمان راولپندی میان افغانستان و انگلیس امضا شد و این سرزمین رسماً از قید استعمار رها گردید از همان روز. یک حقیقت تاریخی رقم خورد. هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند روح استقلال‌خواهی افغان را بشکند.

شکست شوروی؛ تکرار تاریخ

شوروی سابق در ۶ جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسمبر ۱۹۷۹) با هزاران تانک و طیاره به افغانستان هجوم آورد. آنان تصور می‌کردند با قدرت نظامی می‌توانند ملت ما را به زانو درآورند؛ اما مجاهدت‌های ملت مسلمان افغانستان، پشتیبانی امت اسلامی و استقامت بی‌نظیر مردم، ارتش سرخ را در باتلاق شکست فرو برد. سرانجام در ۲۶ دلو ۱۳۶۷ (۱۵ فبروری ۱۹۸۹) ارتش سرخ خوار و ذلیل از افغانستان بیرون رفت. این رویداد نشان داد که آنچه در ۲۸ اسد آغاز شده بود. تنها یک حادثهٔ سیاسی نه، بلکه حقیقتی ماندگار بود و آن اینکه افغانستان اشغال‌ناپذیر است.

شکست آمریکا و ناتو؛ سومین سند تاریخی

پس از حادثهٔ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا و ناتو با شعار مبارزه با تروریزم در ۱۵ میزان ۱۳۸۰ (۷ اکتوبر ۲۰۰۱) افغانستان را اشغال کردند. بیست سال تمام با بمب‌افکن‌ها، تبلیغات و مزدوران داخلی کوشیدند استقلال افغانستان را نابود سازند؛ اما همان‌گونه که انگلیس و شوروی شکست خوردند، آمریکا نیز پس از دو دهه جنگ فرسایشی در ۹ سنبله ۱۴۰۰ (۳۱ آگست ۲۰۲۱) با شرمساری کامل خاک افغانستان را ترک کرد.

ارتباط سه شکست بزرگ

این سه شکست؛ شکست انگلیس در ۱۹۱۹، شکست شوروی در ۱۹۸۹ و شکست آمریکا در ۲۰۲۱ زنجیره‌ای واحد را تشکیل می‌دهند؛ زنجیره‌ای که پیام روشنی برای جهان دارد و آن اینکه افغانستان را می‌توان ویران کرد اما نمی‌توان اسیر کرد، می‌توان ملتش را به شهادت رساند؛ اما نمی‌توان غیرتش را خرید. ۲۸ اسد سرآغاز این زنجیره بود و امروز پس از بیش از یک قرن، هنوز ادامه دارد.

استقلال واقعی

اگر چه در گذشته استقلال افغانستان بارها با اشغال موقت آسیب دید؛ اما ملت هر بار دوباره آزادی خود را به دست آورد. امروز پس از شکست آمریکا و ناتو، افغانستان طعم استقلال واقعی را می‌چشد؛ استقلالی که نه تنها در کاغذ بلکه در میدان عمل تثبیت شده است.

امروز استقلال واقعی داریم؛ زیرا بعد از یک قرن مبارزه و فداکاری دیگر نه ارتش سرخ شوروی در خاک ماست و نه اشغال‌گران آمریکایی. نظام ما به دست فرزندان همین خاک اداره می‌شود. تصمیم‌ها در کابل گرفته می‌شوند نه در واشنگتن و... و ملت افغانستان مالک سرنوشت خویش گردیده است.

این روز به ما می‌آموزد که آزادی با خون شهدا به دست آمده و با سستی و اختلاف از دست خواهد رفت. اگر وحدت اسلامی، ایمان دینی و غیرت افغانی را حفظ کنیم هیچ قدرتی توان اشغال این سرزمین را نخواهد داشت.

۲۸ اسد روزی است که در آن استقلال به دست آمد؛ اما فراتر از آن، آغاز اشغال‌ناپذیری ملت افغانستان رقم خورد. پس از شکست سه قدرت جهانی در طول یک قرن، این حقیقت بیش از هر زمان دیگر روشن است؛ «افغانستان آزاد است و آزاد خواهد ماند».

۲۴ اسد؛ طلوع دوبارهٔ خورشید استقلال بر کشور!

شجاعت محمدی

۲۴ اسد برای افغان‌های مظلوم اما شجاع، روز فتح و پیروزی‌ست که با قربانی‌های زیادی به دست آمد؛ قربانی‌هایی که به‌خاطر نظام اسلامی بود، و این روز نویددهندهٔ همین نظام مقدس اسلامی‌ست.

سه‌سال پیش از امروز، در ۲۴ اسدِ سال ۱۴۰۰ ه.ش، اشغال امریکا در سراسر افغانستان به پایان رسید و خورشید استقلال کشور دوباره طلوع کرد. مردم افغانستان این روز را به‌عنوان روز عزت، افتخار، غرورآفرینی و تاریخی یاد می‌کنند و می‌گویند که با حاکمیت دوبارهٔ امارت اسلامی، خشونت، فساد و انواع مظالم پایان یافت و هموطنان ما بار دیگر در فضای صلح، نفس راحت کشیدند. در این روز، اساس و بنیاد نظام اسلامی به طور کامل در کشور نهاده شد.

اشغال بیست‌ساله به پایان رسید و ملت افغان به آرامش امیدوارانه‌ای دست یافت. خون‌ریزی‌ها متوقف شد، چاپه‌های شبانه از بین رفت، و نظام امارت اسلامی به‌عنوان حکومت جدیدِ این سرزمین مستقر شد، و هم‌زمان با حاکمیت امارت اسلامی، امنیت بی‌سابقه‌ای در سراسر کشور برقرار شد.

به‌جای قتل، آدم‌ربایی، زورگیری و ترس؛ صلح، زندگی شاد، عدالت و امنیت فراهم شد و اکنون هر افغانی بدون هیچ‌گونه هراسی به زندگی خود ادامه می‌دهد. با وجود محدودیت‌های اقتصادی بین‌المللی، امارت اسلامی توانسته است پروژه‌های اساسی و بنیادی در سطح کشور را از بودجهٔ ملی آغاز و تأمین مالی کند.

مقامات امارت اسلامی امروز با مواضع مدبرانه و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود در اجرای پروژه‌های بزرگ و مهم در عرصهٔ بازسازی افغانستان، جهان را شگفت‌زده کرده و باعث شده که این کشور به سمت شکوفایی حرکت کند. امارت اسلامی به‌عنوان یک کشور مستقل، تعامل با کشورهای همسایه را در راستای حفظ منافع متقابل ترویج می‌دهد و به نگرانی‌های آن‌ها به‌طور سیستماتیک پاسخ می‌دهد.

امارت اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ساختار بنیادی و دیگر حوزه‌ها پیشرفت‌های زیادی داشته است که ادارهٔ فاسد سابق، با وجود حمایت‌های مالی بین‌المللی در طول بیست‌سال، نتوانست به دست آورد.

با وجود چالش‌های جهانی، امارت اسلامی افغانستان در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، صحت و معارف دست‌آوردهای چشم‌گیری داشته است.

باید به یاد داشت که در راه مقدس جهاد در برابر متجاوزین و استقرار نظام اسلامی در کشور، تعداد زیادی از جوانان زندگی خویش را فدا نموده و به مقام والای شهادت دست یافتند، و تاریخ این فداکاری‌ها را برای همیشه در یاد خود حفظ خواهد کرد و کارنامه‌های آنان با خطوط طلایی در صفحات تاریخ افغانستان درج خواهد شد.

افغان‌ها باید با وحدت و اتفاق و فداکاری، حکومت اسلامی را نگهداری کنند. باید زحمت بکشند و به دشمنان این فرصت را ندهند که زندگی آرام و مطمئن‌شان را را با خطر مواجه کرده و زمینه را برای یک فاجعهٔ دیگر مساعد سازند.

۲۸ اسد؛ صدوششمین سال‌روز مقاومت و ایستادگی ملت افغان

مبارز هروی

۱۰۶ سال قبل از امروز ملت آزاده افغانستان بعد از مقاومت جانانه‌اش در مقابل انگلیس‌ها، استقلال خود را به دست آورده و برگ زرینی را در تاریخ این کشور از خود برجای گذاشت؛ استقلالی که حاوی پیامی واضح برای قدرت‌های دنیا بود: افغانستان هیچ‌گاه زیر بار اشغال نخواهد رفت!

این ادعا بعدها نیز با شکست‌دادن اتحاد شوروی و متعاقبا آمریکا و هم‌پیمانان آن ثابت شد که ملت دلیر افغانستان آزادی را با هیچ متاعی معامله نمی‌کنند.

امروز، ۲۸ اسد ۱۴۰۴ هـ.ش، مصادف است با صدوششمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان از چنگال استعمار انگلیس؛ روزی که نه تنها در تقویم ملی جایگاهی ویژه دارد، بلکه در تاریخ ملت‌های آزادی‌خواه جهان نیز به عنوان الگویی بی‌بدیل از مقاومت و ایستادگی ثبت گردیده است.

ملت افغانستان در تاریخ پرفرازونشیب خود، سه امپراتوری بزرگ جهان -انگلیس، شوروی و آمریکا- را به زانو درآورد؛ ابرقدرت‌هایی که در زمان خود هیچ‌کس و هیچ چیزی را مانع رسیدن به اهداف پلیدشان نمی‌دیدند.

این حقیقت که ملت افغانستان اشغال بیگانگان را نپذیرفته و هرگز نمی‌پذیرد، این را می‌رساند که آزادی و استقلال در وجود افغان‌ها نه یک شعار سیاسی، بلکه عقیده‌ای ریشه‌دار و ایمانی راستین و راسخ است.

بلی! هیچ قدرتی، هرچند به پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی دنیا و تکنالوژی روز مجهز باشد، نتوانسته روحیه آزادی‌خواهی این ملت را در هم بشکند.

انگلیس در قرن نوزدهم، شوروی در قرن بیستم و آمریکا در قرن بیست‌ویکم، هر کدام با غرور و ادعای تسخیر جهان به افغانستان آمدند؛ اما همه آن‌ها با شکست خفت‌بار، سرزمین ما را ترک کردند؛ سرزمینی که بارها ثابت نموده «قبرستان امپراتوری‌ها» است و هیچ بیگانه‌ای را تحت هیچ نام، نقاب و بهانه‌ای تحمل نکرده و نخواهد پذیرفت.

ناگفته نماند که روز ۲۸ اسد، تنها یک تاریخ نیست؛ بلکه یادآور خون هزاران شهید و فریاد آزادی‌خواهی مردمی است که حاضر شدند همه چیز خود را فدا کنند، اما استقلال خویش را از دست ندهند.

اگرچه استقلال افغانستان، در حقیقت نقطه پایان بر استعمار انگلیس بود، اما سرآغاز فصل تازه‌ای از بیداری ملت نیز محسوب می‌شود؛ بیداری‌ای که سال‌ها بعد منجر به شکست شوروی و در برهه‌ای دیگر باعث از پای‌درآوردن اشغال‌گران آمریکایی گردید.

امروز وقتی به برگ‌های خونین تاریخ استقلال می‌نگریم، نمی‌توانیم از مردان، زنان، کودکان و بزرگ‌سالان بی‌شماری که در این راه جان شیرین‌شان را نثار کردند، یاد نکنیم.

یقینا این سرزمین بر خون شهدا و فریاد مظلومان بنا شده است؛ خون‌هایی که در کوهستان‌ها، دشت‌ها و کوچه‌های این وطن جاری گردید تا بیرق اسلام و استقلال سرنگون نگردد.

آرمان شهدا تنها رهایی از بند استعمار نبود؛ آن‌ها برای تحقق نظامی برخاستند که در آن شریعت اسلامی حاکم باشد و ملت افغانستان آزادانه و با عزت، بر مبنای دین خود زندگی کند.

امروز، بعد از دهه‌ها مجاهدت و جان‌فشانی، آن آرمان بزرگ به ثمر نشسته است. ملت مسلمان افغانستان شاهد تحقق نظام اسلامی است؛ نظامی که بیرق سفید اسلام را بر فراز این سرزمین برافراشته و شریعت را اساس حکومت قرار داده است.

این دست‌آورد نه تنها نتیجه سال‌ها جهاد و قربانی، بلکه تحقق وصیت شهیدانی است که با خون خود درخت استقلال و اسلام را در این سرزمین باشکوه آبیاری نمودند.

بدون تردید پاسداری از این نعمت بزرگ، وظیفه همه ما است. اگر امروز نعمت استقلال و نظام اسلامی را در دست داریم، فردا نیز باید با همان روحیه ایثار و مقاومت، از آن حفاظت کنیم.

از شکست آمریکا تا پیروزی امارت اسلامی؛ بازخوانی یک رویداد تاریخی

محمدداوود اسحاق‌زهی «یوسفی»

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، سرنوشت کلی آمریکا، اوضاع سیاست خارجی و احوال مردم آن را برای همیشه تغییر داد و نقطه سیاه شکست را در دامان آن انداخت. فردای آن روز سیاه و پردود، زمانی که آمریکایی‌ها از خواب بیدار شدند، با جهانی متفاوت و شهری وحشت‌زده روبه‌رو شدند؛ به مدعی‌ترین کشور از نظر امنیت برای اولین‌بار حمله‌ی شدید شده و دو برج اقتصادی و تجاری آن فروریخته بود. در روزهای آتی جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت کشور، آغاز جنگ را اعلام کرد و فاز جدیدی از سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش را به نمایش گذاشت. بسیاری از تحلیل‌گران به سرعت به این پیش‌بینی رسیدند که ایالات متحده نتیجه این حادثه‌ی ناگوار را به نفع خود تغییر خواهد داد و جبران کوتاهی خواهد نمود. ۲۰ سال از آن زمان گذشت، اما در فرجام، تمام دنیا به این نتیجه رسیدند که ایالات متحده اهدافی را که از حمله به عراق و افغانستان در نظر داشت، نتوانست به دست بیاورد و شکست خورد.

خروج آمریکا از افغانستان در واقع نه تنها خروجی شکوهمندانه و از روی پیروزی، بلکه طردشدنی مفتضحانه و تحقیرآمیز بود. از همین رو، در روز ۲۴ اسد صفحه‌ی خواندنی دیگری در تاریخ پرفرازونشیب افغانستان باز شد. در روزهای پیش از آن، پیشروی‌های سریع و رعدآسای نیروهای امارت اسلامی به سقوط اکثر ولایت‌ها منجر شد. در حالی که رئیس‌جمهور پیشین آمریکا ۱۸ سرطان همان سال در یک کنفرانس مطبوعاتی، وقتی از وی درباره‌ی احتمال سقوط کابل به دست امارت اسلامی پرسیده شده بود، با اطمینان گفته بود: «ما ارتش ۳۰۰ هزار نفری مجهز با یک نیروی هوایی قدرتمند و مدرن برای افغانستان ساخته‌ایم که به خوبی قادر است بر ۷۵ هزار نیروی طالبان پیروز شود و آنان را شکست بدهد. من به ارتش افغانستان که در جنگ کارآزموده‌تر، مجهزتر و شایسته‌تر است، اعتماد کامل دارم. پس نترسید، حکومت و ارتش افغانستان فرو نخواهند پاشید. حکومت کنونی حفظ خواهد شد. بسیار بعید است که طالبان بر افغانستان مسلط شوند».

با وجود این دعاهای دهان‌پرکن، جالب اینکه در کمتر از چهل‌روز، همان نیروی ساخته‌شده‌ی مقتدر فروپاشید.

افغانستان در طول چند دهه‌ی اخیر سه امپراطوری را با شکست خفت‌بار روانه خانه‌شان کرده است. طی تقریباً یک قرن، انگلیس سه بار به افغانستان هجوم برد که در همگی آن‌ها مجبور به فرار شد و شکست را پذیرفت. اشغال مصیبت‌بار ۱۰ ساله‌ی افغانستان در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی توسط اتحاد جماهیر شوروی

نیز به اسم رمز ناکامی‌های کل پروژه‌ی شوروی مشهور شد. شکستی که مجاهدین افغانستان زمینه‌ی آن را برای پایان‌یافتن جنگ سرد فراهم کردند. آمریکا سومین امپراطوری بود که بعد از سپری‌شدن ۲۰ سال از حمله‌ی نظامی به خاک افغانستان، که تبدیل به طولانی‌ترین جنگ آمریکا شد، شکست را قبول کرد و جو بایدن بی‌قید و شرط نظامیان آمریکایی را از افغانستان خارج کرد. به نوشته‌ی واشنگتن‌پست، این جنگ جان بیشتر از ۲۳۰۰ سرباز آمریکایی را گرفت و بیش از ۲۰ هزار تن از همین سربازان را مجروح کرد و ده‌ها هزار افغان را هم به کام مرگ کشاند.

مؤسسه‌ی «امور عمومی و بین‌الملل واتسون» در دانشگاه «براون» در گزارشی در همین زمینه نوشته است: «هزینه‌ی جنگ آمریکا در افغانستان که از خزان ۲۰۰۱ آغاز شد، ۲.۲۶ تریلیون دالر بوده است. این هزینه توسط وزارت دفاع و وزارت خارجه‌ی آمریکا اعلام شده است. از سوی دیگر، طی این مدت ۲۴۱ هزار نفر به طور مستقیم کشته شدند. طی این ۲۰ سال، در مجموع ۲ هزار و ۴۴۸ هزار نظامی آمریکا کشته شده و ۱۱۴۴ نفر از نیروهای ائتلاف ناتو نیز در این جنگ جان خود را از دست دادند».

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفته بود: «اکنون یک دوره‌ی وحشتناک برای کشورمان است. من فکر نمی‌کنم در تمام سالیان طولانی، کشور ما تا این اندازه تحقیر شده باشد. نمی‌دانم اسم آن را شکست نظامی بگذاریم یا شکست روانی؟! اما تا کنون چیزی شبیه به آنچه اینجا اتفاق افتاده است، اتفاق نیافته بود. ما شاهد تحقیرآمیزترین دوره (تاریخ آمریکا) هستیم».

«کاندولیزا رایس» وزیر خارجه‌ی پیشین آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ و مشاور امنیت ملی کاخ سفید بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ نیز در یادداشتی درباره‌ی تحولات افغانستان که منجر به فروپاشی حکومت مورد حمایت واشنگتن شد، نوشت: «اکنون حکومت نمی‌تواند ادعا کند که اعتبار جهانی آمریکا آسیب ندیده است. تصویر چند روز گذشته (خروج نیروهای نظامی) در افغانستان، تصویری از آمریکای در حال عقب‌نشینی را مجسم می‌کند».

هنری کیسینجر دولتمرد و سیاست‌مدار برجسته‌ی آمریکایی می‌گوید: «تبدیل افغانستان به یک دموکراسی مدرن ممکن نبود و آمریکا در تلاش‌های ضدشورش خود شکست خورد».

پیامدهای منطقه‌ای و جهانی شکست آمریکا؛

۱. کاهش اعتبار نظامی و سیاسی آمریکا در جهان؛

۲. تغییر سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای در تعامل با افغانستان؛

۳. خروج آمریکا را باید بزرگ‌ترین شکست ایالات متحده‌ی آمریکا در قرن بیست‌ویکم توصیف کرد. شکست آمریکا در افغانستان، بیش از آنکه جنبه‌ی نظامی داشته باشد، جنبه‌ی ایدئولوژیک دارد. شکست آمریکا در افغانستان، یعنی شکست دموکراسی وارداتی و شکست الگوی لیبرال دموکراسی. این حادثه‌ی مهم در چشم ملت¬های منطقه، علاوه بر تحقیر آمریکا، نمونه‌ی روشنی از افول آمریکا در سطح بین¬الملل محسوب می‌شود؛

۴. آزادی عمل برای حکومت افغانستان پس از بیست‌سال؛

۵. امنیت در افغانستان و منطقه.

پیروزی امارت اسلامی بر آمریکا صرفاً یک دست‌آورد نظامی نه، بلکه نماد اراده‌ی ملت مسلمان افغانستان برای آزادی، استقلال و تعیین سرنوشت خود بود. اکنون، مسئولیت بزرگ‌تر بر دوش ملت و امارت اسلامی است تا با عزم آهنین در کنار هم افغانستان را به جایی برسانند که شایسته‌ی آن است و این پیروزی را به یک تجربه‌ی تاریخی موفق تبدیل کنند.

استقبال گستردهٔ ملت افغان از ۲۴ اسد و پیام آن به جهانیان!

سائس سعیدی

جشن و شادی مردم افغانستان در ۲۴ اسد، (سالگرد فتح افغانستان توسط امارت اسلامی) پیام‌های متعددی را به جهانیان ارسال نمود. این روز نه تنها نمادی از پایان یک دوره‌ی طولانی از اشغالگری و نقطه‌ی ختم حکومت دست‌نشانده بوده است، بلکه بازتاب‌دهنده امید و ارادهٔ مردم افغانستان برای آینده‌ای بهتر و پایدار در زیر چتر امارت اسلامی است. به همین اساس به بررسی پیام‌ها و اهمیت شادی مردم افغانستان می‌پردازیم.

پیام صلح و ثبات:

یکی از مهم‌ترین پیام‌های جشن ۲۴ اسد برای جهانیان، تأکید بر تمایل مردم افغانستان به صلح و ثبات است. جنگ و ناآرامی‌هایی که اشغالگران و مزدوران آنها در طول بیست‌سال در این کشور رقم زدند، به مردم افغانستان ثابت ساخته است که تنها راه پیشرفت و بهبود اقتصاد در ایجاد ثبات و امنیت در کشور است. استقبال از این روز، نشان‌دهنده‌ی خواست مردم برای استمرار وضعیت کنونی است. زبان این جشن پُرجوش به جهانیان می‌گوید که مردم افغانستان به‌دنبال همزیستی مسالمت‌آمیز و خواهان تعامل سازنده با تمام جهان است و آماده همکاری در این راستا است.

حمایت مردمی از حکومت امارت اسلامی:

استقبال گسترده از ۲۴ اسد نشان‌دهنده حمایت مردمی از حکومت امارت اسلامی است. این حمایت، به‌عنوان تأیید مشروعیت داخلی امارت اسلامی توسط عموم ملت افغان، پیام مهمی به جامعه جهانی ارسال می‌کند. جهانیان باید بدانند که امارت اسلامی از پشتوانهٔ مردمی برخوردار

است و هرگونه تعامل با این حکومت ناب اسلامی باید بر اساس احترام به خواست و ارادهٔ ملت افغانستان با مطابقت به شریعت اسلامی صورت گیرد.

نمایش اتحاد و همبستگی افغان‌ها:

شادی و جشن ۲۴ اسد نشان‌دهنده‌ی اتحاد و همبستگی افغان‌ها برای جهانیان بود. این اتحاد نه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج نیز پیام روشنی به جهانیان ارسال می‌کند. مردم افغانستان با وجود تفاوت‌های قومی و فرهنگی، به‌دنبال یک آینده مشترک و متحد هستند. این نمایش همبستگی به‌عنوان نمونه‌ای از اتحاد افغان‌ها برای پیشکش به کشورهایی است که افغان‌ها را متفرق می‌خوانند.

امید به بهبود وضعیت اقتصادی:

با وجود تحریم‌های اقتصادی‌که غربی‌ها به افغانستان اعمال نموده‌اند؛ اما استقبال از روز ۲۴ اسد نشان‌دهنده‌ی امید و اتکاء ملت افغان برای بهبود وضعیت کشور در آینده‌ای نزدیک است. این امید به جهانیان پیام می‌دهد که افغانستان، با وجود مشکلات، به‌دنبال راه‌حل‌هایی برای پیشرفت و توسعه است. کشورها می‌توانند با حمایت از برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای، در تحقق این امیدها و بهبود وضعیت اقتصادی در افغانستان نقش ایفا کنند.

دعوت به تعامل و همکاری با کشورهای جهان:

جشن پُر شکوه ملت افغان در ۲۴ اسد حامل پیام تعامل و همکاری تمام کشورها با امارت اسلامی افغانستان است که ملت افغانستان خواستار روابط مثبت و سازنده با سایر کشورها هستند و آماده‌اند تا در زمینه‌های مختلف از جمله: تجارت و توسعه زیرساخت‌ها با کشورهای جهان در افغانستان همکاری کند.

در نهایت شادی و جشن مردم افغانستان در ۲۴ اسد پیام‌های قوی و متعددی به جهانیان ارسال می‌کند. این روز نه تنها نمادی از پایان جنگ و ناآرامی در افغانستان است، بلکه بازتاب‌دهنده خواست مردم برای صلح، ثبات و پیشرفت است. جهانیان باید این پیام‌ها را جدی بگیرند و با احترام به خواست و ارادهٔ مردم افغانستان، در مسیر تعامل سازنده با امارت اسلامی گام بردارند.

چهار سال اقتدار، امنیت و شکوه ملی؛ کارنامه درخشان امارت اسلامی افغانستان

میلاد حکیمی

۲۴ اسد ۱۴۰۰ خورشیدی؛ روزی که تاریخ افغانستان مسیر تازه‌ای را آغاز کرد و صدای جنگ خاموش شد و بیرق حاکمیت ملی بار دیگر بر بلندای این سرزمین برافراشته گردید. این روز، یادآور پیروزی ارادهٔ ملت و بازگشت کامل استقلال به دست فرزندان این خاک است. اکنون، چهار سال از آن لحظهٔ سرنوشت‌ساز می‌گذرد و افغانستان در سایهٔ امارت اسلامی، با استواری، امنیت و افتخاری بی‌سابقه، در مسیر آینده‌ای روشن گام برمی‌دارد.

امنیت سراسری و پایان دهه‌ها ناامنی

یکی از بزرگ‌ترین دست‌آوردهای این چهار سال، برقراری امنیت پایدار در سراسر کشور است. برای نخستین‌بار پس از بیش از چهار دهه، مردم افغانستان در آرامش زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش‌های داخلی، میزان جرایم مسلحانه و حوادث تروریستی به کم‌ترین سطح خود در بیست‌سال اخیر رسیده است. شاهراه‌ها، که روزگاری ناامن و پرخطر بودند، امروز مسیرهای آزاد تجارت و رفت‌وآمد شده‌اند. در شهرها آرامش حکم‌فرماست و روستاها در سکوت صلح‌آمیز به کشت‌وزرع و زندگی روزمره مشغول‌اند. این امنیت، هم جان و مال مردم را حفظ کرده و هم روحیهٔ امید را در جامعه زنده ساخته است.

حاکمیت کامل و تصمیم‌گیری مستقل

امارت اسلامی توانست پس از سال‌ها وابستگی و مداخلهٔ خارجی، استقلال واقعی را به کشور بازگرداند. امروز هیچ تصمیم کلان سیاسی، اقتصادی یا امنیتی بدون ارادهٔ داخلی گرفته نمی‌شود. افغانستان دیگر به توصیه و فشار

بیگانگان گردن نمی‌نهد و بر اساس منافع ملی خود تصمیم می‌گیرد. این استقلال سیاسی و حاکمیت کامل، جایگاه افغانستان را به عنوان کشوری آزاد و مقتدر در معادلات منطقه‌ای تثبیت کرده است.

سیاست خارجی عزتمند و متوازن

در چهار سال گذشته، سیاست خارجی امارت اسلامی بر سه اصل استوار بوده است: عزت ملی، احترام متقابل و عدم مداخله. با وجود چالش‌های بین‌المللی، امارت اسلامی توانسته با کشورهای همسایه و منطقه روابطی فعال و سازنده برقرار کند. مذاکرات با کشورهای آسیای مرکزی در زمینهٔ تجارت و ترانزیت، همکاری‌های اقتصادی با چین و ایران، و گفت‌وگوهای مستمر با سازمان‌های بین‌المللی، نمونه‌هایی از این دیپلماسی هوشمندانه‌اند. حتی در شرایط فشار، افغانستان توانسته چهره‌ای مقتدر و اهل تعامل از خود نشان دهد.

حرکت به سوی خودکفایی اقتصادی

کاهش فساد اداری، شفافیت در جمع‌آوری عواید و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی، گام‌های مهمی در مسیر خودکفایی اقتصادی بوده‌اند. ساخت و بازسازی بیش از هزار کیلومتر جاده در چهار سال، آغاز بهره‌برداری از چندین معدن بزرگ مس و سنگ‌آهن و احیای منابع آب در ولایات مختلف، نشانه‌های روشن این پیشرفت‌اند. هر چند تحریم‌ها و محدودیت‌ها وجود دارند، اما همین فشارها انگیزه‌ای برای اتکا به منابع داخلی و کارآفرینی ملی شده‌اند.

پاسداری از ارزش‌های اسلامی و هویت ملی

امارت اسلامی در این چهار سال، با ایجاد نظم اجتماعی و مبارزه با فساد اخلاقی، پاسداری از ارزش‌های اصیل اسلامی را در اولویت قرار داده است. برگزاری برنامه‌های فرهنگی، تقویت وحدت میان اقوام و ترویج فرهنگ اسلامی در میان نسل جوان، از محورهای اصلی این تلاش‌ها بوده است. نتیجهٔ این رویکرد، جامعه‌ای منسجم‌تر و همدل‌تر در سراسر کشور است.

تبدیل فشارها به فرصت‌ها

فشارهای سیاسی و اقتصادی بیرونی که می‌توانستند مانع پیشرفت شوند، با مدیریت مدبرانه به فرصت تبدیل شده‌اند. حمایت از تولید داخلی، تشویق سرمایه‌گذاران افغان مقیم خارج به بازگشت و سرمایه‌گذاری در وطن و توجه ویژه به زراعت، اقتصاد افغانستان را به سوی خوداتکایی سوق داده‌اند.

چشم‌انداز فردا

افغانستان امروز با چهار سال تجربهٔ مدیریت یکپارچه، آمادهٔ گام‌های بزرگ‌تری در مسیر توسعه است. امنیت پایدار، حاکمیت کامل، منابع طبیعی غنی و ارادهٔ ملی، سرمایه‌هایی هستند که می‌توانند افغانستان را به یکی از بازیگران مهم اقتصادی و سیاسی منطقه تبدیل کنند.

سخن پایانی

چهار سال گذشته، دوره‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ افغانستان بود. امارت اسلامی با ایمان، عزم و همت فرزندان این سرزمین، توانست کشور را از بحران به ثبات برساند و شکوه ملی را احیا کند. امروز، مردم افغانستان با اطمینان و امید به آینده می‌نگرند و ۲۴ اسد را نه فقط به عنوان یک روز تاریخی، بلکه به عنوان نماد امنیت، استقلال و افتخار ملی جشن می‌گیرند. فردای افغانستان، در پرتوِ این مسیر، روشن‌تر از همیشه خواهد بود.

روز آزادی

ابوعرفان

ضررها و زیان‌های اشغال بر هیچ منصف و عاقلی پوشیده نیست، اما حالت دقیق‌تر این موضوع را می‌توان از فضای حاکم بر کشورهای اشغال شده دریافت؛ اوضاع عراق و سوریه و فلسطین را اگر از مقابل دیدگان خود گذر کنیم، هویدا می‌گردد که اشغال، چه ضررها و آسیب‌هایی بر بنیادها و زیرساخت‌های فکری و فیزیکی کشورها رسانده و چه پیامدهای ناگواری به‌وجود آورده است.

بنابراین، فتح یک جغرافیا به مفهوم آزادسازی آن از زیر یوغ اشغال، استعمار، تجاوز و هتک حرمت‌ها است؛ اشغالی که حتی حقوق اولیه بشر را نیز زیر چکمه‌هایش خورد می‌کند و استعماری که زمام اندیشه‌ها را در قبضه می‌گیرد و تجاوزی که همه مرزهای انسانی و اخلاقی را از بین می‌برد و می‌هتکد و این فتح، با مفهوم گشایش، معنای بازسازی، ترمیم، بخیه‌زدن، شفا، ساخت‌وساز و تمدن و مدنیت در سایه دین و اندیشه اسلامی را می‌رساند.

به همین خاطر، در همه کشورها از روز آزادی و پایان اشغال همواره تجلیل می‌شود که ۲۴/بیست‌وچهار اسد، سالروز استقلال و آزادی کشور ما از اشغال، استعمار و تجاوز بی‌رحمانه آمریکا و هم‌پیمانانش است که در سال ۱۴۰۰ هـ.ش و پس از بیست سال سیاه قتل و غارت و تجاوز و یورش، به سبب رشادت‌های مجاهدان و مردم افغانستان، به‌طور شرمسارانه‌ای از کشور ما اخراج شده و بیرون رانده شدند.

بیست‌وچهارم اسد در واقع سال‌روز نتیجه‌دهی خون و جان بیش از ۶۰,۰۰۰/شصت هزار شهید و جانباز است؛ رادمردانی که سلحشورانه در میادین نبرد به پیش تاختند و آسیاب جنگ و پیکار را به چرخش انداخته و در کوره‌ها دمیدند و رزمیدند و جنگیدند و شهید شده و آسیب دیدند و مال و منال و همه داشته‌های خود را باختند، اما از هدف خود نگذشتند و در راستای رسیدن به آزادی و حریت، کمر همت را محکم بسته، استوار ایستادند و شجاعانه جنگیدند تا اینکه دشمن غدار، میدان را باخت.

تجلیل از این روز و روزهای اینچنینی، در حقیقت تجلیل از حیات جاودانه شهدا و زندگانی آزادانه هم‌میهنان ما است که همیش در برابر یورش بیگانه و اشغال‌خواهی اشغالگران و تهاجم بیگانگان مردانه ایستاده‌اند و از خاک و ناموس خویش دلیرانه دفاع کرده‌اند.

بدون شک، روز استقلال در هر کشوری، روز عزت، شکوه، جلال، اقتدار، پایمردی، شجاعت، مردانگی، پیروزی و غلبه آن ملت بر ظالمان اشغالگر و تروریستان متجاوز است و از سویی، روز سرافتادگی، سرافکندگی، شرمساری، ضعف، شکست و سرنگونی غول‌هایی است که مدعی رأس قدرت بودند، اما سرانجام در رویارویی با مردم دیندار و خداپرست، به زباله‌دان تاریخ افتاده‌اند و افغانستان این مدال افتخار را به گردن دارد که توانسته است سه ابرقدرت را یکی پی دیگری شکست دهد و پیروز میدان شود.

روز پیروزی حق بر باطل، پیروزی عدالت بر ظلم و پیروزی آزادی بر اشغال، بر کافه ملت افغانستان مبارک باد.

از قیام تا استقلال؛ حماسه رهایی از استعمار انگلیس

سلیمان جوبا

سرزمین مردخیز افغانستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک و همچنین معادن غنی و منابع مفید، در طول تاریخ همواره مورد تاخت‌وتاز قدرت‌ها قرار گرفته است و بهای این تهاجم‌ها را با خون، شهادت و ویرانی پس داده است. اما نکته‌ی قابل توجه این است که این سرزمین قهرمان‌پرور، هر بار از زیر یوغ اسارت و استعمار سربلند بیرون آمده است و اشغال‌گران و متجاوزین را از تهاجم‌شان پشیمان نموده است.

از آنجایی که این سرزمین بارها مورد تهاجم قرار گرفته است، ملت افغان حماسه‌های بی‌بدیلی خلق کرده است و افتخارات زیادی را در طول تاریخ در کارنامه‌ی افتخارآفرین خود به ثبت رسانده است. یکی از افتخارات تاریخی این ملت، «حماسه‌ی رهایی از استعمار انگلیس» است که در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ ه.ش، به ثمر نشست. این پیروزی به آسانی رقم نخورده است، بلکه حاصل نزدیک به یک قرن مبارزه و رشادت ملتی بود که با دستان خالی و قلبی سرشار از ایمان و شجاعت، در سه جنگ مشهور در مقابل امپراتوری بریتانیا به پیروزی رسید.

این حماسه‌ی تاریخی پس از سه رویارویی مهم رقم خورد:

۱. رویارویی اول (جنگ اول افغان – انگلیس): قشون امپراتوری انگلیس در سال ۱۸۳۹ میلادی به قصد اشغال و استعمار وارد کشور شد که با قیام عمومی ملت افغان و مقاومت مردان آهنینی چون امیر دوست‌محمد خان مواجه شد. امپراتوری انگلیس در این جنگ که بین سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۳ میلادی بود، به شکست مواجه شد و نتوانست در برابر این ملت غیور مقاومت نماید.

۲. رویارویی دوم (جنگ دوم افغان – انگلیس): این رویارویی که بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۰ به وقوع پیوست، باز هم ملت قهرمان افغانستان با فرزندان دلیرش مانند امیر عبدالرحمن خان، حماسه آفرید و با شکست سخت استعمارگران انگلیس، پیروز میدان جهاد و مبارزه شد.

۳. رویارویی سوم (جنگ سوم افغان – انگلیس): این جنگ در ماه می ۱۹۱۹ آغاز و در آگست همان سال پایان یافت که به استرداد استقلال افغانستان منجر شد.

افغانستان سه رویارویی مهم را در مقابل امپراتوری انگلیس به پیروزی رسید و در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ استقلال و پیروزی خود را اعلام کرد. اما نکته قابل تأمل این است که با وجود شکست انگلیس در جنگ سوم افغان – انگلیس که یکی از جنگ‌های بزرگ به شمار می‌رود و در آن بیش از ۱۶ میلیون پوند خسارت مالی به انگلیس وارد شد و حدود ۲ هزار عسکر نظامی آن به هلاکت رسید، باز هم موضوع استقلال افغانستان و جنگ سوم افغان – انگلیس از سوی انگلیس کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود.

اعلام استقلال افغانستان از سوی امان‌الله خان، دوران سختی را برای افغانستان در پی داشت؛ چون انگلیس که نمی‌خواست به آسانی از منافع خود در منطقه دست بکشد، فشارهای اقتصادی را بر افغانستان افزایش داد. اما ملت افغانستان با تحمل سختی‌ها و گرسنگی‌ها از خون شهیدان خود پاسداری کرد و در کنار حکومت خود ایستاد. سرانجام انگلیس پس از پیمان راولپندی و پایان جنگ سوم افغان – انگلیس، افغانستان را به رسمیت شناخت.

۲۸ اسد، یک روز تاریخی و افتخارآفرین در تقویم افغانستان است. هر سال که این روز فرا می‌رسد، باید به خاطر داشته باشیم که استقلال نعمت و موهبتی الهی است که با رشادت و جان‌فشانی‌های فرزندان این سرزمین به دست آمده است و امروز وظیفه‌ی ما پاسداری از این میراث ارزشمند است که باید با وحدت ملی، کشتی شکسته کشور را به سمت و سوی پیشرفت و ترقی بکشانیم و در بازسازی کشور سهیم باشیم.

بیست‌وچهارم اسد؛ سرآغاز تقویمِ رهایی از شرارت‌های تیوری نوسازی آمریکایی

بشارت قطغنی

در ابتدای نوشتار حاضر، لازم است اندکی در مورد «نوسازی» شرح داده شود. اینکه نوسازی چیست؟ در کجا و با کدام مقاصد ظهور و توسعه یافته است؟ در پاسخ به پرسش‌های مطروحه می‌توان اذعان نمود که نوسازی یک نظریه، همانند نظریه‌های وابستگی و نظام جهانی، در باب چگونگی و علل پیشرفت و توسعه و همچنان عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی جوامع است. هر کدام از این نظریه‌های سه‌گانه، روش‌ها، راهکارها و نظرات مخصوص خود را در باب توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی جوامع طرح و بیان می‌کنند. در این مطلب، تمرکز نگارنده بر تیوری نوسازی و سرنوشت پایانی این نظریه آمریکایی در افغانستان خواهد بود.

خواستگاه تیوری نوسازی، ایالات متحده آمریکا است. این تیوری بعد از جنگ جهانی دوم، در پی ظهور آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی، ظهور و اشاعه پیدا کرد. دغدغه‌ی متفکران و بنیان‌گذاران این مکتب فکری، جستجوی عوامل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و جلوگیری از افتادن آن‌ها به دامن کمونیسم روبه‌رشد آن زمان بود.

دانشمندان و تیوریسین‌های این جریان، بر این عقیده بودند و همچنان هستند که علت‌العلل توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی این کشورها، ریشه در سنت‌ها، باورهای مذهبی، نگرش‌ها و ارزش‌های تاریخی و اجتماعی حاکم بر آن جوامع دارد. جالب‌تر اینکه، عوامل توسعه‌نیافتگی را داخلی و راه‌حل عبور از توسعه‌نیافتگی را خارجی معرفی و تجویز کردند.

به باور آنان، تنها راه نجات این کشورها، تطبیق

نسخه‌ی تجویزی است که آمریکایی‌ها ارائه می‌دهند. اساسی‌ترین شاخص در برنامه‌ی پیشنهادی و تجویزی آن‌ها، دوری‌جستن از تمام ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و سنت‌های حاکم و پذیرفته‌شده‌ی جوامع مورد نظر است.

شالوده‌ی محوری این جریان، که در واقع بیان‌گر تفکر و نگاه آمریکایی‌ها نسبت به سایر ملل جهان است، عبارت است از پذیرش برتری فرهنگ آمریکایی و تحقیر، حذف و فراموشی فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بومی و خودی. آمریکایی‌ها با همین فرضیه‌ی خودبرتربینی، به سرزمین‌های زیادی تجاوز کردند و فرهنگ و داشته‌های تاریخی و اجتماعی آن‌ها را تحقیر و مسخره نمودند. با همین ایده و نگاه، به کشور و سرزمین ما نیز بیرحمانه و ظالمانه لشکرکشی و تجاوز کردند.

پس از استقرار استعماری در افغانستان، برنامه‌ها و اقدامات خویش را با پیروی از مولفه‌ها و شاخص‌های جریان فکری نوسازی آغاز و اجرایی کردند. در واقع، تیوری نوسازی، مانیفیست حکومت‌داری و مبنایی برای تمامی إجراءات افغانستان تحت اشغال نظامی - سیاسی آمریکایی بود.

اساسی‌ترین ویژگی و شاخص تیوری نوسازی، سکولاریزه‌سازی جوامع تحت اشغال آمریکایی‌ها دانسته می‌شود. آن‌ها طی دو دهه حضور استعماری، با چراغ راه قراردادن این نظریه، تلاش‌ها و اقدامات فراوانی را در جهت رسیدن به مرام‌ها و اهداف خویش، که به صورت خلاصه عبارت از آمریکایی‌سازی فرهنگ و داشته‌های بومی و تاریخی افغانستان است، انجام دادند. با عملی‌سازی این تیوری، آسیب‌ها و چالش‌های ویرانگر فراوانی در زمینه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی بر مردم و میهن ما تحمیل شد که نگارنده این مطلب قصد دارد در فرصت مناسب، میراث تیوری نوسازی را به صورت مفصل‌تر تبیین و تحریر نماید.

در میانه‌ی حضور استعماری، بسیاری از اهل نظر و اصحاب فکر و مشاورین برجسته‌ی کاخ سفید و پنتاگون، به تکرار اذعان و اعتراف کردند که در مورد حمله و جامعه‌شناسی افغانستان دچار خطای محاسباتی و اقدامات عجولانه و ناسنجیده شده‌ایم. اما آنچه مهم است، این است که در این راه کمترین توفیق و دست‌آوردی نداشتند.

آنچه این نقشه‌ی راه را بر هم زد و نگذاشت که نیروهای اشغال‌گر خارجی میوه‌ی مقصود خود را به دست آورند، احیای مجدد کاروان جهاد و مجاهدت مجاهدین امارت اسلامی افغانستان بود. خلاصه‌ی مراد نگارنده از این نوشته این است که آمریکایی‌ها، هم‌چنان‌که در میدان‌های نظامی و رویارویی با شکست مواجه شدند، در صحنه‌های فرهنگی و روایت‌سازی نیز متحمل شکست و زوال گردیدند.

اگر امروز قرارگاه‌ها، پایگاه‌ها و سایر نمادهای آمریکایی وجود ندارند، به همان ترتیب، الگوی حکومت‌داری و تیوری هدایت‌گر نوسازی که حاکمیت و جامعه را بر حسب الگوی خارجی و خاصتاً آمریکایی رهبری نماید، نیز وجود ندارد. این همان اتفاق جاویدانی است که در بیست‌وچهارم اسد سال ۱۴۰۰ هـ.ش، به وقوع پیوست. بیست‌وچهارم اسد، سرآغازی تقویمی است در جهت رهایی از شرارت‌ها و پیامدهای ویران‌گر تیوری نوسازی آمریکایی. این روز را برای همیشه گرامی می‌داریم. از بارگاه خداوند متعال، برای تمام کسانی که برای خلق این روز قدم برداشته و قلم زده‌اند، رحمت و برکات الهی استدعا می‌نمایم.

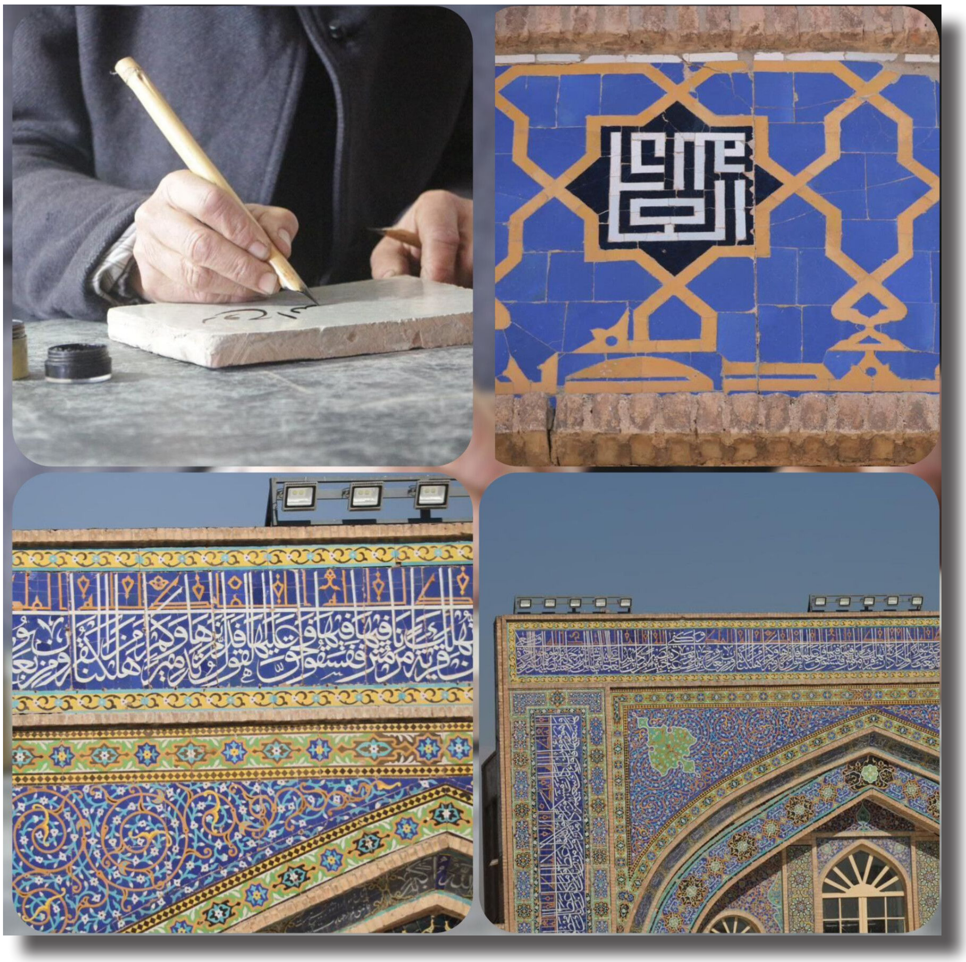

انواع خط در مسجد جامع بزرگ هرات باستانی

محمدصدیق میر

مدیرعمومی حفظ و مراقبت آبدات تاریخی

خطوطی که در مسجد جامع دارالسلطنه هرات باستانی خوش‌نویسی و یا به‌کار رفته است، خط ثلث، نستعلیق، کوفی‌های قرن ششم دوره غوری و کوفی‌های قرن هشتم در زمان تیموریان هرات و نیز خط نسخ می‌باشد.

همهٔ این خطوط به‌صورت کتیبه مخصوص مکتب هرات توسط اساتید زبردست و ماهر این کهن‌دیار نوشته و بعد با کاشی‌های معرق و هفت رنگ ساخته و نصب گردیده‌اند که در گوشه گوشهٔ این مکان مقدس چون خورشید عالم تاب می‌درخشد.

به تحریر استاد عبدالجلیل توانا هروی رئیس انجمن خوش‌نویسان هرات باستانی،« اگر نگاه مختصری پیرامون طرز کار و شیوه این خطوط داشته باشیم، می‌توانیم به‌گوئیم که در آبده‌های تاریخی و مساجد عموماً هر خطی که نوشته می‌شود چه روی کاشی کار شود چه گچ‌بری گردد به‌صورت کتیبه نوشته می‌شود. چون همه خطوط به انواع مختلف از غبار گرفته تا کتابت و جلی و کتیبه نوشته می‌شود چون این مکان‌ها به بواسطه بزرگ بودن و دید دورنما و زیبایی که دارند، باید به صورت کتیبه نوشته شوند. یعنی هنر کتیبه نویسی یا آیه نگاری در ابنیه تاریخی و معماری اسلامی یکی از زمینه‌های اساسی و با ارزش است که با ترکیب گوناگون الواح و کتیبه‌های قرآنی در پیشانی تاق‌های بلند مساجد محراب‌ها تاق نماها کار شده و حکایتی از تجلی‌گاه هنر مقدس خوش‌نویسی است.

در این میان ترکیب‌ها و در آمیختگی نقش‌های کاشی و تقسیمات کتیبه‌ها همراه با هماهنگی حیرت‌انگیز

خطوط هندسی مجموعۀ غنی و متناسبی را ارائه می‌دهند که تجلی‌گاه ارادت، شور و عشق هنرمندان است.

در واقع هنر کتیبه نویسی بر دو اصل اساسی خوشنویسی یعنی کرسی و ترکیب استوار است که به متابعت از شکل و فضای کلی مورد نظر با چرخش‌های کامل در فضای مسجد و محراب، تاق و ایوان نظر ها را به درون و به همان اعماق هدایت می کند.

امروز می‌بینیم که گردش کتیبه‌ها در گرداگرد تاق‌ها به گونه‌ای است که توجه هر بیننده را به مرکزیت و درون که سرشار از نور است فرا می‌خواند و این تلاش هنرمند خوش‌نویس برای ارائه زیبا و موزون کلام خداوند در آیه نگاری بر شکوه کتابه مسجد و محراب ها تجلی هنر است، محسوب می‌شود.

بنابراین هرجا که نشانی از کلام ربانی باشد هنرمند بر خود فرض می‌دارد تا آنرا با زیبایی و آراستگی تمام ارائه نماید زیرا که صاحب هنر با ارائه زیبائی نیایش می‌کند و نیایش به فرموده قرآن کریم همواره با زیبایی و کمال همراه است».

بعضی از کتیبه‌های موجود در مسجد جامع بزرگ هرات توسط استاد محمد علی عطار هروی (معروف به آخند عطار) به خط زیبای ثلث، انواع کوفی و نستعلیق، نگارش یافته‌اند که ماه شب چهارده خوش می‌درخشند.

و خط زیبا و دل‌پسند نستعلیق که خوش‌ترین خط به حساب می‌آید، و توسط استاد ماهر میرآقا حسینی خوش‌نویسی شده، زینت بخش شماری از کتیبه‌های نفیس مسجد جامع بزرگ هرات باستانی شده‌اند.

خط ثلث و نسخ که در زمره خطوط اسلامی به‌شمار می‌روند بعضی از کتیبه‌ها توسط حاجی عبدالله هروی به این خطوط نگارش یافته‌اند.

در عصر حاضر خطوطی نظیر ثلث، کوفی و نستعلیق که در کتیبه‌های داخل و بیرون از مسجد جامع بزرگ هرات به انتهای نفاست و زیبایی نگارش یافته، به خط و نشان استاد عبدالجلیل توانا هروی خوش‌نویسی نادره کار است که چون خورشید بالای کاشی نفیس معرق و هفت رنگی می درخشند.

له روسیې سره د ډیپلوماټیکو تعاملاتو په اړه د ځینو ناسمو برداشتونو او تحلیلونو ځواب

رحمت‌الله فیضان

اسلامي امارت د خپلې بهرنۍ پالیسۍ په چوکاټ کې، چې پر ښه ګاونډیتوب، متقابل احترام، د هېوادونو په کورنیو چارو کې د نه مداخلې، او له سیمه ییزو او نړیوالو لوریو سره د متوازن تعامل پر اصولو ولاړه ده، هر ډول دوه‌اړخیز تعامل، په ځانګړي ډول د سیاسي استازو منل، د ملي ګټو، د مشروعو نړیوالو اړیکو د ټینګښت او د افغانستان د بهرنیو ننګونو د حل په لور یو مثبت ګام بولي.

په مسکو کې د اسلامي امارت د استازي منل نه یو سیاسي مانور دی او نه هم قمار؛ بلکې دا د دوو خپلواکو هېوادونو ترمنځ د طبیعي ډیپلوماټیک تعامل یوه سمه او پر ځای پرېکړه ده. د اسلامي امارت بهرنۍ تګلاره پر توازن، واقع‌ګرایي، ملي عزت، او نه‌وابستګي ولاړه ده، او هېڅ هېواد یا ډله نه شي کولای چې د پخوانیو ذهنیتونو پر اساس، د اسلامي امارت نوي تعاملات تر پوښتنې لاندې راولي.

موږ له تېر تاریخ ښه خبر یو، خو په تېر کې بند پاتې نه یو. د افغانستان ملت د نړیوالو سیالیو قرباني شوی، په ځانګړي ډول د پخواني شوروي اتحاد د یرغل پر مهال، او د هغه وخت دردونه لا هم د افغانانو په حافظه کې ژوندي دي. خو اسلامي امارت اوس پر راتلونکي تمرکز لري.

له روسیې سره اړیکې، لکه له نورو هېوادونو سره، د افغان ملت د ګټو پر بنسټ تنظیمېږي. د روسیې له لورې د اسلامي امارت د سفیر منل، د افغانستان د نویو واقعیتونو منل، او د دواړو هېوادونو ترمنځ د نوي فصل پیل ګڼل کېږي. دا تعامل نه د پخوانیو جنایتونو هېرول دي او نه هم د اصولو بدلون، بلکې دا د سیاسي پوخوالي او عقلاني تعامل یو مظاهره ده.

هغه بدبینانه او غیرمسؤلانه ادبیات چې هڅه کوي زموږ ډیپلوماټیک تعاملات تخریب کړي او تاریخي احساسات راپاروي، د ناکامو ذهنیتونو پایله ده. نننی اسلامي امارت د افغان مسلمان ملت د اکثریت اراده تمثیلوي، او خپل مشروعیت له همدې ملت څخه اخلي، نه د بهرنیانو له تایید یا رد څخه.

پخوانۍ دښمنۍ د نن تعامل مخه نه شي نیولای. ډېر هېوادونه چې په معاصر تاریخ کې یې افغانستان ته منفي نظر درلود، اوس له نوي لیدلوري سره د تعامل غوښتونکي دي. امارت هم دا تعامل د هوښیارۍ، خپلواک فکر او د «ملت د ګټو او شرعي اصولو» پر بنسټ تنظیموي.

د رسمیت پېژندنې موضوع، که پېژندل شوی یو که نه، د امارت پر اراده او د ملت د خدمت پر تصمیم هېڅ اغېز نه لري. موږ دا ثابته کړې چې پرته له بهرنیو مرستو هم یو اسلامي، خپلواک او باثباته هېواد اداره کېدای شي، خو له نړۍ سره د مثبت تعامل هرکلی کوو، مشروط پر متقابل احترام.

په پای کې، زموږ باور دا دی چې نننی افغانستان نور د رقابتونو او نیابتي جګړو میدان نه دی. هغه کسان چې لا هم د سړې جګړې له زاویې نړۍ ته ګوري او هڅه کوي تېرې ناخوالې راژوندۍ کړي، نه د افغان ملت خیر غواړي، نه د هېواد عزت. نننی افغانستان د سالمو، رغوونکو او له انتقامجوۍ ذهنیتونو څخه پاکو اړیکو غوښتونکی دی.

غذای سالم، زندگی سالم

تهیه‌کننده: عبدالله هروی

موجودات از زمان تولد تا پایان زندگی‌شان، با عوامل مختلفی که برخی از آن‌ها اساسی و بعضی غیراساسی‌اند، سروکار دارند که تغذیه یکی از عناصر اساسی برای تداوم حیات بشر محسوب می‌گردد. همان‌طور که بشر بدون تغذیه به حیات‌اش ادامه داده نمی‌تواند و برای انجام امور محول‌اش به انرژی ضرورت دارد و از ارزش حیاتی برخوردار می‌باشد، به همان اندازه؛ سالم بودن غذا و غذاخوردن صحیح اهمیت حیاتی دارد.

غذای سالم، زندگی سالم؛ عنوانی است که تاثیر غذا بر زندگی را به طور کل، بیان می‌کند و به یک سلسله عناوین فرعی می‌پردازد که نقش بزرگی در داشتن زندگی سالم (بخصوص از لحاظ صحی)، بازی می‌کنند. در این مقاله، با استناد به منابع معتبر، تاثیر غذای سالم بر صحت‌مندی و سلامتی انسان پرداخته شده و مطالبی پیرامون غذای سالم و مقدار غذای مورد نیاز برای یک فرد ارائه گردیده است.

از آن‌جا که رابطه بین غذا و صحت‌مندی انسان‌ها، یک رابطه مستقیم است، می‌طلبد که به‌خاطر حفاظت از صحت‌مندی و تامین بهتر انرژی، اطلاعات عمومی از میزان غذای مورد نیاز و زمان مصرف آن بلند برود. از رابطه مستقیم بین غذا و سلامتی می‌توان به این نتیجه رسید که خوردن غذای سالم، حفظ سلامتی را به دنبال داشته، تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد.

هدف ما از غذای سالم، مقدار غذایی است که فرد نیاز دارد و بررسی تاثیرات خوردن مقدار بیش‌تر از آن‌چه که فرد نیاز دارد را خواهیم دید. مبحث اصلی خود را با این مسئله آغاز می‌کنیم که غذا چیست و تاثیرات آن در بدن شامل کدام موارد می‌گردد.

در تعریف غذا به موادی اشاره شده است که برای تغذیه و حمایت بدن انسان به مصرف می‌رسد. یا به تمام مواد خوردنی و نوشیدنی که به وسیله موجودات زنده مصرف و به عنوان منبعی از انرژی و مواد مغذی به مصرف سوخت و ساز بدن می‌رسند، غذا گفته می‌شود.

غذا منبع اصلی تولید انرژی و تغذیه در جانوران است که اساس نباتی و یا حیوانی دارد. از غذا، بخاطر تولید انرژی، ترمیم و ساخت انساج و رفع نیازمندی‌ها، استفاده صورت می‌گیرد که مراحلی چون تجزیه و هضم، جذب و دفع مواد زاید از بدن را در برمی‌گیرد.

هدف از غذا خوردن برای بشر، تا سال‌های زیادی، رفع حس گرسنگی به صورت فیزیکی بود، یعنی تا زمانی که شکم فرد پر می‌شد و احساس می‌کرد که معده‌اش بالا آمده و او را کافی است.

تا اوایل قرن ۱۹ میلادی، مفهوم غذاخوردن، فقط پرکردن شکم بود و احساس گرسنگی بشر را وادار می‌کرد تا آنچه را در دسترس خود می‌دید، بدون توجه به کمیت و کیفیت مصرف کند. شهرنشینی و تشکیل اجتماعات باعث ایجاد تغییرات زیادی در طرز تغذیه بشر شده است. اولین اجتماعات و شهرها در بین‌النهرین، آسیای باختری و مصر و یونان به وجود آمدند. (عصاریان، ۱۳۸۹ / ۱۱)

اما در برهه‌های از تاریخ، در برخی از مناطقی که در آن تمدن‌ها شکل گرفته بود، تعریف پرکردن معده صدق نمی‌کرد بلکی موثریت و کیفیت غذا مطرح بود. چنان که در یونان باستان و روم باستان و سومری‌ها ما این قضیه را داریم.

تاریخچه تغذیه در یونان نشان می‌دهد که مردم یونان باستان برای تغذیه، اهمیت زیادی قایل بودند و این جمله به آنان منسوب است که: «برای تقویت روح، هرگز جسم را نباید فراموش کرد و باید مردم را با ورزش و غذای مناسب تربیت کرد». و همچنان «در روم قدیم، مردم کشاورزی می‌کردند و از غلات، میوه و بعضی از انواع سبزی‌ها، تغذیه می‌کردند. غلات غذای اصلی آن‌ها را تشکیل می‌داد. مصرف گوشت منحصر به طبقه اشراف بود. در مورد رژیم‌های غذایی، آغاز پیدایش آن با لوحه‌ای متعلق به سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد در ناحیه سومر مربوط می‌شود که در آن برنامه غذایی یک کودک نوشته شده و در حال حاضر در موزه باستان‌شناسی استانبول نگهداری می‌شود. (عصاریان، ۱۳۸۹/ ۱۲)

روش صحیح تغذیه

با توجه به زمانی که فرد می‌خواهد غذا بخورد، تعریف غذای سالم فرق می‌کند. غذای صبح معمولا باید قوی‌تر از چاشت و چاشت قوی‌تر از شام باشد. یعنی با توجه به میزان مورد نیاز مواد غذایی، این لیست باید ترتیب گردد. از غذایی که خورده می‌شود، انرژی و فایده‌اش برای بدن مورد استفاده است.

غذای صحیح و سالم، همان غذایی است که در ترکیب خود، کاربوهایریت‌ها (قندها)، پروتین‌ها و ویتامین‌ها را به اندازه کافی (نه خیلی زیاد و یا کم)، داشته باشد.

انرژی از غذا قابل دسترسی است، زیرا غذا دارای کاربوهایدریت‌ها، چربی و پروتین است. این مواد مغذی می‌توانند برای مصرف انرژی به صورتی که سلول‌ها بتوانند از آن استفاده کنند، تجزیه شوند (میتابولیزم). از آن جایی که چربی یک منبع انرژی متراکم است، افزودن و یا حذف کردن چربی از رژیم غذایی، تاثیر بسزایی بر روی تامین انرژی دارد. (عصاریان، ۱۳۸۹ /۲٤)

مقدار انرژی که از هر گرم پروتین، قند و چربی آزاد می‌شود، یکسان نیست. مثلا از سوختن یک گرم هیدرات (هایدریت)، دو کربن (کاربن) و چربی، تبدیل آن‌ها به انیدرید کربنیک (کاربن‌دای‌اکساید) و آب به ترتیب، ٤,۱ و ٤ و ۹,۳ کالری انرژی آزاد می‌گردد. از سوختن هر گرم پروتین غذایی روزانه و تبدیل آن به

کاربن‌دای‌اکساید، آب و اوره به‌طور متوسط ٤,٣٥ کالری انرژی آزاد می‌شود. (صانعی، ١٣٩٣، ٣٦)
البته، جذب این انرژی وابسته به وضعیت بدن و سن افراد متفاوت است. برخی که وضعیت بدنشان خوب است و با کدام بیماری مصاب نیستند، بهتر می‌توانند انرژی را جذب کنند. همچنان وضعیت سیستم هاضمه و عکس‌العمل‌های آن در مقابل مواد غذایی، می‌تواند در این روند، نقش بازی کند.
میزان جذب این مواد از دستگاه گوارش فرق دارد. مثلا ٩٨٪ مواد قندی، ٩٥٪ مواد چربی و ٩٢٪ پروتین جذب می‌گردد. (همان)
اگر به روند انتخاب غذا در جامعه هرات ببینیم اغلب انتخاب غذا به صورت خودکار و بدون تفکر صورت می‌گیرد. اما در حقیقت، منشأ این انتخاب ها، عوامل متعددی هستند.
عوامل بسیار زیادی بر تصمیم‌گیری در انتخاب غذا و زمان خوردن آن تاثیر می‌گذارند که چهار عامل اصلی در این میان عبارت‌اند از: انتخاب طعم غذا، بافت غذا، قیمت و تهیه راحت آن می‌باشند. عادات، تجربیات، عوامل اجتماعی، تبلیغات و رابطه غذا و سلامتی نیز بر انتخاب غذا تاثیر می‌گذارند. محیط‌هایی که مردم در آن رشد می‌کنند، یکی از عواملی است که تاثیر اصلی بر تمایل به غذای خاص و زمان صرف آن، عواملی که مربوط به محیط می‌شوند: اقتصاد، منطقه جغرافیایی، آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی‌اند.
شش ماده مغذی در غذا وجود دارد: کاربوهایدریت‌ها، لیپیدها (چربی‌ها و روغن‌ها)، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، مواد معدنی و آب. (عصاریان، ١٣٨٩ /٢١)

نتیجه‌گیری

به هر اندازه که تلاش کنیم تا غذای سالم بخوریم (براساس نیازمندی)، به همان اندازه ما می‌توانیم از صحت‌مندی و سلامتی خوبی برخوردار باشیم.
سیستم غذایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید طوری برنامه‌ریزی شود که هم مواد موجود و در دسترس باشد (از لحاظ یافتن مواد و قیمت آن)، و هم انرژی مورد نیاز در بدن را رفع کند.

به طور معمول، برای مردان در هر روز حداقل ٢٥٠٠ کالری نیاز است که بتوانند انرژی لازم برای فعالیت‌های حیاتی داشته باشند و برای بانوان حداقل ٢٠٠٠ کالری در روز به این منظور نیاز است.
مقدار انرژی که در هر کدام از مواد سه گانه (قند، چربی و پروتین) غذایی روزانه وجود دارد، به قرار زیر است:
کاربوهایدریت، یک گرام چهار کالری انرژی آزاد می‌نماید.
چربی‌ها، یک گرام ٩ کالری انرژی آزاد می‌نماید.
پروتین‌ها، یک گرام چهار کالری انرژی آزاد می‌نماید. (صانعی، ١٣٩٣، ٣٦)
با توجه به آماری که ارائه شد، در غذای ما باید طوری مواد در نظر گرفته شوند و به اندازه‌ای خورده شوند که از مقدار مورد نیاز بدن بیشتر نگردد که این مقدار خوردن غذا در روز را غذای سالم می‌گویند و بیش‌تر از آن، برای بدن مضر بوده و حتی به عنوان یک سم در بدن عمل خواهد کرد.
فشار خون بالا، مشکلات قلبی، مشکلات هضمی، عدم فعالیت درست سیستم‌های بدن و مواردی از این قبیل، ضررهایی‌اند که در صورت عدم کنترل برنامه غذایی، به بدن وارد می‌گردند.

فهرست منابع

صانعی، د. صفدر، (١٣٩٣ خورشیدی)، همیشه لاغر و سلامت باشید (پیش‌گیری و درمان چاقی، چربی خون، سرطان و ...)، چاپ پنجم، انتشارات نوین، تهران
عصاریان، محمد مهدی، (١٣٨٩ خورشیدی)، رژیم غذایی و تغذیه مناسب بر اساس گروه‌های خونی (انسان، غذا، سلامت)، چاپ اول، انتشارات ماشی، تهران
هارت ویگ، کرستن، (١٣٩١ خورشیدی)، کاری شمار رژیم غذایی سالم، مترجم: سمیه موحدی فرد، چاپ اول، انتشارات همگرا، قم

اسارت و جدا ناپذیری آن از مکتب جهاد

حافظ محمد داود مهاجر

اسارت و جهاد با هم عجین اند؛ بلکه اسارت از مراحل سخت راه جهاد شمرده می‌شود. کمتر مجاهدی را شاید سراغ داشته باشید که جرعه‌ای یا جرعه‌هایی از جام تلخ اسارت را سر نکشیده باشد. از چند ساعت و چند روز گرفته تا چند ماه و سال و تا رفتن به سکوی اعدام.

در طول بیست‌سال جهاد در برابر اشغالگران و مزدورانشان دوبار مورد این امتحان الهی واقع شده‌ام و با مجاهدان بسیاری در زندان‌های پلچرخی و بگرام رفاقت و همراهی داشته و درس‌هایی از این دانشکدهٔ تجربی حاصل کرده‌ام.

در زندان‌ها مجاهدانی بودند که چندین سال و بعضی‌ها بیشتر از ده‌سال را سپری کرده بودند! کسانی که در ابتدای اسارت نوجوان بوده‌اند و اکنون میان‌سال گشته و تارهای سفید در محاسن‌شان دیده می‌شد!

اما گذشته از این‌ها، مجاهدانی را نیز دیدم که به اعدام محکوم شده بودند و هر روز را در انتظار اجرای حکم اعدام سپری می‌کردند. نه اینکه آنها از این حکم نگران باشند و شب‌وروزشان تلخ بگذرد! نه هرگز نه؛ بلکه بسیار با حوصله، صبر و متانت، اوقات زندان‌شان را با ذکر، دعا، تدریس و تعلیم و عشق به شهادت سپری می‌کردند.

زمانی که جوانی، رشادت و خوبی آنها را مشاهده می‌کردیم، از حکم هجده سال خود بی‌پروا می‌شدیم و

اگر از طرف زندانیان اعتصابی رخ می‌داد و دادرسی‌ای می‌شد، اولین درخواست همهٔ زندانیان این بود که اعدامی‌ها را از قید حکم برهانند و باید این حکم‌شان نقض شود و به حبس تعزیری تبدیل شود. چنانچه گاهی چنین افواهاتی از طرف منسوبین حکومتی به‌خورد ما داده می‌شد که تسلی‌بخش ما می‌گشت و بسیار خوشحال می‌شدیم و اصلا فکر آزادی خود را در سر نمی‌آوردیم.

لله الحمد که با پافشاری و استقامت پی‌درپی مبارزان میدان سیاستِ امارت اسلامی، بسیاری از برادر مجاهد ما آزاد شدند و بلکه اکثریت آن کسانی که حکم اعدام گرفته بودند از قید رها گشته و به فضای باز آزادی برگشتند.

الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات

زندان هم از خود دنیایی دارد. آنانی که به خاطر عقیده گرفتار شده بودند، باوجود تمامی تنگناها و کاستی‌ها باز هم در فضایی معنوی و بهشتی روحی زندگی می‌کردند. اکثر وقت‌شان را به علم و تعلیم آن، به ذکر و تلاوت قرآن داده بودند. ضمنا اینکه در بسی اوقات، به ورزش، بازی‌های تفریحی و جمعی و شوخی‌های باحال رو می‌آوردند و از این رهگذر جسم و روح را با هم نزدیک می‌کردند؛ تا شادی هر دو را فرا بگیرد.

زندان معنویت خاصی به مجاهدان داده بود؛ به‌خصوص به آنهایی که به بگرام انتقال داده شده بودند؛ زیرا آنجا غیر از مصروفیت به علوم دینی و قرآنی، دیگر مشغولیتی فراهم نمی‌گردید؛ چنانچه در زندان‌های ولایتی و پلچرخی سهولت‌ها و مشغولیت‌های زیادی به‌چشم می‌خورد.

بعضی از دوستان ما حکم اعدام گرفته بودند و حتی به محل اعدام منتقل شدند. نان و آب بر آنها قطع شد و چوبهٔ دارشان برابر گردید؛ اما ناگاه دوباره از اعدام‌شان منصرف شدند بنابر علت‌هایی که برای ما نامعلوم بود و در حقیقت "تدبیر کند بنده، تقدیر زند خنده".

مجاهدان خود را آمادهٔ پوشیدن لباس شهادت کرده بودند؛ ولی تقدیر الهی دست‌شان را گرفت و مفتخرانه با صد ناز و کرشمه و گل‌های آویخته به گردن، به خانه‌ها و سنگرهای‌شان باز گرداند.

در همان شب‌هایی که جهت اعدام آورده شده بودند یکی از آن برادران می‌گفت خوابی دیده است و در آن خواب این آیت تلاوت می‌شد: لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ، آری، هیچ چیزی بر چیزی دیگر بدون امر الهی نمی‌تواند پیشی بگیرد. مردن و زنده بودن در اختیار الله متعال است و کسی نمی‌تواند آن را عقب و جلو بیندازد. آن برادر با دیدن این خواب، چنین الهام شده بود که تقدیر الهی چیزی دیگر غیر از اعدام را برای آنها رقم زده است.

نتیجهٔ سخن اینکه از زندان نهراسیم؛ چون دل به دریا زده‌ایم و به سوی ذاتی بزرگ و عظیم پرها و بال‌های خود را گشوده‌ایم؛ پس، از موج‌های این سو و آن سوی دریا نترسیم؛ گرچه دعای عافیت را همیشه ورد زبان کرده و اسباب احتیاط را کاملا رعایت کنیم.

به مجاهدانِ در زندان رسیدگی کنیم. امورات و مخارج‌شان را در زندان‌ها فراهم کنیم؛ چون سهولت‌هایی را که ادارهٔ کابل درنظر گرفته است، در حد صفر اند. چه بسا مجاهدانی که در زندان‌ها لباس‌شویی می‌کردند، خدمت دیگران را به عهده داشتند تا نان و نفقه‌ای به‌دست بیاورند؛ اما باز هم دیده می‌شد که مسئولان امارت اسلامی به صورت ماهانه، کمک‌خرجی‌ای برای آنها می‌فرستادند؛ اما لازم است تا مردم متدیّن و دین‌دوست ما، دلگرمیِ هر اسیر مظلومی را از طریق کمک به خانواده و بچه‌های‌شان به‌دست بیاورند و رضایت الهی را از آن خویش کنند؛ تا مسئولیت دینی و دنیوی خود را ادا کرده باشند.

۷ رمضان المبارک ۱۴۴۲هق

باغچه علم، معرفت و آگاهی

ارشادات ناب

جمع‌آوری: عبدالله هروی

هدایات قرآنی

[خدای] رحمن. قرآن را یاد داد. انسان را آفرید. به او بیان آموخت. خورشید و ماه بر حسابی [روان]اند. و بوته و درخت به او سجده می‌کنند. (سوره مبارکه الرحمن/ آیات ۱ تا ٦).

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آنِ خداست. و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می‌بخشد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (سوره مبارکه البقره/ آیه ۲۸۴).

بی‌گمان به بنی آدم کرامت بخشیدیم، و ایشان‌را (بوسیلهٔ مرکوب‌های رهوار) در خشکه و بحر برداشتیم، و به ایشان از چیزهایی پاکیزه روزی دادیم، و ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم فضیلت بخصوص دادیم. روزی‌که هر (فرقهٔ) مردم را با پیشوای ایشان بخوانیم. پس هرکه کتاب (یعنی نامهٔ اعمال) او به دست راست او داده شود، همین‌ها نامهٔ خویش را (با خوشی) می‌خوانند، و به ایشان ذره‌ای ستم نمی‌شود. (سوره مبارکه الاسراء/ آیه‌های ۷۰ و ۷۱).

و بی‌گمان به تو هفت آیه‌ای از دوتایی‌ها (یعنی آیات هفتگانه سوره فاتحه را که مکرر خوانده می‌شود) و قرآن عظیم (الشأن) را دادیم. چشمان خود را به آنچه به گروه‌هایی از ایشان دادیم مدوز، و بر ایشان اندوهگین مشو، و بال خود را بر مؤمنان بگستر. و بگو: « حقا که منم آن بیم دهندهٔ آشکار. » (سوره مبارکه الحجر/ آیه‌های ۸۷ تا ۸۹).

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از

عقیده خود برمی گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت[شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است. (سوره مبارکه البقره/ آیه ۱۴۳).

اگر او (یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم) را کمک نکنید، بی‌گمان خداوند او را هنگامی کمک کرد که کافران او را بیرون راندند، (او) دوم دو نفری بود که در غار بودند، هنگامیکه به یار خویش می‌گفت: « غم مخور، حقا که خدا با ماست. » پس خداوند آرامش خود را بر او نازل فرمود، و او را با لشکرهایی تأیید کرد که آنها را نمی‌دیدید، و کلمهٔ کافران را فروتر ساخت (یعنی ایشانرا زبون و خوار گردانید)، و کلمهٔ (اراده و حکم) خدا همانست بلندتر، و خداوند صاحب قدرتِ مُنیع (و) باحکمت است. (سوره مبارکه التوبه/ آیه ۴۰).

از شکیبایی و نماز یاری جویید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان. همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت (سوره مبارکه البقره/ آیات ۴۵ و ۴۶).

پس [بدان که] با دشواری آسانی است. آری با دشواری آسانی است. پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش. و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور (سوره مبارکه الشرح/ آیات ۵ تا ۸).

همانا خدا فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید. و چون با خدا عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکّد و استوار کردید مشکنید، چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته‌اید؛ همانا خدا به هر چه می‌کنید آگاه است. (سوره مبارکه النحل/ آیه های ۹۱ و ۹۲).

درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند. از آن خبر بزرگ. که در باره آن با هم اختلاف دارند. نه چنان است به زودی خواهند دانست. باز هم نه چنان است بزودی خواهند دانست. آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم. و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم] . (سوره مبارکه النبإ/ آیه‌های ۱ تا ۷).

و حق را به باطل درنیامیزید و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید کتمان نکنید. و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید. (سوره مبارکه البقره/ آیه ۴۲ و ۴۳).

دُر گفته‌های نبوی ﷺ

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: یقینا (مثال) مومن برای مومن مانند ساختمانی است که هر بخش آن، باعث تقویت بخش دیگرش می‌شود. (صحیح البخاری).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: همانا راستگویی انسان را به نیکی هدایت می‌کند و نیکی انسان را به بهشت می‌رساند. (صحیح البخاری).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: آگاه باشید، هر کس که می خواهد سوگند یاد کند، فقط به نام الله، سوگند یاد کند. (صحیح البخاری).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: دو رکعت نماز (سنت) صبح از دنیا و آن چه در دنیاست بهتر است. (صحیح المسلم).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: کسی که خداوند برای او اراده خیر می‌کند، او را دین دانشمند و عالم می‌گرداند. (صحیح المسلم).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: رضایت و خوشنودی خداوند متعال در رضایت و خوشنودی پدر است و ناراحتی و نارضایتی خداوند، در ناراحتی و نارضایتی پدر است. (سنن ترمذی).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: مثال هدایت و دانشی که که الله مرا با آن مبعوث گردانیده، مانند بارانی است که بر زمین می‌بارد، زمینی که حاصل‌خیز باشد، آب باران را در خود جذب می‌کند و در نتیجه در آن علف و گیاهان فراوانی می‌روید. و زمینی که سخت است، آب را بر روی خود نگه می‌دارد و الله مردم را از این آب بهره‌مند می‌سازد و از این آب می‌نوشند و با آن کشاورزی و آبیاری می‌کنند. اما شوره‌زار و زمین خشک، بارانی را که در آن می‌بارد، در خود نگه نمی‌دارد و هیچ گیاهی به بار نمی‌آورد. زمین حاصل‌خیز مثال کسی است که از دانش و بینش دینی برخوردار می‌شود و الله او را از هدایت و دانشی که مرا با آن برانگیخته، بهرهمند میسازد، لذا خود میآموزد و به دیگران نیز آموزش میدهد. اما زمین شوره‌زار، مثال کسی است که به احکام و علوم دینی توجهی نمی‌کند و رهنمودهایی را که از سوی الله آورده‌ام، نمی‌پذیرد. (متفق علیه).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کس نماز صبح و عصر را (همیشه) بخواند، داخل بهشت می‌شود. (صحیح بخاری).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: کسی که سنت مرا زنده کند، به طور قطع مرا دوست داشته و کسی که با من محبت و دوستی داشته باشد، به همراه من در بهشت است. (سنن ترمذی).

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: الله متعال علم و دانش و فرزانگی و حکمت را به این صورت که آن را از قلب‌های بندگان بیرون آورد، از بین نمی‌برد، بلکه علم و دانش را با از بین بردن علماء و فرزانگان حقیقی و راستین از بین می‌برد تا این که با مرگ علمای حقیقی، دیگر عالم و فرزانه‌ی دینی باقی نمی‌ماند و آنگاه مردم، افراد جاهل را به عنوان بزرگ برمی‌گزینند و چون از آنان پیرامون احکام شرعی سوال شود، ناآگاهانه و از روی جهل و بی‌خردی، فتوا دهند. در نتیجه هم خود گمراه می‌شوند و هم موجبات گمراهی و ضلالت دیگران را فراهم می‌آورند. (متفق علیه).

۱ : عقیده

عقیده از عقد گرفته شده که به معنی بستن و گره‌زدن است و منظور آن در این‌جا، نوع باوری است که قلب شخص با آن گره می‌خورد و نسبت به آن باور جازم می‌نماید، خواه این باور مطابق واقع باشد یا نباشد.

گره خوردن دل به باور از سه دریچه صورت می‌گیرد:

۱ : اطمینان قلبی؛ زمانی که فرد در اعماق دل و قلب خود نسبت به چیزی باورمند شود، و آن را درست و مطابق واقع بینگارد و حقیقت بداند.

۲ : قناعت عقلی؛ و آن زمانی است که انسان با عقل خود در پرتو دلایل عقل‌پسندانه، نسبت به آن چه که به آن باور دارد، به قناعت عقلی برسد و باورهای خود را مخالف عقل و خرد نداند.

۳: مشاهده محسوس؛ و آن زمانی است که یک شخص، چیزی را که نسبت به آن باور دارد، عینا و با یکی از حواس پنجگانه خود دریابد، طوری که اگر قابل دید است، با چشم ببیند و اگر قابل لمس است با دست لمس کند و یا اگر از امور چشیدنی و شنیدنی است، با دهان و گوش آن را عیناً حس نماید.

عقیده حد بالای باور است، باوری عمیق و خلل‌ناپذیر، زمانی که یک باور به این حد برسد می‌توان بر آن اطلاق عقیده کرد. در عقیده لازم است هیچ شکی در کنار آن نسبت به معتقدات راه نیابد، زیرا اگر چنین شود آن عقیده نه که نوعی باور عادی و زود گذر و متزلزل است.

باید توجه داشت که هرگونه شک منافی وجود عقیده است، چون عقیده هیچ گونه شک را بر نمی‌تابد و نمی پذیرد و اگر انسانی در عقیده خود شک داشته باشد، این به معنی آنست که عقیده ندارد.

این از مفهوم لغوی عقیده و اما عقیده اسلامی، باید گفت: عقیده اسلامی زمانی به ظهور می رسد که انسان مسلمان نسبت به آن چه از سوی اسلام آورده شده و در قرآن کریم و سنت مطهر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بیان شده، باور عمیق و اعتقاد جازم پیدا کند و آن را مطابق با واقع و عین حقیقت بداند. هرگاه باور انسان تا این حد ارتقا یابد، عقیده به وجود می آید.

۲: آموزه‌ها

بر مردان در موارد آتی، غسل واجب است:

الف: خروج منی از روی شهوت، ولو بدون مقاربت جنسی باشد (مثلا در خواب صحنه‌های لذت آور ببیند که از اثر آن، از او منی خارج شود.

ب: مقاربت جنسی میان زن و مرد که بر اثر آن بر هر دو غسل واجب می‌شود. البته لازم است تا سر آله تناسلی مرد لا اقل در مهبل و آله تناسلی زن غایب شود، در سایر موارد از قبیل بوسیدن و در آغوش گرفتن و از این قبیل هرگاه با خود خروج منی را نداشته باشد. غسل واجب نیست.

ج: مشاهده منی بر لباس مرد صبحگاه وقتی از خواب بیدار می‌شود هم موجب غسل است. اگرچه احتلامی در یادش نباشد.

د: اگر بعد از بیهوشی یا مستی، چنین مایعی مشاهده کرد، احتیاطاً بر او غسل لازم است.

در خصوص فرض‌های غسل باید عرض کرد که برای غسل کننده، چه مرد باشد یا زن سه چیز فرض است که باید حتما در هنگام غسل انجام دهد. مضمضه کردن با شستن دهان، استنشاق یعنی داخل نمودن آب در بینی و شستن آن، شستن تمام بدن بدون این که جایی بر بردن او خشک بماند.

زن اگر گیسوان بلند داشت که بافته بود، اگر آب غسل به ریشه موی یعنی پوست سر برسد کافی است و نیازی نمی‌باشد تا بافت گیسوان خود را باز کند. اما مرد اگر گیسوان داشت و بافته بود، باید آنها را باز کند و بشوید ولو آب به ریشه و اصل موی هم برسد.

مرد باید ریش خود را بشوید و در شستن آن مبالغه نماید، یعنی خلال ریش را انجام دهد تا تمام ریش شسته شود. همچنان لازم است تا مرد و زن داخل ناف و داخل گوش‌ها و قسمت‌های بیرونی گوش که روی هم قرار دارد را نیز بشویند.

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی

بخش سی و سوم

فراموش کردن سجده سهو در نماز

اگر تصمیم داشتیم سجده سهو بجا آوریم و نماز را تا آخر خواندیم و سجده سهو از یادمان رفت چه کنیم؟

الجواب باسم ملهم الصواب

اگر در نماز سجده سهو واجب شود (مانند ترک یک واجب، تأخیر یا تقدیم واجب یا فرض) و فرد آن را فراموش کند و سلام دهد، در صورتی که پس از سلام با کسی صحبت نکرده و از قبله روی برنگردانده باشد، باید به محض یادآوری دو سجده انجام دهد. سپس بنشیند، تشهد، درود شریف و دعا را بخواند و سلام دهد. با این کار نمازش صحیح می‌شود.

اما اگر پس از سلام با کسی صحبت کرده یا از قبله روی برگردانده باشد، این نماز با نقصان ادا شده است و اعاده آن در وقت واجب است. اگر وقت گذشته باشد، تأکید بر اعاده کمتر است ولی انجام دادن آن بهتر خواهد بود.

دلایل و منابع

سوال

نماز میں سجدہ سهو کرنا بھول گیا تو کیا کرنا ہے؟

جواب

اگر نماز میں سجدہ سهو لازم ہوجائے (مثلاً کوئی واجب رہ جائے، یا کسی واجب یا فرض میں تاخیر ہوجائے یا تقدیم وتاخیر ہوجائے) اور وہ سجدہ کرنا بھول جائے اور سلام پھیر لے تو اگر اس نے سلام کے بعد کسی سے بات نہیں کی اور سینہ قبلہ سے نہیں پھیرا تو یاد آتے ہی دو سجدہ کرے پھر بیٹھ کر التحیات، درود شریف اور دعا پڑھ کر سلام پھیر دے تو اس کی نماز ہوجائے گی۔ اور اگر اس نے کسی سے بات چیت کرلی یا قبلہ سے سینہ پھیر دیا تو اب یہ نماز نقصان کے ساتھ ادا ہوئی ہے، اس کا وقت کے اندر اندر اعادہ کرنا واجب ہے، اور وقت کے بعد اعادہ کرنے کی تاکید کم ہے، البتہ اعادہ کرلینا بہتر ہے۔

فقط واللہ اعلم

فتوی نمبر : ۱٤٤٠٠٨٢٠٠٢٠٦

دارالافتاء : جامعہ علوم اسلامیہ علامہ محمد یوسف بنوری ٹاؤن

تلاوت قرآن چه حکمی دارد؟

الجواب حامداً و مصلیاً
قرآن کریم علاوه بر اینکه کتاب خداوند است، یکی از شعائر اسلام نیز به شمار می‌آید. تعظیم آن ایجاب می‌کند که هر مسلمان آن را بخواند و به احکام الهی که در آن آمده است، عمل کند. در حدیث شریف، کسانی که قرآن را یاد می‌گیرند و یاد می‌دهند، در زمره بهترین افراد قرار گرفته‌اند.

به عنوان یک مسأله، خواندن کامل قرآن یک بار در زندگی فرض کفایه است. اگر شخصی در حالی که به سایر احکام اسلام عمل می‌کند، بدون خواندن کامل قرآن از دنیا برود، از ثواب مذکور محروم خواهد شد، اما به خاطر این امر گناهکار نخواهد بود. لازم به ذکر است که هر مسلمان باید به اندازه‌ای از قرآن مجید را یاد بگیرد که بتواند نماز خود را ادا کند. بنابراین اگر کسی حتی به اندازه‌ای از قرآن که برای ادای نماز کافی باشد، حفظ نکرده باشد، به وضوح به خاطر عدم نماز خواندن گناهکار خواهد بود.

دلایل و منابع

حجة الله البالغةمیں ہے:
«و معظم شعائر الله أربعة: القرآن، والكعبة، والنبي، والصلاة. أما القرآن فكان الناس شاع فيما بينهم رسائل الملوك إلى رعاياهم، وكان تعظيمهم للملوك مساوقا لتعظيمهم للرسائل، وشاع صحف الأنبياء ومصنفات غيرهم، وكان تمذهبهم لمذاهبهم مساوقا لتعظيم تلك الكتب وتلاوتها، وكان الانقياد للعلوم وتلقيها على مر الدهور بدون كتاب يتلى، ويروى، كالمحال بادي الرأي، فاستوجب الناس عند ذلك أن تظهر رحمة الله في صورة كتاب نازل من رب العالمين، ووجب تعظيمه، فمنه أن يستمعوا له، وينصتوا إذا قرئ، ومنه أن يبادروا لأوامره كسجدة التلاوة وكالتسبيح عند الأمر بذلك، ومنه ألا يمسوا المصحف إلا على وضوء.»
(باب تعظيم شعائر الله تعالى، ج:١، ص:١٣٣، ط:دارالحيل)

مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح میں ہے:
«و الحاصل أنه إذا كان خير الكلام كلام الله فكذلك خير الناس بعد النبيين من يتعلم القرآن ويعلمه، لكن لا بد من تقييد التعلم والتعليم بالإخلاص، قال الإمام النووي - رحمه الله - في الفتاوى: تعلم قدر الواجب من القرآن والفقه سواء في الفضل، وأما الزيادة على الواجب فالفقه أفضل اهـ وفيما قاله نظر ظاهر مع قطع النظر عن إساءة الإطلاق لأن تعلم قدر الواجب من القرآن علم يقيني ومن الفقه ظني، فكيف يكونان في الفضل سواء والفقه إنما يكون أفضل لكونه معنى القرآن فلا يقابل به، نعم لا شك أن معرفة معنى القرآن أفضل من معرفة لفظه وأن المراد بالقدر الواجب من القرآن تعلم سورة الفاتحة مثلا فإنه ركن على مذهبه وبالفقه معرفة كون الركوع ركنا مثلا فلا يستويان أيضا من وجوه. والله أعلم.»
(كتاب فضائل القرآن، ج:٤، ص:١٤٥٣، ط:دارالفكر)

فقط والله اعلم
فتوی نمبر : ١٤٤٤٠٦١٠١٣٦٢
دارالافتاء : جامعہ علوم اسلامیہ علامہ محمد یوسف بنوری ٹاؤن

قضاء سنت قبلي جمعه بعد از نماز جمعه

چه می‌فرمایند علمای دین مبین اسلام در این مسئله: فردی بهنگام خواندن خطبه به مسجد در روز جمعه وارد می‌شود، و سنت قبلی جمعه از او فوت می‌شود. حال آیا این چهار رکعت سنت قبلی جمعه بعد از جمعه قضاء آورده شود یا خیر؟

الجواب باسم ملهم الصواب
حکم چهار رکعت قبل از جمعه مانند چهار رکعت سنت قبل از ظهر می‌باشد، در صورت فوت شدن آن بنابر عذر فوق الذکر آنها را در وقت ظهر بعد از نماز جمعه قضاء بیاورد.

والله أعلم بالصواب
خدانظر -عفا الله عنه-
دارالافتاء حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان
١٤١٠/١/١٣هـ.ق

تهیه و ترجمه:
صلاح الدین نیمروزی

عسل زندگی: فراموشی در لذت‌ها و واقعیت مرگ

مردی در حال قدم زدن در جنگل‌های آفریقا بود که ناگهان صدای وحشتناکی که دایم پیشتر می‌شد به گوشش رسید. به پشت سرش که نگاه کرد دید شیر گرسنه‌ایی با سرعت باورنکردنی به سمتش می‌آید و بلافاصله مرد پا به فرار گذاشت و شیر گرسنه به او نزدیک و نزدیک تر می‌شد که ناگهان مرد چاهی را در مقابل خود دید که طنابی از بالا به داخل چاه آویزان بود.
سریع خود را به داخل چاه انداخت و از طناب آویزان شد. تا مقداری صدای نعره‌های شیر کمتر شد و مرد نفسی تازه کرد متوجه شد که در درون چاه اژدهایی عریض و طویل با سری بزرگ برای بلعیدن وی لحظه‌شماری می کند.
مرد داشت به راهی برای نجات از دست شیر و اژدها فکر می کرد که متوجه شد دو موش سفید و سیاه از پایین چاه از طناب بالا می‌آیند و همزمان طناب را می‌خورند و می‌جوند. مرد که خیلی ترسیده بود با شتاب فراوان طناب را تکان می‌داد تا موش‌ها سقوط کنند اما فایده‌ایی نداشت و از شدت تکان دادن طناب با دیواره‌ی چاه برخورد می کرد که ناگهان دید بدنش با چیز نرمی برخورد کرد. خوب که نگاه کرد دید کندوی عسلی در دیواره‌ی چاه قرار دارد و دستش که آغشته به عسل بود را لیسید و از شیرینی عسل لذت برد و شروع کرد به خوردن عسل، شیر و اژدها و موش‌ها را فراموش کرد که ناگهان از خواب پرید و بیدار شد.
خواب ناراحت‌کننده‌ای ی بود و تصمیم گرفت تعبیر آن را بیابد و نزد عالمی رفت که تعبیر خواب می‌کرد و آن عالم به او گفت تفسیر خوابت خیلی ساده است:
شیری که دنبالت می کرد ملک الموت(عزراییل) بوده...
چاهی که در آن اژدها بود همان قبرت است...
طنابی که به آن آویزان بودی همان عمرت است...
و موش سفید و سیاهی که طناب را می‌خوردند همان شب و روز هستند که عمر تو را می گیرند...
مرد گفت ای شیخ پس عسل چیست؟
گفت: عسل همان دنیاست که از لذت و شیرینی آن مرگ و حساب و کتاب را فراموش کرده‌ای...

گوسفند فراری و هدیه‌ای از آسمان

مردی داشت گوسفندی را از کامیون پایین می آورد تا آن را برای روز عید قربانی کند. گوسفند ازدست مرد جدا شد و فرار کرد.مردشروع کردبه دنبال کردن گوسفند تا اینکه گوسفند وارد خانه یتیمان فقیری شد.

عادت مادرشان این بود که هر روز کنار در می ایستاد و منتظر می ماند تا کسی غذا و صدقه ای را برایشان بگذارد و او هم بردارد. همسایه ها هم به آن عادت کرده بودند.

هنگامی که گوسفند وارد حیاط شد مادر یتیمان بیرون آمد و نگاه کرد .ناگهان همسای شان ابو محمد را دید که خسته و کوفته کنار در ایستاده.

زن گفت ای ابو محمد خداوند صدقه ات را قبول کند .او خیال کرد که مرد گوسفند را به عنوان صدقه برای یتیمان آورده .مرد هم نتوانست چیزی بگوید جز اینکه گفت :خدا قبول می کند.

ای خواهرم مرا به خاطر کمکاری و کوتاهی در حق یتیمانت ببخش.

بعدا مرد رو به قبله کرد و گفت خدایا ازم قبول کن.

روز بعد مرد بیرون رفت تا گوسفند دیگری را بخرد و قربانی کند. کامیونی پر از گوسفند دید که ایستاده. گوسفندی چاق و چنبه تر از گوسفند قبلی انتخاب کرد. فروشنده گفت بگیر و قبول کن و دیگه با هم منازعه نکنیم. مرد گوسفند را برد وسوار ماشین کرد. برگشت تا قیمتش را حساب کند .فروشنده گفت این گوسفند مجانی است و دلیلش هم این است که امسال خداوند بچه گوسفندان زیادی به من ارزانی نمود و نذر کردم که اگر گوسفندان زیادی داشتم به اولین مشتری که به او گوسفند بفروشم هدیه باشد.

پس این نصیب توست...

صدقه را بنگر که چه چیزیست!!!

صدقه دهید چونکه کفن بدون جیب است

زندگی‌نامهٔ مختصر

شهید زرخان خالد تقبله الله

نویسنده: احمدالله وفا
مترجم: احمدالله مهاجر

شهید زرخان، فرزند حبیب‌الرحمن، در سال ۱۳۷۶ ه.ش، در ولایت میدان‌وردک، قریهٔ عشرت‌خیل (که مربوط مرکز می‌باشد)، در خانواده‌ای مجاهدپرور و دین‌دوست دیده به جهان گشود.

وی در سال ۱۳۷۸، همراه با برادر بزرگ‌تر خود، به قصد حفظ قرآن راهی پاکستان شد. در آن‌جا، پس از اتمام دورهٔ ناظره، پنج جزء قرآن کریم را حفظ کرد، و سپس به افغانستان بازگشت و در محلهٔ خود آموزش‌های ابتدایی را آغاز نمود.

شهید زرخان خالد در سن ۱۳ سالگی در میان مجاهدین اعتماد کامل کسب کرده بود؛ به همین سبب، از سوی قاری صاحب سیدآغا یعقوب، به عنوان مسئول نگهداری اسلحه و مهمات تعیین شد. با وجود وضعیت نامناسب اقتصادی‌اش ــ که ناشی از زندانی‌بودن برادر بزرگش در بگرام بود ــ از قاری صاحب سیدآغا درخواست نمود تا در کابل، در غزوات چریکی، برایش مأموریتی در نظر بگیرد.

قاری صاحب سیدآغا که از پیش با هوش و ذکاوت او آشنا بود، مسئولیت یکی از گروپ‌های چریکی را به وی سپرد و هم‌زمان توصیه کرد که شغلی دیگر نیز اختیار کند تا از یک‌سو نفقهٔ حلال کسب کند و از سوی دیگر، در اذهان مردم شبهه‌ای ایجاد نشود.

با گذشت زمان، حملات متعددی علیه دشمن انجام داد و خواب را بر دشمنان دین و میهن حرام ساخت؛ اما پس از سه‌سال، فردی مطلوب و شناخته‌شده گردید. در نتیجه، به دستور قاری صاحب سیدآغا، بار دیگر به میدان‌وردک فرا خوانده شد و با مجاهدین نظامی یک‌جا گردید. در ادامه، در حملات و کمین‌های بسیاری شرکت کرد و در استفاده از اسلحهٔ درازنوف و لیزری، نقش برجسته‌ای داشت؛ به‌گونه‌ای که دشمنان حتی در خواب نیز آرامش نداشتند.

با آن‌که سن‌وسالش کم بود، اما چنان شجاعت و دلیری از خود نشان می‌داد که هیچ‌گاه از به‌کارگیری هیچ‌گونه اسلحه‌ای پرهیز نمی‌کرد. به‌ویژه در استفاده از سلاح ۸۲، بسیار ماهر و برجسته شده بود.

شهید زرخان خالد با استفاده از اسلحهٔ ۸۲، پنج تانک دشمن را از بین برد؛ دو تانک را در ساحهٔ نهر پولاد (از مربوطات مرکز میدان‌وردک)، دو تانک دیگر را در ساحهٔ غنداخیل (از همان مرکز)، و یک تانک دیگر را در نزدیکی مقام ولایت میدان‌وردک هدف قرار داد.

مسئولیت‌ها:

یک‌ونیم سال پیش از فتح، زمانی که قاری صاحب سیدآغا به شهادت رسید و برادرش قاری صاحب نورآغا جانشین وی شد، شهید زرخان خالد به عنوان مسئول همان گروه منصوب گردید. در این سمت، نقش مهمی ایفا کرد و توجه بزرگان و مجاهدین را به خود جلب نمود. پس از آن، مسئولیت قطعهٔ سرخ نیز به او واگذار شد. وی در این مسئولیت نیز طرح‌های زیادی

را اجرا کرد. از ویژگی‌های بارز او، حضور همیشگی در صف مقدم نبرد بود و پوسته‌های زیادی را فتح نمود؛ از جمله، پوستهٔ فامیلی که در آن‌جا دست و چشمش زخمی شدند.

هفت روز پس از آن، در نزدیکی مقام ولایت، هنگام تعرض به یک پوسته، بار دیگر مجروح شد و این‌بار لبان و زبانش آسیب دیدند، اما باز هم خداوند متعال او را حفظ کرد.

سرانجام پوستهٔ ملاوردک، ولسوالی جلریز و خودِ مقام ولایت فتح گردید.

یکی از کارنامه‌های ماندگارش این بود که به امر والی محترم، «حمزه صاحب»، مسئولیت حفر تونل زیر بیز «شهیدان» به او سپرده شد. وی موفق شد در مدت ۱۷ روز، ۹۰ متر تونل حفر کند و همین اقدام باعث شد نیروهای مستقر در بیز، فرار را بر قرار ترجیح دهند.

شهید زرخان خالد دارای اخلاقی نیکو بود، به‌گونه‌ای که هرکس برای نخستین‌بار او را می‌دید، احساس می‌کرد سال‌ها با او دوستی داشته و بارها درخواست ملاقات مجدد می‌داد.

مسئولیت‌ها و کارنامه‌های پس از فتح:

شهید زرخان خالد پس از فتح نیز با کمال صداقت و امانت‌داری، در راستای تثبیت و تحکیم نظام اسلامی مبارزه نمود. با مشورهٔ بزرگان، در ولسوالی بهسود ولایت میدان‌وردک، با ۸۰ تن دیگر که سرپرستی‌شان بر عهدهٔ او بود، علیه علی‌پور و دیگر باغیان عملیات تصفیوی انجام داد؛ منطقه را از وجود آنان پاک‌سازی کرد و با غنایم فراوان بازگشت.

سپس به سوی پنجشیر، جهت عملیات تصفیوی با قطعهٔ ۳۰۰ نفری اعزام گردید. در آن‌جا نیز مناطق زیادی را از وجود باغیان پاک ساخت و اسلحه‌های زیادی را به غنیمت گرفت. بعد از آن، به فرمان بزرگان، به منظور مقابله با خوارج، به ننگرهار رفت و همراه همان قطعه، به عنوان معاون عملیات، مأمور شد. در آن‌جا نیز پیروزی‌هایی حاصل گردید.

در ادامه، برای حفاظت از دروازهٔ مرزی تورخم، به مدت دو ماه به آن‌جا اعزام شد و پس از آن، به عنوان امیر قطعهٔ سرخ، در قطعهٔ عملیاتی «بتار» مربوط ریاست استخبارات تعیین گردید. در دوران مسئولیت خود، عملیات‌های موفقی علیه خوارج در مناطق مختلف کابل انجام داد؛ از جمله، حمله بر خوارج در منطقهٔ خیرخانه که در آن پنج تن از آنان کشته شدند؛ بار دیگر، در منطقهٔ کارته‌سخی کابل که چهار تن از خوارج به هلاکت رسیدند و یک تن دیگر به اسارت درآمد.

در نوبت سوم، چنان شد که شهید زرخان خالد شب جمعه به خاطر برخی مصروفیت‌ها به خانه نرفته بود؛ اما روز جمعه بعد از عصر، زمانی که به خانه رفت، خستگی‌اش هنوز رفع نشده بود که تماس تلفنی برایش آمد. دوستانش گفتند: «امشب عملیات است، اما شما خود را به زحمت نیندازید، ما هستیم». اما او نپذیرفت و پاسخ داد: «خود را آماده کنید، من می‌آیم!»

لباس جدیدی بر تن کرد و عازم شد. مادرش با صدایی نگران صدا زد:

«خالد جان! حالا دیگر فتح آمده است، در خانه بمان؛ هر مجاهدی حالا در خانه است، اما تو نیستی!». او با آرامش گفت: «مادر جان، فقط دعا کن!»

تا دروازه، همسر، مادر و برادرش او را همراهی کردند.

در همان‌جا، برادرش با لحنی شوخ گفت: «خالد، امشب را بمان!»

او با تبسمی شیرین سپاس‌گزاری کرد. مادرش پرسید: «فرزندم، چرا چنین گفتی؟»

وی با حالتی تأمل‌برانگیز پاسخ داد:

«مادر جان، دیدی؟ مثل مهمانی که فقط برای یک ساعت آمد و باز رفت... هنوز یک ساعت هم نگذشته!»

شب‌هنگام، به کابل رسید و بی‌درنگ خود را به مجاهدین رساند و آنان را آماده نمود. در منطقهٔ کارته‌نو، بر خوارج که در خانه‌ای پنهان شده بودند، همچون شیری دلیر حمله برد، و در پایان این عملیات، شش تن از داعشی‌ها به هلاکت رسیدند و دو تن دیگر زنده دستگیر شدند.

در همین عملیات، شهید زرخان خالد در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۳۰ جان شیرین خود را فدای دین و وطن کرد؛ در حالی که تنها یک‌ونیم سال از ازدواجش گذشته بود.

إنا لله وإنا إليه راجعون.

د افغانستان اسلامي امارت

بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان

پیام تسلیت امارت اسلامی در مورد تلفات حادثه ترافیکی در هرات

بسم الله الرحمن الرحیم

با نهایت تأثر و اندوه اطلاع یافتیم که شام گذشته در ولایت هرات بر اثر تصادم و آتش‌سوزی بس، ده‌ها تن از هموطنان ما شهید و زخمی گردیده‌اند.

انا لله و انا الیه راجعون

امارت اسلامی به دلیل این حادثه دردناک، از درگاه الله جل جلاله برای تمام شهدا جنت الفردوس، برای مجروحان شفای عاجل و برای خانواده‌های آنان صبر جمیل و اجر جزیل استدعا می‌نماید.

به مسئولین ترانسپورتی هدایت داده می‌شود که هرچه زودتر معلومات دقیق حادثه را فراهم سازند و جزئیات مربوط به جانب مقصر را شریک نمایند.

الله متعال سر و مال مردم ما را از آسیب‌ها محفوظ بدارد و دیگر چنین غم‌ها را رخ نه دهد. والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۲۶/۲/۱۴۴۷ هـ ق

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت ۱۰۶ مین سالروز استقلال

بسم الله الرحمن الرحیم

یکصد و شش سال قبل، به همین روز مردم مسلمان و غیور افغانستان به نصرت الله پاک و به برکت یک معرکه قوی جهادی، امپراتوری آن زمان استعمار انگلیس را مجبور ساختند که استقلال کامل افغانستان را بپذیرد و صلاحیت سیاست خارجی کشور ما را که در آن زمان از سوی انگلیس‌ها سلب شده بود، دوباره به افغان‌ها اعاده کنند.

این پیروزی در نتیجه فداکاری، قربانی و جهاد مجاهدین افغان بدست آمد که تا اکنون مردم به آن افتخار می‌نمایند و آنرا می‌ستایند.

همچنان پس از آن پیروزی، افغان‌ها در دو محاذ بزرگ (در مقابل اتحاد شوروی سابق و بعداً اشغال امریکایی) نیز کامیابی‌های پی در پی بدست آوردند که الحمدلله در تاریخ ما از آن باب بزرگ شجاعت و فداکاری افغان‌ها ساخته شد.

شکست دادن سه قدرت بزرگ جهانی در یک قرن،

نخست نصرت و احسان الله جل جلاله و پس از آن عزم قوی ایمانی و غیرت این مردم مظلوم بود که بخاطر حراست از دین، عقیده و استقلال‌شان نشان دادند.

اکنون زمان آن فرارسیده است که جوانان و نسل‌های آینده ما، در نقش قدم اسلاف‌شان گام بردارند و همیشه در مقابل هرنوع تجاوز و اشغال با اراده محکم و عزم قوی ایستادگی نمایند و از تاریخ گذشته خویش درس مثبت بگیرند.

امروز ۲۸ اسد، روز استقلال را در حالی تجلیل می‌نماییم که چهار روز قبل، از روز فتح و آزادی از اشغال امریکایی، گرامیداشت به عمل آوردیم. این خرسندی‌های پی درپی شکرانه و اطاعت پی هم الله تعالی را از ما می‌طلبد و ما باید پایبند قوی شریعت مقدس باشیم و هر کامیابی را احسان و نصرت الله جل جلاله بدانیم. والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۷/۲/۲۵هـ ق

۱۴۰۴/۵/۲۸هـ ش ــ ۱۹/۸/۲۰۲۵م

اعلامیۀ امارت اسلامی افغانستان در مورد حملات رژیم اسرائیل بر سوریه

بسم الله الرحمن الرحیم

امارت اسلامی افغانستان، حملات رژیم اسرائیل بر خاک سوریه، به‌ویژه بر دمشق و دیگر مناطق را به شدیدترین الفاظ محکوم می‌نماید.

این‌گونه تجاوزها نه تنها نقض حاکمیت یک کشور مستقل است، بلکه یک جنایت سیستماتیک به هدف بی‌ثباتی بیشتر و گسترش هرج و مرج در منطقه می باشد.

امارت اسلامی افغانستان از کشورهای مؤثر منطقه و نهادهای ذیربط می‌خواهد که مسؤولیت خود را در برابر این تجاوزات ایفا نموده، مانع تکرار این حملات شوند، و به استقلال و حاکمیت ملی مردم و دولت مشروع سوریه احترام بگذارند. والسلام

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۷/۱/۲۰هـ ق

۱۴۰۴/۴/۲۵هـ ش-۱۶/۷/۲۰۲۵م

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در مورد حکم به اصطلاح محکمه بین المللی

یکبار دیگر نهادی به اسم محکمه بین المللی اعلام نموده که شماری از بزرگان امارت اسلامی باید گرفتار و محاکمه شوند.

این چنین اعلانات و مزخرفات، بالای عزم راسخ و موقف شرعی امارت اسلامی هیچگونه تأثیری نمی گذارد.

ما هیچ نهادی را به نام محکمه بین المللی نمی شناسیم و نه به آن کدام التزام داریم.

در حالیکه نسل کشی رژیم صهیونیست اسرائیل و حامیان خارجی آنان در غزه فلسطین جریان دارد و به اصطلاح در زیر چشم محکمه بین المللی هر روز صدها زن و کودک بدون کدام دلیل کشته می شوند، سر دادن شعارهای حقوق بشر، محکمه بین المللی و انصاف جای شرم و خجالتی است.

رهبری و بزرگان امارت اسلامی به اساس قوانین مقدس شریعت اسلامی، عدالت بی پیشینه را در افغانستان حاکم ساخته اند.

نسبت دادن قوانین شریعت اسلامی برخلاف بشر و ظلم و دادن اخطار گرفتاری و محاکمه کردن تطبیق کنندگان آن، نمایانگر دشمنی آشکار و نفرت از دین مقدس اسلام و قوانین شرعی می باشد و توهین به اعتقادات همه مسلمانان محسوب می‌شود.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی

۱۴۴۷/۱/۱۲هـ ق

۱۴۰۴/۴/۱۷هـ ش ــ ۸/۷/۲۰۲۵ م

اعلامیه ریاست الوزراء امارت اسلامی افغانستان در پیوند به اخراج مهاجرین افغان و وضعیت اخیر آنان از ایران

از جمهوری اسلامی ایران و مردم آن کشور بخاطر میزبانی مهاجرین افغان در چهار دهه گذشته ابراز امتنان می نماییم.

از اینکه در این اواخر حکومت ایران تصمیم اخراج

مهاجرینی را گرفته اند که اسناد قانونی اقامت ندارند، آنرا فیصله مسئولین ایرانی می‌پنداریم.

در خصوص مهاجرین افغان بر اساس مسئولیت امارت اسلامی افغانستان همواره از جانب ایرانی تقاضا نموده ایم که در روند اخراج مهاجرین افغان، به اصول تدریج، آبرومندی و حسن همجواری توجه کنند تا از یکسو در جریان اخراج، حقوق مهاجرین رعایت شود و از جانب دیگر ادارات مسئول حکومت افغانستان بتوانند، امور تنظیم مهاجرین را به گونه درست مدیریت نمایند.

بالای مسئولین ایرانی صدا می نمایم که هنگام اخراج از نقض حقوق و تحقیر مهاجرین افغان اجتناب صورت گیرد و اجازه دهند تا مهاجرین اموال منقول خود را به کشور خویش انتقال داده بتوانند و اموال غیر منقول و حسابات شان را به گونه معقول تصفیه نمایند.

همچنان از مسئولین ایرانی خواهشمندیم که در جریان اخراج، برای مهاجرین در توقفگاه های شان تمام تسهیلات لازم را فراهم نمایند تا در این گرمای شدید به مشکلاتی که در چند هفته گذشته مواجه شدند، دیگر روبرو نشوند.

از مسئولین امارت اسلامی و مردم معزز خویش که در جریان بازگشت هموطنان شان خدمت کردند، از صمیم قلب ابراز امتنان میکنم و از الله تعالی برای آنان در آینده توفیق خدمت هرچه بیشتر و اجر عظیم استدعا دارم.

در اخیر یکبار دیگر تاکید می کنم که مسئولین ایرانی باید در اخراج مهاجرین از تدریج و تحمل کار بگیرند تا این موضوع سبب انزجار و نفرت میان ملت های دو کشور نه گردد. والسلام

رئیس الوزراء امارت اسلامی افغانستان

۱۴/۱/۱۴۴۷ه ق

۱۹/۴/۱۴۰۴ ه ش - ۱۰/۷/۲۰۲۵م

اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در پیوند به گرسنگی و مظلومیت زنان و کودکان در غزه

با تأسف فراوان هنوز هم در غزه فلسطین، صدها هزار مسلمان تحت تجاوز، وحشت، گرسنگی، تشنگی و امراض شدید ظالمانه و بمباران وحشیانه صهیونیست های اسرائیلی قرار دارند.

امارت اسلامی افغانستان یکبار دیگر، مظالم صهیونیست‌های اسرائیلی، فشار گرسنگی و محاصره و سرکوب افراد ملکی، استفاده از کمک‌رسانی به عنوان دام، بمباران و به شهادت رساندن زنان و کودکان را به شدیدترین الفاظ محکوم می‌نماید.

امارت اسلامی از تمام امت مسلمان، کشورهای اسلامی و سایر جهت های موثر می خواهد که هرچه عاجل راه های رسانیدن کمک های بشری به کودکان و زنان مظلوم غزه را هموار سازند و در آنجا دیگر ظلم و جبر جاری را به پایان برسانند، در غیر آن در حضور الله جل جلاله هیچگونه عذری نداریم و همه ما به عذاب سخت الهی مواجه خواهم شد.

از الله تعالی استدعا داریم که هرچه زودتر مسلمانان غزه را نجات دهد و بالای صهیونیست های ظالم و حامیان آنان، چنان عذابی را نازل فرماید که تمام بشریت آن را نظاره کند و عبرت بگیرد.

آمین یا رب العلمین

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۷/۱/۲۴هـ ق

۲۹/۴/ ۱۴۰۴ هـ ش ـ ۲۰/۷/۲۰۲۵ م

بزم شعر و ادب

ملتی با عزم متین

ملت ما، ملت افغان زمین
ملتی آزاده با عزم متین

ملتی که بَردگی هرگز نکرد
زین سبب تاریخ او پُر از نبَرد

ملتی روشن ضمیر از نور دین
حرّیت با اصل و بنیادش عجین

آمدند افرنگ و شرقیّان ز دور
در پی اِغفال این ملت به زور

لیک گشتند روبرو با کوه غم
ملتی محکم چو سدی لاجَرَم

باز گشتند با سری افکنده خم
ملت افغان نشد تسخیر غم

زین زمین روئید گل از لاله ها
خون سرخ پاک افغان‌ها بَها

مکر استعمار شد اینجا هبا
مِی‌نگر تو شاهد است تاریخ ما

هر که آمد تا زِ ما گیرد اجیر
بردگانی خودفروش و بی‌ضمیر

منهزم شد، داعیِ صلح و گذشت
سربسر شد لاشه ها در کوه و دشت

ملت ما، ملتی سر بر کف است
جملگی در خط پیکار هم‌صف است

نور اسلام است چراغ این حیات
حُرِّیت، تردید لات و هم مَنات

ای «مهاجر» تا که افغان زنده است
دین اسلام و جهاد پاینده است

مهاجر

افغانستان عزیز

زادگاهم بلخِ باستان همچنان باستانی ام
میهنم را دوست دارم چون که من بامیانی ام

کابل و هرات و لوگر مهدِ علم و دانش است
تا رسی نیمروز و فاریاب تو بدان بغلانی ام

غزنی و تخار و زابل مردمانِ یک چمن
من ز هلمند یا فراه همچون که یک لغمانی ام

آن سمنگان و بدخشان جای یاقوت و عقیق
از ولایت سرپل یا که نورستانی ام

پکتیا و پکتیکا مردانِ شجاع و دلیر
خوست و دایکندی و وردک یا که من پروانی ام

من ندارم هیچ تفاوت بین این کندز و غور
کاپیسا و بادغیسی ام یا که ارزگانی ام

کندهار و ننگرهاری یا که پنجشیر و کنر
هیچ تفاوت نیست بر من چون که من جوزجانی ام

این ولایت های زیبا بر دلِ (نسیم) عزیز
چون که هر جا باشم اما تو بدان افغانی ام

نسیم مبارز

ستایش سخن و حکمت و اندرز

آنچه او هم نوست و هم کهن است
سخن است و در این سخن سخن است

ز آفرینش نزاد مادر کن
هیچ فرزند خوبتر ز سخن

تا نگوئی سخنوران مردند
سر به آب سخن فرو بردند

چون بری نام هر کرا خواهی
سر برآرد ز آب چون ماهی

سخنی کو چو روح بی عیب است
خازن گنج خانه غیب است

قصه ناشنیده او داند
نامه نانبشته او خواند

بنگر از هرچه آفرید خدای
تا ازو جز سخن چه ماند به جای

یادگاری کز آدمیزاد است
سخن است آن دگر همه باد است

جهد کن کز نباتی و کانی
تا به عقلی و تا به حیوانی

باز دانی که در وجود آن چیست
کابدالدهر می تواند زیست

هر که خود را چنانکه بود شناخت
تا ابد سر به زندگی افراخت

فانی آن شد که نقش خویش نخواند
هرکه این نقش خواند باقی ماند

چون تو خود را شناختی بدرست
نگذری گرچه بگذری ز نخست

وانکسان کز وجود بی خبرند
زین درآیند وزان دگر گذرند

روزنه بی غبار و در بی دود
کس نبیند در آفتاب چه سود

هست خشنود هر کس از دل خویش
نکند کس عمارت گل خویش

نظامی گنجوی

دي عهد و توبه كردي امروز درشكستي
دي بحر تلخ بودي امروز گوهرستي

دي بايزيد بودي وندر مزيد بودي
و امروز در خرابي دردي فروش و مستي

دردي بنوش اي جان بسكل ز هوش اي جان
ازرق مپوش اي جان تا كه صنم پرستي

امروز بس خرابي هم جام آفتابي
ني كدخداي ماهي ني شوهر مهستي

افزوني از مساكن بيروني از معادن
آن نيستي وليكن هستي چنانك هستي

يك گوشه بسته بودي زان گوشه خسته بودي
آن بسته را گشودي رستي تمام رستي

حيوان سوار نبود جز بهر كار نبود
حيوان نه اي تو حيي جستي ز كار جستي

تو پيك آسماني چون ماه كي تواني
تا تو سوار پايي تا تو بدست شستي

خامش مده نشاني گرچه ز هر بياني
شد مرهم جهاني هر خسته اي كه خستي

مولانا جلال الدين محمد بلخى

رسول رحمت (صلی الله علیه و سلم)

ای شکوهِ ماه و میچید و ثریا و شهاب
پیش رویت آب گردد، پیکر صد آفتاب

پیش چشمت بشکند، آیینه‌ی دریا و موج
هم غرور آسمان و هم پر و بال عقاب

ارزش و تابندگی و رنگ را از دست داد
پیش لبخند تو، یاقوت و گل و لعل مذاب

این جهان در خویش دیده‌ست انقلاباتی، مگر
انقلاب سبز تو گردیده، شاه انقلاب

خط کشیدی بر سر قوم و زبان و مرزها
تیغ ماندی بر گلوی نقشه‌های انشعاب

تا که شاهین نگاهت در جهان پَر، باز کرد
رفت در کام تباهی؛ لشکر شومِ غراب

از نهاد عالَم هستی و از جسم جهان
پاک کردی زخم‌های مدهش و پُرالتهاب

صدجهان‌آیینه سر زد، با تفاسیر قشنگ
از دل آیینه‌زارِ حضرت اُمّ الکتاب

روشنی‌بخش جهان‌استی، تورا باید که گفت
آفتابِ آفتابِ آفتابِ آفتاب

ای رسول پروجاهت، ای شکوه کاینات!
باد بر روح بلند تو درود بی‌حساب

عبدالله حامد تاتار

قلب آسیا

در نهاد ما تب و تاب از دل است
خاک را بیداری و خواب از دل است

تن ز مرگ دل دگرگون می شود
در مساماتش عرق خون میشود

از فساد دل بدن هیچ است هیچ
دیده بر دل بند و جز بر دل مپیچ

آسیا یک پیکر آب و گل است
ملت افغان در آن پیکر دل است

از فساد او فساد آسیا
وز گشاد او گشاد آسیا

تا دل آزاد است آزاد است تن
ورنه کاهی در ره باد است تن

همچو تن پابند آیین است دل
مرده از کین زنده از دین است دل

علامه اقبال لاهوری

Healthy Food, Healthy Life

By: Abdullah Herawi

From birth to the end of life, all living beings deal with different factors. Some of these are essential, and some are not. One of the most important factors for human survival is nutrition. Just as humans cannot live without food and need energy to do daily tasks, eating healthy food in the right way is just as important.

The title "Healthy Food, Healthy Life" shows how food affects our life overall. It also covers some smaller topics that play a big role in living a healthy life, especially in terms of health. In this article, with trusted sources, the impact of healthy food on human health is explained. It also shares information about what healthy food is and how much food a person needs daily.

Series of Jihad Memories; Part 11
Captivity and Its Strong Connection with Jihad

By: Hafiz Muhammad Dawood Mohajir

Captivity and Jihad are deeply connected. In fact, being captured is considered one of the hardest stages of the path of Jihad. There are very few Mujahideen who haven't tasted the bitter experience of captivity, from a few hours or days, to months and years, and even to the execution.

During the 20 years of Jihad against the occupiers and their helpers, I was tested by this challenge twice and I spent time in prison with many Mujahideen in Pul-e-Charkhi and Bagram. Those prisons became a school of experience, where I learned many lessons.

There were Mujahideen who had spent many years in prison, some even more than ten years! some were teenagers when they were captured, but now they had become middle-aged, with white hairs in their beards.

Beyond that, I also saw Mujahideen who had been sentenced to death and they waited every day for their execution, but they were not afraid or bitter about it. Not at all! they spent their time in prison calmly, with patience, prayers, teaching, learning, and love for martyrdom.

Freedom Day

By: Abu Irfan

The harm caused by occupation is clear to any fair and wise person. But to truly understand it, we need to look at the situation in occupied countries like Iraq, Syria, and Palestine. These examples show how occupation damages both the physical and mental foundations of a nation, and brings serious problems.

So, when a land is captured, it means freeing it from occupation, colonial control, attacks, and disrespect. Occupation crushes basic human rights. Colonialism controls people's thoughts and aggression destroys moral and human boundaries.

This conquest means opening a new chapter rebuilding, healing, fixing, and creating a society based on Islamic values and beliefs.

24th Asad; The Beginning of the Calendar of Freedom from the Evils of American Modernization Theory

By: Basharat Qatghani

At the start of this article, we need to explain a bit about "modernization." What is it? Where did it come from, and why was it developed?

Modernization is a theory, just like dependency theory and world-systems theory, that tries to explain why some societies develop and progress, while others stay behind. Each of these three theories offers its own ideas and solutions about development and underdevelopment. This article focuses on the modernization theory and how the American modernization ended in Afghanistan.

Modernization theory started in the United States. It spread after the second World War, when America became a global superpower. The thinkers behind this theory were concerned about why Third World countries were not developing and they wanted to stop these countries from turning toward the growing communist movement at the time.

Types of Calligraphy in the Grand Ancient Herat Mosque

By: Mohammad Sediq Mir

The calligraphy styles used in the Grand Mosque of Herat, Dar-ul Saltanah include Thuluth, Nastaliq, Kufic from the 12th century during the Ghurid era, Kufic from the 14th century during the Timurid period in Herat, and also Naskh script.

All these styles were written as special inscriptions in the Herat school of art by skilled and talented instructors of this ancient land. They were then crafted using colorful mosaic and seven-color tiles, and installed throughout the sacred mosque, shining like the sun in every corner.

According to Ustad Abdul Jalil Tawana Herawi, head of the Ancient Herat Calligraphy Association, "If we briefly look at how these scripts are used, we can say that in historical monuments and mosques. All styles include small, regular, bold, and inscription, are used. Because these places are large, visually striking, and meant to be seen from a distance, the writing must be in inscription style."

From America's Defeat to the IEA's Victory; A Look Back at a Historic Event

By: Mohammad Dawood Ishaqzai Yousufi

The 11th September attacks in 2001 changed America forever; its future, foreign policy, and the lives of its people. That dark, smoky day left a deep mark of defeat. The next morning, Americans woke up to a fearful world and a shocked city. For the first time, the country known for its strong security had been hit hard, and its two major trade towers had collapsed.

In the following days, President George Bush announced the start of war, launching a new phase of aggressive military policies. Many experts quickly predicted that the U.S. would turn this tragedy to its advantage and make up for its failure.

But after 20 years, the world came to a different conclusion; the U.S. did not achieve the goals it had set by attacking Iraq and Afghanistan, and in the end, it failed.

The Afghan Nation's Warm Celebration of 24th Asad and Its Message to the World

By: Saes Saeedi

On 24th Asad, the people of Afghanistan celebrated the anniversary of the IEA's takeover. This day sent many messages to the world. It marked the end of a long period of foreign occupation and the fall of a government seen as controlled by outsiders. More importantly, it reflected the people's hope and determination for a better and more stable future under the IEA.

Message of Peace and Stability: One of the key messages of this celebration was the Afghan people's desire for peace and stability. After 20 years of war and unrest caused by foreign forces and their allies, Afghans have learned that progress and economic growth can only happen through security and calm. The public celebration of this day shows that people want the current situation to continue. Through this joyful event, Afghans are telling the world they seek peaceful coexistence and are ready to work with other countries in a positive and cooperative way.

Four Years of Power, Security, and National Pride; The Glowing Record of the IEA

By: Milad Hakimi

On 24th Asad, Afghanistan entered a new chapter in its history. The sound of war ended, and the flag of national rule was raised once again over the country. This day reminds people of the victory of the Afghan people's will and the full return of independence to the hands of its own citizens. Now, four years later, under the IEA, Afghanistan is moving forward with strength, security, and a sense of pride toward a brighter future.

Nationwide Security and the End of Decades of Insecurity: One of the biggest achievements of these four years has been the establishment of lasting peace across the country. For the first time in over 40 years, Afghans are living in calm. According to local reports, armed crimes and terrorist incidents have dropped to their lowest levels in the past 20 years. Roads that were once dangerous are now safe for trade and travel. Cities are peaceful, and villages are quietly focused on farming and daily life. This security has protected people's lives and property, and brought back hope to society.

24th Asad; The Dark Night Ended; A Bright Morning Arrived

By: Mustafa Tokali

The Islamic Ummah (community) is one that never dies or disappears. It is a living and dynamic nation, whenever it sets in one corner, it rises from another, and its light shines brightly across the world. The more this Ummah is struck, the stronger and more resilient it becomes. Just like glass when broken, it becomes sharper.

If we take a quick look at the past two decades of our beloved country, Afghanistan, we see how the enemies of religion and homeland invaded our land like hungry people attacking a dish, each trying to grab more than the other.

Let's look closely at how all the disbelieving nations and their allied organizations joined forces and traveled thousands of miles to destroy a small and poor country. Their goal was to steal our religion and take Islam away from us. But these foolish ones took the wrong path, the road to Turkestan led them to a graveyard instead. Did they get the address wrong, or did they fail to learn from the mistakes of their ancestors? Which one was it?

24th Asad; A Turning Point in Afghanistan's History

By: Abu Emad Ahmadi

Every nation's history is filled with days that are not only political and social turning points, but also act like bright lamps in the darkness, guiding future generations. For the ancient and eventful land of Afghanistan, the 24th of Asad is one of those defining days. It marked the end of a long and complicated chapter, and the beginning of a new page in the story of this nation. On the 24th of Asad)1400 Solar Year), after two decades of foreign military presence, the fate of Afghanistan was once again placed in the hands of its people and local leadership. For Afghans, this day became a symbol of independence and the return of national sovereignty, a day when hopes for peace, security, and rebuilding were revived.

24th Asad; The Return of Independence in Afghanistan!

By: Shujaat Muhammadi

For the oppressed but brave people of Afghanistan, the 24th of Asad is a day of victory, earned through many sacrifices. These sacrifices were made for the establishment of an Islamic system, and this day marks the promise of that sacred system.

Three years ago, on the 24th of Asad)1400 Solar Year), the U.S. occupation across Afghanistan came to an end, and the sun of independence rose once again. Afghans remember this day as one of honor, pride, and history. They say that with the return of the IEA, violence, corruption, and oppression ended, and people could finally breathe in peace again.

The 20-year occupation ended, and the Afghan nation found renewed hope for peace. Bloodshed stopped, night raids disappeared, and the IEA was established as the new government. Alongside its rule, an unprecedented level of security was restored throughout the country.

Statement of the IEA on the Fourth Anniversary of the Mujahedeen's Victory, Liberation from American occupation, and the Complete Conquest

In the name of Allah, the Most Merciful, the Most Compassionate.
Allah Almighty says in the Holy Quran: "إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا" (Al-Fath, 1).
Also, Allah Almighty says in the Holy Quran: "وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ" (Al-Saaffat, 173).
Prophet Muhammad (peace be upon him) says: "الحمدُ للّهِ الّذي صدقَ وعدَهُ ، ونصرَ عبدَهُ ، وَهَزَمَ الأحزابَ وحدَهُ" (Al Hadith, narrated by Ibn Majah).
And may Allah's peace and blessings be upon Prophet Mohammad, and his family and all his companions.
Praise be to Allah Almighty, four years have passed since the great victory achieved by the Mujahideen of the IEA, with the help of Almighty Allah, and the liberation of Afghanistan from American occupation and its allies.
To establish a sacred Islamic system in Afghanistan, the Afghan people endured many hardships and made great sacrifices over nearly fifty years.
After the end of the occupation, Afghanistan gained a sacred Islamic system. For the first time in decades, nationwide security was established. People were freed from corruption, oppression, land grabbing, drugs, theft, and looting, under the light of Islamic law.
A suitable environment was created for rebuilding and developing Afghanistan. Our fellow citizens were freed from language, ethnic, regional, political, and other divisions. These are great blessings from Allah Almighty that our people should not forget. During the celebration of Conquest Day, we should thank Allah Almighty abundantly so that He may give us even more blessings.
But if, Allah forbid, we do not show gratitude and become unthankful, then we may face severe punishment from Allah Almighty.
Allah Almighty says in the Holy Quran: "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ" (Ibrahim, 7).
Additionally, we must continue to honor the sacrifices and duties of our martyrs, prisoners, and Mujahideen.
My firm instruction to all officials of the IEA is to serve the Islamic system and the Muslim people, and to work for the comfort and well-being of the public. All ministers and members of the cabinet of IEA should stop using the word 'acting' in their titles.
All officials of the IEA must not forget the families of the martyrs who died in jihad, and they should give full attention to caring for orphans.
We ask Allah Almighty to always bless our country with an Islamic system, and to protect it from every kind of enemy and keep it safe under His care.
May Allah Almighty grant unity and harmony to the entire Muslim community, and may He give a clear and great victory to the Muslims of Palestine.
Ameen, O Lord of the Worlds.

The Leader of the IEA; Amir-ul Momineen Sheikh-ul Quran & Hadith Mawlawi Hibatullah Akhundzada
1447/2/21
1404/5/26
2025/8/15

Introduction:

الَّذِی خَلَقَ الْمَوتَ وَالحَیٰوهَ لِیَبلُوَکُم أَیُّکُم أحسَنُ عَمَلاً وَ هُوَ العَزِیزُ الغَفُورُ

Translation: He is the One Who created death and life in order to test which of you is best in deeds. And He is the Almighty, All-Forgiving. (Al-Mulk, 2)

Productivity means achieving organizational goals by efficiently converting inputs into outputs at the lowest possible cost. It depends on two key factors; effectiveness and efficiency. The higher these two are, the greater the productivity. In contrast, low effectiveness and efficiency lead to reduced productivity. Ultimately, productivity is about maximizing the use of resources, workforce, and systems in a scientific way to lower costs and increase satisfaction for employees, managers, and consumers.

Strengthening Faith; A Vital Need for Every Muslim with Quranic Signs and Divine Verses

Compiled by: Abdullah Herawi

One of the important pieces of guidance that Almighty Allah has given to Muslims for living a dignified and successful life is the invitation to think deeply and reflect on His signs and verses. This message is repeated many times in the Holy Quran.

In this article, I will explore some of these signs, which are like drops from the sea knowledge. These are taken from five blessed verses of the Holy Quran.

A Muslim strives in life to perform actions that are pleasing to Allah. Through worship, they seek spiritual growth, which leads to understanding, discovering and truth.

This article focuses on five verses from Surah Al Rad, which is in the 13th chapter of the Quran. It was revealed in Mecca and contains 43 verses. The Surah begins with a general discussion about matters of belief: "الٓمٓر * تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ"

Translation: Alif-Lãm-Mĩm-Ra. These are the verses of the Book. What has been revealed to you ˹O Prophet˺ from your Lord is the truth, but most people do not believe. (Al-Rad,1)

The Importance of Compassion and Kindness in Islam (Sunni Perspective)

By: Professor Said Sadiq Gilani

Compassion and kindness are among the most beautiful moral qualities, and Islam strongly emphasizes them. A true Muslim is someone with a soft heart, gentle speech, and kind behavior, someone who follows the moral example of Prophet Muhammad (peace be upon him). Kindness is not a sign of weakness. It is a sign of true humanity and strong faith.

As Allah Almighty says in the Holy Quran: "وَما أَرْسَلْناكَ إِلاّ رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ"

Translation: We have sent you ˹O Prophet˺ only as a mercy for the whole world. (Al-Anbya,107)

The Prophet Muhammad (peace be upon him) was a mercy to all creation. He treated even his enemies with kindness, so imagine how gentle he was with his companions and believers. The Prophet of Mercy, Muhammad (peace be upon him), said: "الراحمون يرحمهم الرحمن".

Translation: Those who show mercy will be shown mercy by the Most Merciful. (Sunan Tirmidhi, authentichadith)

Effective Water Management; A Guarantee for Future

By: Sultan Ahmad Javid

Water is a vital resource for all living beings and has become a central topic of discussion in many countries around the world, including Afghanistan. Due to climate change, water now stands at the first topic of regional and global policy agendas, with every nation striving to manage both surface and underground water sources.

As one of the key pillars of economic and social development, water plays a crucial role in sustaining economic growth, environment, and human resources. Despite its importance, Afghanistan's water resources are limited and not suitable for uncontrolled use. Mismanagement could pose serious risks to the country's future.

The flowing waters that originate from Afghanistan's towering mountain ranges require careful oversight. Fortunately, promising development plans have been introduced in this area. Without a doubt, the implementation of these projects, especially the construction of water dams and control systems, will be essential for future.

Industry; The Main Driver of Economic Growth and the Foundation of Sustainable National Development

By: Ahmadullah Jalali

Industry is one of the most important sectors of a nation's economy, playing a central role in shaping its economic structure and guiding its development path. From a major perspective, industry is not merely a collection of factories, but it is a complex system of production activities, technology, research and development, and resource management that influences every aspect of economic and social life.

The experience of developed countries shows that industrial development has been the key factor behind economic growth and improvements in people's quality of life.

In today's world, where global competition is rapidly intensifying, relying solely on traditional economic sectors cannot guarantee sustainable growth. Therefore, industrial development is not just an economic necessity, it is a strategic imperative for maintaining and strengthening a country's position in the global economy.

The Importance of Productivity in Organizations

By: Abdul Hakim Noor

Organizations are the cornerstone of modern societies, established to meet the diverse needs of people and solve complex problems. Productivity, as a mindset, aims to make today's performance better than yesterday's and tomorrow's better than today's. This concept has gained significant attention from managers and experts as an effective tool for achieving organizational goals.

The most common element found in research definitions of productivity is the ratio between what is used in the production process and what is produced. This ratio is essentially what defines productivity within organizations.

Keywords: Organization, Efficiency, Effectiveness, Productivity & Resources

A dedicated commission has been created within it's structure to address nationwide migrant-related issues. This body oversees all institutions that provide services to returning migrants.

- Coordination with Countries and International Organizations:

Through diplomatic engagement, the IEA has worked with host countries, especially those that had kept their doors open to Afghan migrants in recent decades to facilitate their return and protect their legitimate rights. Additionally, cooperation with international organization has led to greater coordination and smoother repatriation processes.

The Role of Trade in Expanding International Relations and Its Benefits for Afghanistan

By: Shafiqa Amiri

Trade is recognized as one of the most important tools for interaction between countries in today's world. Nowadays, it is not only an economic tool, but also a political, cultural, and even security tool. By expanding trade relations, countries not only gain financial benefits but also contribute to international stability.

The global economy is a complex network of mutual dependencies. Within this network, successful nations are those that exchange not only goods, but also trust, cooperation, and long-term benefits.

Although Afghanistan is a landlocked country, it sits at the crossroads of three major cultural and civilizational regions: Central Asia, the Middle East, and South Asia. This strategic location gives Afghanistan the potential to transform from an isolated nation into a vital trade corridor. However, realizing this potential depends on peace, a transparent customs system, and stable diplomatic relations.

Afghanistan can begin by exporting goods to neighboring countries and expand to more distant nations. Countries that are economic partners typically avoid political confrontation. This simple but effective principle could serve as the foundation for Afghanistan's political diplomacy. Building stable trade relations with neighboring countries can pave the way for resolving border, migration and security issues.

The Kandahar-Herat-Balkh Railway Project; A Revolution in Afghanistan's Land Transportation

Compiled by: Abdullah Mujahid

Since the rise of the IEA, officials have made tireless efforts to improve the country's economy and the lives of its people. Among the many national plans and initiatives, the expansion of transportation networks across Afghanistan stands out as a key development priority.

In addition to the major Herat–Khaf railway project as one of the largest undertakings by the IEA in the rail transport sector, a new development plan is now underway for the Kandahar–Herat–Balkh railway. This project is considered a major revolution in Afghanistan's trade and economic parts.

The IEA is currently working on expanding the Mazar-e-Sharif railway, which connects Afghanistan to Uzbekistan. Linking this line to the Herat railway will allow goods to move easily through Uzbekistan to Central Asian markets. This not only boosts trade but also sharps economic growth in northern and western Afghanistan.

Summary of the Contents of this Issue of «Haqiqat» Magazine in English

Translator and editor: Saeed-ul-Rahman Haneef

Opening Words...

Independence was shaped by values, achieved through values and will be preserved by values

In every society, values play one of the most fundamental roles in guiding the community toward the goals its people aspire to. These values accompany and guide individuals from birth to death.

Just as a single brick forms the foundation of a house, each person forms the foundation of human society. The stronger and more genuine the individual, the more resilient the house, and the stronger the society one that can withstand storms and disorder without falling apart. What strengthens the individual are values, those respected principles that everyone in society is expected to uphold.

For nations, territorial integrity is a value. Every citizen sees defending it as a personal duty and rejects any form of invasion or occupation.

In our ancient homeland, Afghanistan a country that has repeatedly taught invaders harsh lessons throughout its history, the value of defending the nation against unjust occupation runs deep in the veins of every citizen. It is a legacy passed down from our forefathers to today's generation.

Four Years Under the IEA; A Policy of Achieving the Impossible in Afghanistan

Author: Yasin Aktay

Translated by: Zamir Herati

It has been four years since the United States and all NATO members withdrew from the quagmire of Afghanistan. If we take August 15 as the reference date, we can subtract nine days from that period.

Calling Afghanistan a "quagmire" may be accurate for the occupiers. But for those who seek to enter the country legally and legitimately, Afghanistan is a paradise on earth with beautiful nature and climate, as well as the resources granted by Allah Almighty.

Perhaps the most telling remark on this subject came from one of the representatives of the IEA during the recent negotiations over the withdrawal of foreign forces.

The IEA's Success in Managing Returning Migrants in Afghanistan

By: Navid Agha Sahibzada

Since the IEA took control in Afghanistan, one of the key priorities for its relevant institutions has been encouraging the return of Afghan migrants. Fortunately, in recent years, this process has begun and has been managed effectively.

In this regard, the IEA has made efforts to organize the return of migrants, improve reception conditions, and provide essential services. The following points highlight some of the IEA's achievements in managing the flood of returning migrants:

- Establishment of a Special Commission for Migrants:

روز پیروزی ملت و نصرت الهی

بـیست‌وچهارم اسد، از درخشان‌ترین روزهای تاریخ معاصر افغانستان است؛ روزی که پس از بیست‌سال اشغال و جنگ، ملت مسلمان و مجاهد ما بار دیگر طعم آزادی، عزت و استقلال را چشید. چهار سال پیش در چنین روزی، پس از نبردی پیوسته و جان‌فرسا که نزدیک به دو هفته به طول انجامید، مجاهدین امارت اسلامی با فتح ۳۲ ولایت و بر اساس فرمان مسئولین نظامی و پس از اعلان عفو عمومی از سوی عالی‌قدر امیرالمؤمنین -حفظه‌الله- وارد کابل شدند تا حاکمیت اسلامی را در سایهٔ امنیت و آرامش مستقر سازند.
ایـن روز، یادآور پیروزی ایمان بر ظلم، اراده بر ستم و عزت بر اسارت است. بیست‌سال جنگ و اشغال، هزاران شهید و مجروح بر جای گذاشت، خانه‌های بی‌شماری را ویران کرد و قریه‌های بسیاری را زیر بمباردمان از میان برد. اما با وجود همه این رنج‌ها، ملت ما هرگز تسلیم نشد. مجاهدین، همچون کوه های سربه‌فلک‌کشیدهٔ این سرزمین، در برابر طوفان ایستادند و سرانجام با نصرت الهی توانستند پایتخت کشور را از چنگال اشغالگران آزاد سازند.

فتح ۲۴ اسد، تنها یک رویداد نظامی نه؛ بلکه آغاز فصل تازه‌ای از حیات سیاسی و اجتماعی افغانستان بود. امارت اسلامی در چهار سال گذشته، در حوزه‌های مختلف به‌ویژه امنیت، سیاست و اقتصاد، دست آوردهایی مهم داشته و با تمام توان در تلاش است که راه توسعه و رفاه را هموار کند. مسئولین، با توکل بر خداوند متعال، خود را مکلف می‌دانند که به مردم خدمت کنند، دروازه‌های پیشرفت را بگشایند و زمینه ساز آینده‌ای روشن باشند؛ هرچند این مسیر نیازمند صبر، حوصله و همراهی ملت عزیز ما است.

ایـن روز بـزرگ را به تمام مردم شریف افغانستان تبریک می‌گوییم. ۲۴ اسد نماد ایستادگی، ایمان و اتحاد است و پیام آن برای نسل‌های آینده این است که هیچ نیرویی توان خاموش‌کردن شعله آزادی را در دل های بیدار ندارد. از قربانی‌ها، استقامت و همکاری ملت در بیست‌سال مقاومت و سه‌سال گذشته سپاس گزاریم و امید داریم که با اتحاد و اخلاص، فردایی آباد برای این سرزمین بسازیم. حوصله و همراهی ملت عزیز ما است.

ایـن روز بـزرگ را به تمام مردم شریف افغانستان تبریک می‌گوییم. ۲۴ اسد نماد ایستادگی، ایمان و اتحاد است و پیام آن برای نسل‌های آینده این است که هیچ نیرویی توان خاموش‌کردن شعله آزادی را در دل های بیدار ندارد. از قربانی‌ها، استقامت و همکاری ملت در بیست‌سال مقاومت و سه‌سال گذشته سپاس گزاریم و امید داریم که با اتحاد و اخلاص، فردایی آباد برای این سرزمین بسازیم.

سخن روز/امارت اسلامی افغانستان

کابل- ۲۵ اسد ۱٤۰٤هـ ش

HAQIQAT

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine
Volume: 12, Issue: 6, August & September2025

کار ساخت یک مسجد در ولسوالی دامان ولایت کندهار تکمیل شد

این مسجد که در شاهراه کابل-کندهار قرار دارد در سه جریب زمین اعمار شده و ظرفیت ۳۰۰ نمازگزار را در یک وقت دارد.

برای ساخت این مسجد ۳۵ میلیون افغانی هزینه شده و تمام امکانات لازم برای نمازگزاران را دارد.

ارتباط با ما

۰۰۹۳-۷۹۴۳۶۹۲۹۹ واتساپ

ایمیل haqiqat.mag@gmail.com

ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

توئیتر Twitter.com/HaqiqatMagazine

تلگرام T.me/haqiqatmagazine